

## آموزش فا در کنفرانس فای دستیاران در چانگ چون

لی هنگجی، ۲۶ ژوئیه ۱۹۹۸

مدتهاست که شما را ندیده‌ام. بسیاری از شما که اینجا حضور دارید، تعداد زیادی از شما، هرگز شخصاً مرا ندیده‌اید. با این حال شما خود را به‌خوبی تزکیه کرده‌اید، و می‌توانم بگویم که هیچ تزکیه‌کننده واقعی عقب‌نمانده است. این برای کسانی که مرا شخصاً دیده یا ندیده‌اند مشابه است. تا زمانی که در این مسیر تزکیه می‌کنید، با شما به‌طور متفاوتی رفتار نخواهد شد. (تشویق)

بسیاری از شما که اینجا حضور دارید دستیار هستید و همکاری‌های بسیاری برای دافا انجام داده‌اید. شما فکر می‌کنید که کارهایی که انجام می‌دهید کاملاً ساده به نظر می‌آیند و بر خلاف یک شغل نظارتی فردی عادی است، که برای آن پول دریافت می‌کند. شما کارها را به‌طور کامل از روی اشتیاق و درک خود از دافا انجام می‌دهید. به نظر می‌رسد این چیزها کاملاً ساده هستند و گویا هیچ چیز حیرت‌انگیزی در مورد آنها وجود ندارد. اما، می‌توانم به شما بگویم چیزهایی که در این سمت بشری عادی، به نظر می‌رسد که دنیوی و معمولی باشند، شاید در قلمروی تزکیه شما بسیار حیرت‌انگیز باشند - قلمرویی که نمی‌توانید ببینید. (تشویق) به عبارت دیگر، شما نباید کارتان برای دافا را بسیار ساده در نظر بگیرید. از آنجاکه شما این کار را انجام می‌دهید باید آن را به‌خوبی انجام دهید. موجودات سطح بالا اغلب به من می‌گویند که فکر می‌کنند توانایی شما برای همکاری و کمک به دافا در اینجا، برای زندگی آینده‌تان یک بنیان عالی برای یک دوره فوق‌العاده طولانی در دوره تاریخی بعدی به‌جای می‌گذارد. به عبارت دیگر، آنها به شما حسادت می‌کنند؛ زیرا فرصت انجام این کارها را ندارند. اگر همه آنها می‌آمدند زمین قادر به نگه داشتن آنها نمی‌بود. بنابراین این کاری عادی نیست. در حال حاضر، در اجتماع عادی بشری، چیزهای زیادی وجود ندارند که بیش از حد فوق‌طبیعی یا بیش از حد فراتر از انسان‌های عادی به نظر برسند. چیزها صرفاً بسیار دنیوی و معمولی به نظر می‌رسند. معمولاً، در تمرین تزکیه ما، چیزهای مهیج زیادی وجود ندارند، و ما در میان انواع مختلفی از مشکلاتی که در میان مردم عادی ظاهر می‌شوند، شین‌شینگ خود را متعادل می‌سازیم.

در حقیقت، بسیاری از تمرین‌کنندگان قدیمی ما در چانگ چون می‌دانند که وقتی در ابتدا آموزش فا و تمرین‌هایمان را در روزهای اول آغاز کردیم آن اصلاً آسان نبود. قبل از اینکه بتوانیم این فا را به دوردستها و به‌طور وسیعی اشاعه داده و بگذاریم مردم بیشتری آن را بشناسند، متحمل یک دوره سخت از آزمایش‌های دشوار و محنت‌ها شدیم. بنابراین کار ما در ابتدا اصلاً آسان نبود. با این وجود ما آن را انجام دادیم. و اینجا در چانگ چون ما بود که اولین گام معرفی این فا به عموم مردم را برداشتیم. آنچه که در آن زمان آموزش می‌دادم، به اندازه آنچه که امروز آموزش می‌دهم، عمیق نبود. من فقط چیزهای دوره انتقالی را آموزش دادم، دوره‌ای که از چی‌گونگ به فای واقعی برود. بعدها، به تدریج، این فا را واقعاً به نمایش گذاشتم و اجازه دادم مردم بیشتری درباره آن بدانند. این امر بسیار نظام‌مند انجام شد، اما آن به شیوه‌های برنامه‌ریزی و تنظیم مسائل مردم عادی که در جامعه انسانی پدیدار می‌شوند، شباهت نداشت. ما شیوه‌های اداری و مدیریتی یا سایر شکل‌ها که در جامعه مردم عادی استفاده می‌شوند، را دنبال نکردیم. به نظر می‌رسد همه چیز به‌طور کاملاً طبیعی انجام می‌شود. اما این‌طور برنامه‌ریزی شده است که آن از ساده به عمیق انجام شود، زیرا اشاعه چنین فای عظیمی موضوعی جدی است.

بسیاری از شما حضار تمرین‌کنندگان قدیمی هستید. همگی درباره آن فکر کنید. در فاصله زمانی بین زمانی که این فا برای اولین بار آموزش داده شد و امروز، شما از طریق تزکیه طولانی مدت در این زمان، درک عمیقی از فا را توسعه داده‌اید. افراد بسیاری از تمام طبقات جامعه وجود دارند که در حال تزکیه هستند. هرچقدر تحصیلات فردی بیشتر باشد، سریع‌تر فا را درک می‌کند. این پدیده در روش‌های چی‌گونگ معمولی دیده نمی‌شود. چرا؟ به این علت که فای ما درست و راستین است. پس از یک دوره طولانی تزکیه، شما متوجه شده‌اید که این فا به هیچ‌وجه برخی از تئوری‌های جامعه عادی انسانی نیست. حتی اگر شما

سرتاسر تمام دانش انسانی را جستجو کنید- شرقی و غربی، باستانی و مدرن- این را پیدا نخواهید کرد. اما برای اینکه به بهترین نحو به شما اجازه داد تا آن را درک کنید، ما نیز آن را به تفکر و مفاهیم مردم مدرن مرتبط ساخته‌ایم. این به آن دلیل است که همه افراد دارای مجموعه‌ای از عقاید و تصورات ریشه‌دار هستند که پس از مدت زمان طولانی در جامعه شکل گرفته است؛ این چیزی است که با کار یا حرفه شخص در ارتباط است. به عنوان مثال، برخی افراد دانشمند هستند، بعضی از آنها در ارتش هستند، برخی در عرصه سیاست کار می‌کنند، بعضی‌ها در کسب و کار هستند و غیره. هر کسی مجموعه‌ای از عقاید و تصورات ریشه‌دار را شکل داده است، چه آن به لحاظ دستاوردهای خود فرد باشد و چه به لحاظ دیدگاه او نسبت به جهان. شما فکر می‌کنید که حقیقت باید یک راه باشد، در حالی که فرد دیگری معتقد است که حقیقت باید راه دیگری باشد. هر کسی مجموعه‌ای از عقاید و تصورات ثابت و ریشه‌دار را دارد.

بسیاری از شما هنگامی که ابتدا فا را به دست آوردید، با این عقاید و تصورات ثابت مواجه شدید، و در نتیجه فرآیند درک تدریجی را تجربه کردید. البته کسانی که مطالعه فا را در مرحله بعد شروع کردند، سریع‌تر پیشرفت کردند، و به نظر نمی‌رسد که موانع زیادی در درک فا داشته باشند. از همان ابتدا تا یک یا دو سال پیش، بسیاری از شما هنگام کسب فا، توسط عقاید و تصورات اکتسابی بعد از تولدتان مسدود شده بودید. بعضی از مردم برای ارزیابی این فا از علوم تجربی استفاده می‌کردند؛ دیگران از ماتریالیسم دیالکتیک<sup>۱</sup> برای ارزیابی این فا استفاده می‌کردند و تعیین می‌کردند که آیا آن در هماهنگی با ماتریالیسم دیالکتیک هست یا خیر. و برخی از مردم برای سنجش این فا، دیدگاه‌هایی را به کار می‌بردند که در دنیای کسب و کار ایجاد کرده بودند. به عبارت دیگر، افراد با زمینه‌های اجتماعی مختلف موانع خود را دارند. به منظور عبور از این موانع، زمانی که این فا را آموزش می‌دهم، بهترین سعی خود را خواهم کرد تا با مفاهیم مردم مدرن و روش‌های تفکر آنها هماهنگ باشم. در عین حال، زمانی که فا را آموزش می‌دهم، تمام عواملی که مانع شما برای به دست آوردن فا هستند را حذف می‌کنم. همان‌طور که می‌دانید، وقتی بسیاری از افراد برای اولین بار کتاب‌های مرا می‌خوانند، فکر می‌کنند که من درباره علم صحبت می‌کنم. در واقع این‌طور نیست. ما از شیوه تفکر فعلی انسان برای شکافتن و از بین بردن عقاید و تصوراتتان استفاده می‌کنیم و به شما اجازه می‌دهیم درک کنید. من چیزهای زیادی در این راستا انجام داده‌ام. من آن را این چنین تنظیم کردم، چون وضعیت کنونی بشریت را دیدم. هدف این بوده که به شما اجازه داده شود تا زمانی که من فا را آموزش می‌دهم این فا را به دست آورید و از آن بهره ببرید، بدون این که توسط عقاید و تصوراتتان تحت تأثیر قرار بگیرید. در نتیجه، در طول چندین سال آموزش فا، مردم بیشتر و بیشتری قادر به کسب فا شده‌اند.

دستیاران و شاگردان قدیمی در میان حضار: شما کارهای بسیار زیادی را انجام داده‌اید که نمی‌دانید فوق‌العاده هستند، واقعاً شگفت‌آور هستند. آنها در جامعه مردم عادی بسیار عادی به نظر می‌رسند. این فا عمومی شده است تا اجازه دهد مردم بیشتری، مردم از تمام طبقات جامعه، آن را درک کنند. اگر هیچ کسی آن را مطالعه نکند و هیچ کسی تزکیه نکند، هیچ به حساب می‌آید. اما فای ما حقیقت جهان را آشکار کرده است، چیزی که از ابتدای زمین و آسمان کسی درباره آن صحبت نکرده است. رویکردی که ما در آموزش فا اتخاذ کرده‌ایم، استفاده از استدلال و مفاهیمی است که انسان‌ها می‌توانند درک کنند تا موانع خود را شکافته و از بین ببرند و به آنها اجازه دهد تا اصول جهان را درک کنند. بنابراین در گذشته زمانی که ابتدا فا را به عموم معرفی کردم، می‌دانستم که مردم در یادگیری آن هیچ مشکلی نخواهند داشت. اما اینکه مردم واقعاً قادر باشند تزکیه را در عمل ادامه دهند شامل یک سؤال می‌شود: آیا ما می‌توانیم یک محیط واقعی برای تزکیه واقعی فراهم کنیم که شاگردان را قادر سازد تا به‌طور استوار در راستای ناقل شدن به کسب فا و تزکیه کردن پیشرفت کنند؟ این بی‌نهایت مهم است.

همین دیروز بود که به مسئولان مراکز دستگیری چانگ‌چون گفتم: «مهمترین وظیفه شما این است که برای شاگردان مان یک محیط تزکیه پایدار ایجاد کنید که رها از مزاحمت‌ها باشد. این بزرگترین مسئولیت شماست.» همین‌طور برای کسانی که در اینجا حضور دارند: بزرگترین مسئولیت شما این است که اطمینان حاصل کنید که مراکز دستگیری و محل‌های تمرین فاقد مداخلات باشند و دیگران را در تزکیه راهنمایی کنید. البته، این چیزها در ابتدا توسط من انجام می‌شد. حالا شما آنها را انجام می‌دهید، چون اکنون بخشی از دافا هستید. با این تعداد زیاد مردم، برای من غیرممکن است که به همه جا بروم و آن را

شخصاً انجام دهم. چین دارای بیش از دو هزار ناحیه است و هر استان و شهرستان دارای تعداد زیادی مکان تمرین است. برای من، یک نفر، با این جسم فیزیکی، دیدن همه آنها غیرممکن است. فا به عموم نشر یافته است. با فا، همه شما می‌دانید که چه کاری باید انجام دهید و واقعاً به خوبی عمل کرده‌اید. ما هیچ مقررات یا محدودیتی نداریم.

همان‌طور که می‌دانید، زمانی که شاکيامونی دارم خود را آموزش می‌دهم، بیش از صد احکام به‌جای گذاشت تا از مشکلات شاگردانش در تزکیه جلوگیری کند. قصد او این بود که بگذارد آنها در تزکیه از آن احکام پیروی کرده و از مشکلات جلوگیری کنند، تا اطمینان حاصل شود که به کمال می‌رسند. اما امروز ما هیچ مقررات یا محدودیتی نداریم. و چرا نداریم؟ بدین علت که نمی‌خواهم از هیچ شکل خارجی برای کنترل افراد استفاده کنم، زیرا هیچ شکل خارجی، فرمان‌ها یا سایر ابزارها قلب فرد را تغییر نمی‌دهد. فرد باید خودش قلبش را تغییر دهد. اگر او خودش نخواهد تغییر کند، هیچ کسی نمی‌تواند آن را انجام دهد. قواعد، احکام و مقررات فقط می‌توانند چیزهایی را اصلاح کنند که در سطح قرار دارند و نه چیزهایی که در درون قرار دارند. آن به این دلیل است که اگر قلب فرد به‌هیچ‌وجه تأثیر نپذیرفته یا تغییر نکند، مطمئناً او هنوز کارها را براساس عقاید و تصورات خود انجام می‌دهد. بنابراین مهمترین مسئله تغییر قلب فرد و ارتقاء اخلاقیات شخص است. این تنها راهی است که مردم را بطور اساسی تغییر می‌دهد، تا نوع بشر دوباره خوب شود، و تزکیه‌کنندگان به کمال برسند. هیچ راه دیگری وجود ندارد.

همه ما واقعاً به سختی کار کرده‌ایم و در راستای این تعهد کار بسیاری انجام داده‌ایم. از آنجاکه شما تزکیه‌کننده هستید، نمی‌توانم آن‌طور که مردم عادی از هم تشکر می‌کنند، از همه شما تشکر کنم. شما کار [دافا]ی خود را با ارتقاء خودتان یکپارچه کرده‌اید؛ کار شما از تزکیه‌تان کاملاً جدانشدنی است. مشکلات، نظرات متفاوت و درگیری‌های شدید که در کارتان با آن روبرو می‌شوید، بهترین فرصت برای بهبود شین‌شینگ‌تان است. اگر این فرصت‌ها را نداشتید، شما دستیاران نمی‌توانستید بهبود یابید. فکر می‌کنم که اگر همه با شما کنار بیایند و آنچه که به آنها گفته‌اید را انجام دهند، ممکن است حتی بدون اینکه بدانید آنها را همراه کنید، درست است؟ البته، هیچ کدام از ما این کار را انجام نخواهیم داد. شما خود را در روند تزکیه و کارتان بهبود می‌بخشید. به عبارت دیگر، شما باید کار خود را با تزکیه‌تان ادغام کنید. من هیچ سخنی از قدردانی نمی‌گویم؛ زیرا شما مریدان من هستید. هیچ استادی کلمات تشکرآمیز به مریدان خود نمی‌گوید، بنابراین من نیز نخواهم گفت. (تشویق)

واقعاً خوشحال هستم که همه شما را می‌بینم. با برخی از شاگردان به‌طور متناوب ملاقات کرده‌ام و تغییرات زیادی در شما دیده‌ام. حتی کسانی که برای مدت کوتاهی تمرین کرده‌اند به شدت تغییر کرده‌اند. برخی از شما تغییرات خیلی قابل توجهی را تجربه کرده‌اید. بیش از یک سال به‌سان برق گذشته است. به آخرین سخنرانی فای من در چانگ‌چون برگردیم، از زمانی که با بسیاری از شما ملاقات کردم چندین سال گذشته است. این بار که به زادگاهم بازگشته‌ام، واقعاً می‌خواستم همه شما را ببینم. ما همیشه باید در یک مورد مراقب باشیم: زمانی که به جایی می‌روم، تعداد بسیار زیادی از تمرین‌کنندگان به آن مکان می‌آیند. این امر از طرق مختلف جامعه را تحت فشار قرار می‌دهد، به خصوص به این دلیل که بسیاری از مردم در حال یادگیری دافای ما هستند - اگر ما چین و خارج از کشور را به حساب بیاوریم تعداد کل آنها به ۱۰۰ میلیون نفر می‌رسد. علاوه بر این، هنگامی که مردم به شناخت دافا می‌رسند درباره مطالعه فا محکم و استوار می‌شوند. این مانند روش‌های دیگر نیست که مردم یک روز آن را تمرین کنند و روز بعد آن را ترک کنند.

روش ما متفاوت است. ما مسئول کسانی هستیم که به ما ملحق می‌شوند، و شما را قادر می‌سازیم تزکیه کنید، رشد و بهبود یابید، دوباره صعود کنید، و به کمال برسید. و شما می‌توانید آن را ببینید. همچنین ما نسبت به جامعه مسئول هستیم، و رفتار ما تحت هر شرایطی درست است. [روش ما] برای جامعه، افراد، و حتی محیط داخلی یا محیطی که شما ممکن است در آن زندگی کنید، خوب است. نیازی نیست که من در این باره زیاد صحبت کنم - همه شما آن را می‌دانید. به همین دلیل است که این فا تأثیر زیادی بر جامعه داشته است، چرا اثر آن بسیار قابل توجه بوده است، و چرا بسیاری از مردم برای یادگیری آن آمده‌اند. اگر من در یک مکان خاص حضور یابم، بسیاری از مردم می‌آیند و آن فشارهای مختلفی ایجاد می‌کند. بعضی از شاگردان از من پرسیده‌اند: «معلم، می‌توانید به شهر ما بیایید؟» برای من مشکل است که به آنها پاسخ دهم. اگر با درخواست‌های آنها موافقت کنم، باید به آنجا بروم، بنابراین برای من سخت است چیزی بگویم. اگر موافقت می‌کردم به آنجا بروم، بسیار خوب،

تمرین کنندگان محلی این گفته را پخش می کردند و قبل از ورود من، یک گردهمایی بزرگ شکل می گرفت. آن احتمالاً اتفاق می افتد. و پس از آن، هنگامی که تعداد افراد زیاد باشد، برخی از ادارات دولتی که ما را خوب نمی شناسند یا ما را درک نمی کنند، احتمالاً باعث وقفه در پیشرفت مان می شوند. این امر محیط تزکیه شاگردان مان را مختل می کند، بنابراین نمی خواهم این کار را انجام دهم.

با این وجود، امروز به دو دلیل ذیل به اینجا آمده ام. اولاً ما بیش از یک سال است که یکدیگر را ندیده ایم و این شهر زادگاه من است، بنابراین بیاید برای آن استثناء قائل شویم. علاوه بر این، من فقط با دستیاران ملاقات می کنم. فقط می توانم با دستیاران ملاقات کنم زیرا مکانی به اندازه کافی بزرگ برای ملاقات با [همه] شاگردان مان وجود ندارد. هنوز در چانگ چون مکانی به اندازه کافی بزرگ برای حضور ده ها هزار نفر وجود ندارد، بنابراین فقط می توانیم این کار را بدین طریق انجام دهیم. دوم، این واقعیت که من عمدتاً در خارج از کشور زندگی می کنم، احتمالاً مانع ایجاد مشکل می شود. اینها آن دو دلیل هستند. اما مهم نیست من کجا هستم، وضعیت تزکیه شما را می دانم - آن را در مورد تک تک شما می دانم. تا زمانی که ما را مطالعه کنید و خودتان را تزکیه کنید از شما مراقبت خواهم کرد.

اگر شما حتی نسخه های بدون مجوز کتابها را خریداری کرده اید مسئله ای نیست، و آن مسلم است. کتابی با جوهر سیاه روی کاغذ سفید به خودی خود اثر خاصی ندارد. چه جوآن فالون یا هر کتاب دیگری باشد، آنچه که واقعاً دست اندرکار است، معنای درونی و دلایل حقیقی واقعی پشت این کلمات است. چیزی که در کتابهای دیگر وجود ندارد. بیشتر اینکه، مهم نیست که آیا یک کپی دست نویس دارید یا یک نسخه بدون مجوز: تا زمانی که ما را مطالعه کرده و تزکیه کنید کتاب به طور طبیعی معنای درونی خود را دارد. فای بودا بیکران است، و قدرت تجلی آن به شدت زیاد است. و این متفاوت از ادراک انسان عادی از زمان و بعدها است - کاملاً متفاوت است. اما علی رغم این، کپی های بدون مجوز که در آن حروف چینی مجدداً انجام شده را خریداری نکنید. و اگر یکی از آنها را پیدا کردید، باید به ادارات دولتی مربوطه برای تحقیق و پیگیری منبع شان کمک کنید. اگر آن فتوکپی ها از نسخه حروف چینی اصلی تهیه شده باشند آن بدون اشکال است، زیرا در این صورت هیچ خطایی در محتوا وجود نخواهد داشت.

امروز عمدتاً می خواهم شما را ببینم. و همچنین، تعداد زیادی از افراد می خواهند مرا ببینند، بنابراین امروز کمی بالاتر خواهم نشست. (تسویق) حالا که اینجا هستیم، از این فرصت برای بحث در مورد چند موضوع استفاده خواهم کرد. برای ما ملاقات آسان نیست. اگر هر یک از شما حضار احساس می کنید نیاز دارید سؤالاتی را از من بپرسد، می توانید آنها را بر روی برگه کاغذ بنویسید و به من بدهید، به آنها پاسخ خواهم داد. اما خلاصه باشد. لازم نیست که سؤالات خود را با مقدمه هایی مانند: «معلم، آه چقدر برای شما دلتنگ هستم» یا «این دافا بسیار عالی است.» شروع کنید، نیازی به آن نیست. فقط سؤالات خود را بنویسید و مستقیم به موضوع اشاره کنید. به این ترتیب می توانم آنها را سریع بخوانم و در زمان پاسخگویی به سؤالات وقت تلف نمی شود.

با پرداختن به دو موضوع شروع می کنم. پیش از این درباره مسائل خاصی در موقعیت های مختلف صحبت کرده ام. با این حال گاهی اوقات آنها در تعدادی مناطق خاص یا در چند محیط بخصوص بارزتر هستند، بنابراین [دوباره گفتن آنها] همان تکرار چیزی است که قبلاً گفته شد. اما می توانم آنها را دوباره با جزئیات توضیح دهم.

اولین مسئله مربوط به این است که دافای ما از قواعد دستور زبان پیروی نمی کند. این مانعی جدی برای روشن فکران و افرادی با تحصیلات بالا است، به ویژه کسانی که با نوشتن یا ادبیات یا مطالعات زبان چینی و غیره کار می کنند، یعنی افرادی که در این رشته ها هستند. چرا وقتی ما را آموزش می دهیم نمی توانیم از قواعد معمول زبان بشری پیروی کنیم؟ همان طور که می دانید معنای یک کلمه استاندارد شده از پیش تعریف شده است: «این کلمه دقیقاً معنای فلان است.» علاوه بر این، زبان استاندارد شده محدود است و قادر به توصیف فای عظیم نیست. در این کیهان عظیم، زمین نوع بشر، حتی یک ذره غبار درون یک ذره غبار درون یک ذره دیگر نیز نیست. اینقدر کوچک است. چطور آن می تواند چنین فای عظیمی را نگه دارد؟ چگونه

می‌توان فای کیهان را با قواعد زبان‌های بشری محدود کرد؟ چگونه می‌توان آن را با قواعد زبان‌های بشری سازگار کرد؟ مطلقاً هیچ راهی وجود ندارد.

فای ما صرفاً زبان انسانی را به کار می‌گیرد. در خصوص چگونگی بکارگیری این زبان برای آموزش دافا، اینکه به شما اجازه می‌دهد درک کنید به اندازه کافی خوب است - هدف این است. به همین دلیل زبانی که ما استفاده می‌کنیم با قواعد دستور زبان مطابقت ندارد. به منظور آموزش این فای امروز، چیزی در ذهنم وجود ندارد که با مفاهیم ثابت شکل گرفته باشد.

مسئله دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که چرا اصطلاحات سیستم دائو در دافای ما هستند. تعدادی از افراد با وابستگی‌های مذهبی به ما حمله کرده و می‌گویند: «او چیزهایی از مدرسه دائو و مدرسه بودا را ترکیب می‌کند. و سپس درباره علم صحبت می‌کند.» در واقع، آنها چگونه می‌توانند بدانند که خواه علم باشد یا سیستم دائو یا سیستم بودا، همگی آنها صرفاً یک ذره کوچک از ذره‌ای کوچک در پایین‌ترین سطح این دافا هستند؟ از آنجاکه فای را به مردم مدرن آموزش می‌دهم، البته که باید مفاهیم مدرن را در آموزه‌هایم قرار دهم. اگر از زبان و اصطلاحات آسمان‌ها استفاده می‌کردم، یا اگر اصطلاحات جدید زیادی را ایجاد می‌کردیم، شما نمی‌توانستید آن را درک کنید. بنابراین شیوه‌ای که باید فای را آموزش دهم این است.

اما چرا اصطلاحاتی از سیستم دائو وجود دارد؟ در واقع، در فرصت‌های مختلف در این مورد صحبت کرده‌ام. دافای ما فراتر از قلمروی سیستم بودا می‌رود. من در حال آموزش فای کیهان، با سیستم بودا به‌عنوان پایه و اساس هستم. بدون توجه به اینکه چقدر این دافا بیکران است، من در آن نیستم، در حالیکه شما همه موجودات در آن هستید. به عبارت دیگر، فای همه موجودات و همچنین محیطی برای هستی و شکل‌های وجودی‌تان خلق کرده است. بنابراین در محدوده این دافا - یعنی در کل کیهان - البته که سیستم بودا تنها سیستم نیست. البته که بوداها و دائوها وجود دارند، و بعد انواع مختلف خدایان وجود دارند که هنوز نمی‌توانید درباره آنها بدانید، انواع و اقسام خدایان.

کیهان بسیار عظیم است و فایی که آموزش می‌دهم بسیار عظیم است، پس البته که چیزهایی از سیستم دائو و چیزهایی از خدایان بخشی از آن هستند. شما واقعاً متوجه نشده‌اید که چیزهایی از مذاهب غربی نیز شامل می‌شوند. [آنها گنجانده شده‌اند] زیرا افرادی که امروزه با آنها سر و کار دارم، فقط افراد چینی یا یک قومیت خاص نیستند، بلکه تعداد بسیاری از قومیت‌ها هستند. و من باید تمام مواد و موجودات منحرف را به استانداردهای اصلی‌ترین، آغازین‌ترین و بهترین حالت‌شان برسانم. به همین دلیل این کار را به این روش انجام می‌دهم. به عبارت دیگر، اگرچه فای بودا را آموزش می‌دهم، در حقیقت فای کیهان را از منظر بودا آموزش می‌دهم. از آنجاکه ظاهری که برای خودم ایجاد کرده‌ام ظاهر یک بودا است، برای من اشتباه نیست که آن را فای بودا بخوانم.

باید نسبت به شما مسئول باشم. نمی‌توانم همه شما را به بهشت فالون از سیستم بودا یا به سایر بهشت‌های بوداها ببرم. همه شما این‌طور فکر می‌کنید: «معلم، من فقط می‌خواهم به بهشت شما بروم.» آنچه شما فکر می‌کنید اشتباه نیست. اما می‌توانم بگویم که فقط به قلب شما نگاه می‌کنم. اگر از مفاهیم عادی انسانی برای فکر کردن درباره خدایان استفاده کنید، یا اگر از شیوه‌های تفکر عادی بشری برای درک کردن خدایان استفاده کنید، هرگز نمی‌توانید مسائل را درک کنید. اگر امروز قرار بود تفکر یک خدا را داشته باشید، تمام مفاهیم شما تغییر می‌کرد. اگر در گذشته بهشت‌های خود را داشتید، اگر از سطوح مختلف برای کسب این فای آمده‌اید، اگر دائوها یا خدایان بودید، پس باید به مکان‌های اصلی خود بازگردید. اغلب می‌گویم درباره اینکه در گذشته چه کسی بودید یا چه چیزی بودید هیچ آگاهی ندارید. فقط باید بر روی تزکیه تمرکز کنید و فقط باید خودتان را در این دافا جذب کنید. به عبارت دیگر، بدون توجه به اینکه چه کسی بودید - چه آن یک بودا باشد، دائو یا خدا - قبل از اینکه بتوانید به آن بازگردید، باید در این دافای کیهان جذب شوید. به شما اطمینان می‌دهم که به‌طور کامل با آنچه که در آینده برایتان ذخیره شده است راضی و خشنود خواهید شد. نه تنها کاملاً راضی خواهید شد، بلکه آنچه را که به دست می‌آورید بیشتر از آن چیزی است که می‌توانستید تصور کنید. به شما محیطی بهتر می‌دهم، محیطی که حتی از مکان اولیه‌تان بهتر است. اینها فراتر از تصور شما هستند. (تشیویق) چیزهایی که گفته‌ام برای توضیح این است که چرا از اصطلاحات سایر مذاهب استفاده می‌کنیم - این دلیل آن است.

درباره مذهب، فکر می‌کنم این یک مفهوم انسانی است که بدین شکل توسط انسان‌ها نامگذاری شده است. مفهوم مذهب تاحدی مبهم است، زیرا تعریف ثابت ندارد. هنگامی که شاکيامونی در حال آموزش فای خود بود، نگفت که آن مذهب است. عیسی نگفت که روش او مسیحیت است، یا مریم مقدس نگفت که روش او کاتولیک است. درواقع، آنها روش‌های خود را برای اشاره به خودشان داشتند و آنها نام‌های خودشان را برای اشاره به مریدان‌شان داشتند، اما این‌ها مطلقاً مفاهیم مورد استفاده انسان‌ها نبودند. خدایان مذاهب را تصدیق نمی‌کنند. به همین دلیل است که امروزه بسیاری از مردم مذهبی در مذهب خود موفق به تزکیه نمی‌شوند. در حقیقت، آنها ممکن است واقعاً نخواهند تزکیه کنند، و صرفاً احساس می‌کنند که [آن مذهب] خوب است. آنچه که آنها از آن حفاظت می‌کنند مذهب‌شان است، نه بوداها. بوداها فقط به قلب فرد نگاه می‌کنند، همان‌طور که خدایان فقط به قلب فرد نگاه می‌کنند. اگر واقعاً نتوانید خود را در یک مذهب تزکیه کنید، آن هیچ به حساب می‌آید. بیشترین چیزی که می‌توانیم بگوییم این است که شما به یک مذهب درآمده‌اید یا به یک راهب یا راهبه تبدیل شده‌اید، اما بدان معنا نیست که مرید بودا هستید. بودا فقط به قلب شخص نگاه می‌کند. تبدیل شدن به یک راهب یا یک راهبه فقط یک شکل است که از طریق آن شما احترام خود را نسبت به بودا بیان می‌کنید. فقط با تغییر اساسی خودتان می‌توانید یک پیرو واقعی بودا شوید. اگر قلب‌تان به قلب یک راهب یا راهبه تبدیل نشود، یا اگر قلب‌تان به یک مذهب درنیامده باشد، آنگاه بی‌فایده است. البته ممکن است بگویید: «اما قلب من واقعاً معتقد و وقف [مذهب] است...» آنچه به آن معتقد هستید مذهب و تشریفات پر از قصدتان است نه تزکیه. آن چیزی به دست نخواهد آورد.

بنابراین در مورد این مسئله، آنچه که عمدتاً می‌گوییم این است که این فا بسیار عظیم است و تمام روش‌های تزکیه و همه موجودات در کیهان را دربرمی‌گیرد. تعداد اصطلاحات داتوئیستی که ذکر کردم، واقعاً کم است. این‌گونه نیست که تعداد زیادی مذاهب راستین بر روی زمین منتقل شده باشند، بنابراین فقط می‌توانم درباره این تعداد کم صحبت کنم. در حقیقت، تعداد بسیار زیادی از روش‌های تزکیه در کیهان وجود دارد، گرچه فقط چندین روش در جامعه بشری وجود دارد.

از آنجاکه فقط می‌خواستم با شما ملاقات کنم، قصد نداشتم زیاد صحبت کنم. با توجه به مواردی که مربوط به تزکیه می‌شوند، بدون توجه به اینکه مرا می‌بینید یا نه: به همان شکل قادر به تزکیه هستید - آن مشکلی نیست. اما همیشه می‌خواهید مرا ببینید، بنابراین از این فرصت برای ملاقات با شما استفاده کرده‌ام. چیز زیادی برای گفتگو با شما آماده نکرده‌ام. احساس می‌کنم برای ما ملاقات آسان نیست. همان‌طور که قبلاً گفتم، می‌توانید سؤالات خود را روی برگه کاغذ نوشته و به من بدهید. می‌توانید اکنون شروع به دادن سؤالات کنید. به آنهایی که لازم است پاسخ می‌دهم.

پرسش: در رابطه با دو مقاله «کشف کردن ریشه‌ها»<sup>۲</sup> و «برای چه کسی وجود دارید»، در محل تمرین ما دو تفسیر متفاوت وجود دارد. یکی اینکه این درست است برای حفاظت از دافا اقدام کرد؛ دیگری این است که باید بر روی تزکیه تمرکز کرد، زیرا ارتقاء خود تمرین‌کنندگان در تزکیه، اقدام نهایی برای حفاظت از فا است.

**معلم:** بگذارید به شما بگویم. پس از اینکه آن دو مقاله را نوشتم، بعضی از افراد توانستند آنها را با ذهن یک تزکیه‌کننده بخوانند، در حالی که برخی، آنها آن را با ذهن یک انسان عادی خواندند. بعضی از مردم اشتباه کرده بودند اما آن را نمی‌پذیرند. حتی پس از خواندن آنچه که نوشتم، هنوز آن را قبول نمی‌کنند و سعی کردند برای دفاع از خود از تفکر انسان عادی<sup>۳</sup> استفاده کنند. همچنین شاگردانی داریم که در فا به دنبال کلمات خاصی از من می‌گردند تا به آنها کمک کند در صورت اختلاف در میان خود بحث و مشاجره کنند. همه شما با استفاده از ذهنیت عادی بشری، دافا را خارج از متن می‌آورید. سعی نکرده‌اید فا را از دیدگاه فا درک کنید. اگر زاویه نگاه‌تان به آن را تغییر می‌دادید، مانند آن عمل نمی‌کردید. هر مشکلی که با آن مواجه هستید، به ذهن خود شما مربوط است. مقاله «کشف کردن ریشه‌ها» به دلیل حادثه پکن نوشته شده است. بسیاری از شما احتمالاً در مورد آن می‌دانید. نمی‌خواهم درباره خود این حادثه صحبت کنم.

پرسش: از آنجاکه شاکيامونی از جهان ششمین لایه آمده است، چرا او قادر به دیدن مرز جهان کوچک نبود؟

**معلم:** این چیزی نیست که شما بتوانید با منطق روش تفکر عادی بشری درک کنید. در حقیقت، شاکيامونی نه فقط از جهان ششمین لایه آمده است بلکه، از قلمرویی فوق‌العاده بالا آمد. آن غیرممکن می‌بود اگر او با چیزهایی به دنیای بشری می‌آمد که در سطحی آن اندازه بالا بودند. و از آنجا که مردم در آن زمان فقط می‌توانستند اصول محدودی از فا را درک کنند، شاکيامونی فای آرهای را آموزش داد. چیزی که امروز به‌جای مانده است بیشتر از آن نیست. اما در آن زمان، او بسیاری از اصول فا را در سطوح بالاتر آموزش داد، هرچند که هیچ کدام از آنها منتقل نشده است. در طول دورهٔ بیش از چهل سال آموزش فا، او در گسترهٔ «چهار بزرگ»، فا را آموزش داد. اینها هیچ ارتباطی با تزکیه شما ندارند. بگذارید به شما بگویم، نگران نباشید که یک شخص چه کسی است یا از کجا آمده است. بعضی از شما حضار نیز از سطوح بسیار بالایی آمدید، اما نمی‌توانید چیزی ببینید، نه حتی چیزهایی که فراتر از انسان‌ها است. برای تزکیه‌کنندگان، و همچنین افرادی که فا را آموزش می‌دهند، باید این‌گونه باشد. و برای اینکه در این زمین بمانند، بایستی محدودیت‌هایی داشته باشند. بگذارید به شما بگویم که اگر ذهن من نیز هیچ‌یک از افکار عادی بشری را نداشت، نمی‌توانستم اینجا بمانم. قبل از شروع این تعهد، یک ذهن انسانی را ترکیب کردم تا بتوانم در میان انسان‌ها باقی بمانم و فا را به این روش به شما آموزش دهم. چیزهای زیادی فراتر از درک شما هستند.

**پرسش:** آیا اختلال گفتاری بر کار یک دستیار تأثیر می‌گذارد؟

**معلم:** ایراد گفتاری ممکن است بزرگ یا کوچک باشد. اگر کمی لکنت داشته باشید یا زبان شما دارای ناتوانی جزئی باشد، یا حتی اگر توانایی تان برای بیان نظر خود تا حدودی ضعیف باشد، هیچ کدام از اینها بر کار شما اثر نمی‌گذارد. اما همان‌طور که امروز بیشتر و بیشتر مردم در حال یادگیری دافا هستند، مقام اجتماعی افراد جامعه که با آنها ارتباط برقرار می‌کنیم بالاتر و بالاتر است. پس، به نظر من، اگر همه ما به شیوه‌ای پرحرف سخن می‌گفتیم مناسب نمی‌بود. و افرادی که دارای تحصیلات و دانش بیشتری هستند، زمانی که در ابتدا فا را شروع می‌کردند، درواقع تحت تأثیر قرار می‌گرفتند. بنابراین می‌خواهم پیشنهاد دهم که اگر یک دستیار دارای یک ایراد و مانع است، باید کسی را برای کمک پیدا کند که درک عمیقی از فا دارد و دانش بیشتری داشته باشد (هرچند که دانش بیشتر معادل با درک عمیق فا نیست). این فرد باید درک سطح بالایی از فا داشته باشد و حداقل مدت زمانی فا را مطالعه کرده باشد؛ و او باید برخی از آزمون‌ها را گذرانده باشد و بدون تزلزل باشد. شما می‌توانید از این فرد برای کمک درخواست کنید، یا می‌توانید جایگاه خود را با او عوض کنید زیرا دستیار بودن شما صرفاً به این هدف نیست که چنین کاری را انجام دهید؛ بلکه، آن برای تزکیه است. اگر کسی می‌گوید که باید دستیار باشد و هیچ‌کسی نمی‌تواند او را از این جایگاه حذف کند، آنگاه فکر می‌کنم که آن وابستگی باید دیر یا زود از بین برود. آن در نهایت اتفاق خواهد افتاد. شما باید به یاد داشته باشید که اینجا برای دستیار شدن نیامده‌اید. شما اینجا آمده‌اید که تزکیه کنید. فکر نمی‌کنم یک مانع کوچک گفتاری مشکلی باشد.

**پرسش:** هنگامی که ما از طریق تزکیه باز می‌گردیم، آیا می‌توانیم فراتر از سطح ابتدایی خود برویم؟

**معلم:** دوباره با ذهنیت انسانی تان درباره مسائل الهی فکر می‌کنید. در آینده، وقتی از همه چیز آگاه شوید، از سؤالی که پرسیده‌اید، شرمند نخواهید شد. درباره این موارد نگران نباشید. دافا بهترین چیزها را برای شما خلق کرده است. فقط باید بر روی تزکیه تمرکز کنید. درواقع، بیشتر شما علاقه دارید به خانه برگردید، به جای اینکه از خانه دور باشید. برای خدایان این چیزها کاملاً با مفاهیم شما متفاوت است. آن شبیه آنچه شما فکر می‌کنید نیست.

**پرسش:** علاوه بر بهشت فالون، چه تعداد بهشت در سطوح بالاتر وجود دارد؟

**معلم:** فکر شما باید روی تزکیه تمرکز کند! من می‌توانم به شما بگویم که تعداد زیادی وجود دارد که قابل شمردن نیست. آیا می‌توانید تعداد کل مولکول‌ها در بدن تان را بشمارید؟ تمام بدن‌های موجود در سه قلمرو «بدن بشری» نامیده می‌شوند. بدن انسان از ذرات میکروسکوپی ساخته شده است که یک لایه سطحی از ذرات بزرگتر را تشکیل می‌دهند، و سپس یک لایه سطحی

بزرگتر از ذرات هنوز یک لایه سطحی دیگری از ذرات حتی بزرگتری را شکل می‌دهد. «بدن بشری» یک اصطلاح عمومی است که درون سه قلمرو استفاده می‌شود. شما حتی نمی‌دانید فقط چه تعداد ذره در سه قلمرو وجود دارد! آنها بیشمار هستند. بدون توجه به اینکه به کدام سطح در تزکیه می‌رسید، هیچ کسی از شما در میان حضار، هرگز نخواهد دانست که چه تعداد از بهشت‌ها در کیهان وجود دارد. این حقیقت مطلق است.

*پرسش: من برای چندین سال تمرین کرده‌ام. اغلب در طول مدیتیشن به خواب می‌روم. این همواره مرا آزار داده است.*

**معلم:** همه شما در مورد تحمل سختی‌ها می‌دانید. با این حال متوجه نشده‌اید که خواب آلودگی شما نیز یک اهریمن است که شما را مورد شکنجه و آزار قرار می‌دهد و تلاش می‌کند تا از تزکیه شما جلوگیری کند! آیا این زمانی نیست که اراده شما باید کنترل را به دست گیرد؟ من باور ندارم که اگر چشم‌های‌تان را باز نگه دارید، هنوز به خواب بروید! چشم‌های خود را در طول تمرین‌ها باز کنید اگر نمی‌توانید آن را کنترل کنید. باید این مانع را بگذرانید.

*پرسش: اگر یک کودک هنگام تربیت از گوش دادن امتناع ورزد، و اگر همچنان به لجباجت خود ادامه دهد، آیا درست است که بگذاریم به راه خود را برود؟*

**معلم:** نه کاملاً. وقتی والدین عنان فرزندان خود را رها می‌کنند، مرتکب کاری اشتباه می‌شوند. نمی‌توانید بگویید میزان فساد جامعه بشری امروز که به آن مبتلا شده است نسلی بعد از نسلی دیگر، هیچ ارتباطی با شما ندارد. بگذارید به شما بگویم که باید فرزندان خود را تربیت کنید. من متوجه شده‌ام که مردم در جامعه ایالات متحده چنان با قوانین محدود شده‌اند که نمی‌توانند فرزندان خود را منضبط کنند؛ انضباط بچه‌ها تقریباً برابر با شکستن قانون است. از این رو کودکان لوس شده و خراب می‌شوند. این کودکان حتی اساسی‌ترین چیزها در مورد رفتار انسانی را نمی‌دانند، چه برسد به آداب رفتار. چه گروهی از انسان‌ها برای آینده شکل می‌گیرند؟! اما اجازه دهید این را به شما بگویم: چنین نوعی سنت دارد که شما باید فرزندان‌تان را منضبط کرده و آموزش دهید. نمی‌توانید آنها را لوس کنید. ممکن است آنها را تنبیه کنید یا آنها را سرزنش کنید. ما می‌گوییم که تزکیه‌کنندگان نباید عصبانی شوند، اما می‌توانید بچه‌ها را تربیت کنید. اگر در حالت خوبی هستید و آنها را با لبخند تنبیه کنید، بازهم درد را احساس می‌کنند. هدف این است که درسی به کودک دهید، به او بگویید که کارهای بد انجام ندهد. آموزش کودکان اشتباه نیست. در مورد آن فقط می‌توانید به این شکل فکر کنید: «من این کار را نمی‌کنم چون به چیزهای خودم وابستگی دارم؛ این یک عمل خوب برای جامعه و برای نوع بشر آینده است.» اما اگر بیش از حد به آن وابسته باشید، به افراطی دیگر خواهید رفت. منظورم این است که تربیت کودکان مسئله‌ای نیست، اما باید این کار را به شکل معقول انجام دهید.

*پرسش: آیا ما برای حقیقت فای بودا وجود داریم؟*

**معلم:** موضوع این سؤال بسیار عمیق است. در طول تزکیه، برخی از افکاری که مردم دارند درست هستند. به طور دقیق، فای بودا محیط‌های زندگی برای موجودات زنده ایجاد کرده است و به موجودات بشری حیات داده است. این رابطه برقرار است. موجودات زنده صرفاً برای زندگی در قلمروی خود می‌توانند وجود داشته باشند. اگر شما موجود روشن‌بین بزرگی هستید که قادر به مراقبت از بسیاری از امور سطح زیرین خود است، پس شاید شما به خاطر موجودات بیشتری وجود داشته باشید. رابطه آن این است.

*پرسش: به محض اینکه شروع به خواندن جوآن فالون می‌کنم احساس خواب‌آلودگی می‌کنم...*

**معلم:** اگر این سؤال توسط یکی از دستیاران ما مطرح شده، آنگاه فکر می‌کنم باید خدمت‌رسانی به‌عنوان دستیار را متوقف کنید و اجازه دهید حالا افراد دیگر این کار را انجام دهند. بهتر است قبل از ادامه کار دستیاران‌تان فارا بیشتر مطالعه کرده و بیشتر پیش بروید. چون به محض شروع مطالعه جوآن فالون احساس خواب‌آلودگی می‌کنید، ممکن است حتی یکبار خواندن کتاب را به پایان نرسانده باشید. چگونه می‌توانید کار دستیار خود را انجام دهید؟ «دستیاری» به این معنی است که شما قرار است کمک

کنید- اما چگونه می‌توانید به دیگران کمک کنید؟ آنچه ما اینجا اشاعه می‌دهیم، فاست. تمرین‌ها یک وسیله کمکی برای رسیدن به کمال هستند. مهم نیست حرکات شما چقدر دقیق هستند، نمی‌توانید بدون فاست تزیه کنید. فاست مهمترین چیز است. خواب رفتن در هنگام مطالعه مشابه خواب‌آلودگی در طول مدیتیشن است، که در مورد آن بیشتر صحبت کردم.

پرسش: چرا کارمای فکری برخی افراد همیشه قوی است؟ و چرا آن پس از یک دوره زمانی، دوباره تکرار می‌شود؟

**معلم:** این پدیده‌ای رایج است. بگذارید به شما بگویم، من می‌بینم که شما واقعاً در تزیه به‌خوبی عمل می‌کنید، به خصوص تمرین‌کنندگان قدیمی، واقعاً خوشحالم که شما را می‌بینم. اما ممکن است شما مشکلات مشابهی داشته باشید، و گاهی اوقات ممکن است هنوز برخی از چیزهای بد در افکار شما ظاهر شوند. گاه و بی‌گاه افکار شما حتی ممکن است چیزهای وحشتناکی داشته باشند، و آن چیزهای بد ممکن است بدتر و بدتر شوند. من به شما می‌گویم که چرا این‌طور است. در طول تزیه‌تان، همان‌طور که می‌دانید، ما شما را از سطح میکروسکوپی، از شکل‌گیری وجودتان تغییر می‌دهیم. بنابراین بخشی از شما که تبدیل شده به استاندارد رسیده است و دیگر نمی‌توان آن را انسان نامید. پس زمانی که سمت بشری شما کاری انجام دهد آن بخش نمی‌تواند پیروی کند. اگر آن را انجام می‌داد، مشابه این می‌بود که یک خدا کاری بد انجام می‌داد، و این همانند سقوط او می‌بود. این مطلقاً مجاز نمی‌بود. به این دلیل است که همان‌طور که به‌طور مستمر تزیه می‌کنید، بخش‌هایی از شما که به‌طور مستمر جذب فاست می‌شوند، از شما جدا می‌شوند. همانند حلقه‌های سالانه یک درخت، در تزیه، به سمت خارج یعنی پوسته، به‌صورت حلقه به حلقه توسعه می‌یابید. پوست درخت سطح بیرونی شما است. بنابراین شما خودتان را از سمتی که به‌طور کامل تزیه شده است، تزیه کرده و به سمت خارج گسترش می‌دهید تا در نهایت به سطح برسید. بخشی از شما که به‌طور کامل تزیه شده است، الهی است، و بخشی از شما که هنوز به‌طور کامل تزیه نشده بشری است.

من از سطح میکروسکوپی وجودتان شروع می‌کنم؛ یعنی، تبدیل را از داخلی‌ترین بخش وجودتان شروع می‌کنم. به این ترتیب تغییرات در سطح بسیار ناچیز هستند. اما برای تزیه، شما باید تمام مسیر تا انتها خود را استوار نگه دارید. به هر حال، تا زمانی که تغییرات به سطح برسند، افکار عادی بشری به ذهن شما خطور می‌کند، و گاهی ممکن است کاملاً بد باشند. اما شما می‌توانید آنها را سرکوب کنید. این بخشی از شماست که خودش را مهار می‌کند و این بخش است که در حال اثرگذاری است، در حالی که در گذشته نمی‌توانستید آنها را سرکوب کنید. آنها در سطوح عمیق وجود داشتند، بنابراین شما نمی‌توانستید آنها را سرکوب کنید. اگرچه در حال حاضر درمی‌یابید افکار بدی در ذهن‌تان ظاهر می‌شوند، اما می‌توانید آنها را سرکوب کرده و رفتار و افکارشان را در تزیه کنترل کنید. این صرفاً حالتی در تزیه دافاست.

برای اطمینان از این که بتوانید رها از آن مداخله تزیه کنید، بخشی که به‌طور کامل تزیه شده باید جدا شود. اما برای اطمینان از اینکه بتوانید در میان مردم عادی تزیه کنید، چیزهایی که در سطح هستند، بیشتر و بیشتر تضعیف می‌شوند. به‌عنوان مثال، بگذارید بگویم بخشی از شما که به‌طور کامل تزیه شده شامل یک صد لایه است: آنگاه فقط یک لایه در سطح می‌تواند تغییر کرده باشد. این فقط برای نشان دادن این نکته است که به نسبت، تغییر در سطح، بسیار کوچک است. هدف این است که بتوانید در میان مردم عادی زندگی کنید. اگر همه چیز برداشته می‌شد و هیچ یک از افکار یا عقاید و تصورات بشری عادی را نداشتید، دیگر انسانی معمولی در این سطح نمی‌بودید و نمی‌توانستید در میان مردم عادی تزیه کنید.

می‌خواهم این را به شما بگویم: اگر ذهن بشری عادی نداشتید، می‌دانستید که دیگران به چه فکر می‌کنند، و انواع مختلفی از چیزها شما را آشفته می‌ساخت. همچنین در پشت هر قصد و فکر مردم، و همچنین پشت هر حرکت آنها، هر حالت و ظریف‌ترین اعمال‌شان انگیزه‌ای وجود دارد. همچنین، برخی از افراد افکار واقعاً بدی دارند و درباره این فکر می‌کنند که چگونه به دیگران آسیب برسانند. بعضی از مردم در مورد انواع و اقسام چیزهای بد، مانند اعمال دزدی و روسپی‌گری فکر می‌کنند. هیچ راهی وجود ندارد که بتوانید در این جهان باقی بمانید. آن به این اندازه به آشفته‌گی رسیده است. ما این شیوه تمرین تزیه را برگزیده‌ایم، که سریعترین است، بنابراین می‌توانید در اینجا تزیه کنید. اجازه نمی‌دهیم بخشی از شما که به‌طور کامل تزیه شده دست بخورد؛ آن را جدا می‌کنیم. همان‌طور که به‌طور مداوم رشد می‌کنید، خواندن کتاب را ادامه می‌دهید و به‌طور مداوم آگاهی و درک خود را

بهبود می‌بخشید، به‌طور مداوم گسترش می‌یابد. به عبارت دیگر، آن به سطح نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌شود. وقتی لایه سطحی شما تغییر کند، به کمال می‌رسید. بنابراین، بخاطر اندیشه‌های بد در ذهن‌تان نترسید. اما مراقب باشید: اگر فکر کنید: «حالا که معلم آن را توضیح داد، من درک می‌کنم. آن برای اطمینان از این است که بتوانم در میان مردم عادی تزکیه کنم. بسیار خوب، اجازه می‌دهم که آنها باشند،» پس به حال خود گذاشتن آنها همانند این است که تزکیه نمی‌کنید. آن این‌طور عمل می‌کند.

پرسش: معلم، لطفاً توضیح دهید «تکنیک‌های فوق‌طبیعی» چیست؟

**معلم:** تکنیک‌های فوق‌طبیعی از مذهب به مذهب و از یک شکل تزکیه به شکل دیگر متفاوت هستند. و در سطوح مختلف تکنیک‌های فوق‌طبیعی مختلف وجود دارند. به‌طور کلی بگوییم، آنها شیوه‌های مختلفی هستند که در تمرین‌های تزکیه یا برای نمایش مورد استفاده قرار می‌گیرند. آنها فقط این نوع از چیزها هستند. آنها شامل شفادهی، مطیع کردن اهریمنان، و غیره هستند. برای چه می‌خواهید آنها را یاد بگیرید؟ آنچه که هم‌اکنون آموخته‌اید همه چیز را شامل می‌شود؛ صرفاً این‌طور است که نمی‌تواند برای شما آشکار شود. آنچه در حال حاضر برای شما مهم‌ترین است این است که صعود کنید و به سرعت برگردید.

پرسش: آیا می‌توان سه‌قلمرو را به‌عنوان قلمروهای خدایان، انسان‌ها و ارواح دانست؟

**معلم:** در موقعیت‌های مختلف درباره سه‌قلمرو صحبت کرده‌ام. این موضوع را در کتاب‌هایمان نیز پوشش داده‌ایم. سه‌قلمرو دامنه‌ای است که از این سه قسمت اصلی تشکیل شده است: قلمروی میل و آرزو، قلمروی شکل و قلمروی بدون شکل. موجودات درون سه‌قلمرو مجاز نیستند آن را به خواست خودشان ترک کنند. موجودات خارج از سه‌قلمرو، بدون توجه به اینکه چقدر قدرتمند باشند، مجاز نیستند به خواست خود وارد آن شوند. اینجا مکانی است که همه مواد مربوط به انسان‌ها وجود دارد. البته علاوه بر انسان‌ها در این دنیا، خدایان و ارواح نیز در آن هستند. اگرچه این موجودات وجود دارند، اما آن‌طور نیست که شما فکر می‌کنید. سه‌قلمرو محدوده‌ای است که توسط آسمان‌ها تعیین شده است. موجوداتی که در سه‌قلمرو می‌افتند مجاز نیستند به آسمان بازگردند، و نمی‌توانند سه‌قلمرو را دوباره ترک کنند؛ البته، به استثناء کسانی که تزکیه می‌کنند. هرکسی که تزکیه می‌کند قادر به ترک سه‌قلمرو نیست. بسیاری از تزکیه‌کنندگان قادر به بیرون آمدن از آن نیستند، و فقط می‌توانند بر روی زمین باقی بمانند و در سطوح مختلف درون سه‌قلمرو باقی بمانند. موجودات خارج از سه‌قلمرو مجاز نیستند با خواست خود وارد آن شوند. این چگونگی این مکان است. این یک مکان غیرمعمول است. همان‌طور که خدایان آن را می‌بینند، این کیفی‌ترین مکان است.

پرسش: هنگام مطالعه فا، بعضی از افراد همیشه احساس خواب‌آلودگی می‌کنند.

**معلم:** هنگام مطالعه فا به خواب می‌روید، در حین خواندن کتاب می‌خوابید، در حین انجام تمرین هم به خواب می‌روید. شما هنوز حتی مرحله اولیه را نگذرانده‌اید. این موضوعی از قدرت اراده شماست! همان‌طور که می‌دانید، درطول تزکیه‌تان، نه تنها تمام عناصری که وجود انسانی‌تان را شکل می‌دهند، سعی دارند شما را در عبور از انسان بودن متوقف کنند، بلکه همه چیزهایی که محیط انسانی را تشکیل می‌دهند، به شما اجازه نخواهند داد که ترک کنید. شما باید از همه چیز عبور کنید و بر همه نوع امتحان سخت غلبه کنید. بزرگترین تجلی، رنج‌هایی است که آنها برای شما ایجاد می‌کنند. رنج به شکل‌های مختلف می‌آید، و خواب‌آلودگی یکی از آنها است. افرادی که قادر به تزکیه نیستند یا آنهایی که کوشا نیستند، متوجه نمی‌شوند که این یک نوع سختی است. شما قادر نیستید فا را بدست آورید- آن به شما اجازه نمی‌دهد که فا را مطالعه کنید- اما هنوز آگاه نیستید که این یک امتحان سخت است. بجز حالتی که قلب شما با فا نباشد یا نخواهید تزکیه کنید، چرا بر آن غلبه نمی‌کنید؟ قدرت اراده‌تان را تقویت کنید. اگر یک شخص به‌سادگی با غلبه بر خواب‌آلودگی بتواند یک بودا شود، می‌گوییم آن بسیار ساده خواهد بود. اگر شما حتی نتوانید از یک مانع کوچک مانند این عبور کنید، چگونه خودتان را تزکیه خواهید کرد؟

پرسش: زمان برای تزکیه بسیار محدود است. اگر از حالا به بعد حداکثر تلاش خود را بکنم که کوشا باشم، آیا هنوز قادر خواهم بود با شما به خانه بازگردم؟

**معلم:** برای آن نگران نباشید و درباره آن فکر نکنید. تا زمانی که هنوز وقت برای تزکیه دارید، باید با پشتکار و پرتوان خود را تزکیه کنید. در مورد اینکه آیا می‌توانید به خانه برگردید یا نه، شما قطعاً این فرصت را دارید؛ حداقل شما امروز اینجا نشستهاید و مرا شخصاً دیده‌اید، درست؟ شما هنوز هم یک فرصت دارید (تشویق پر شور) تا زمانی که این تعهد به‌طور کلی به سرانجام نرسیده است، هنوز فرصت دارید. فرصت را غنیمت بدانید. چیزی که باید در مورد آن فکر کنید این است که چگونه بهترین استفاده را از وقت‌تان ببرید.

پرسش: آیا هیچ شاگردی وجود دارد که بدون بردن بنتی به کمال برسد؟

**معلم:** البته کسانی هستند که بدون بردن بنتی به کمال می‌رسند. اندکی پیش گفتم که همه به بهشت فالون نمی‌روند. کسانی که به بهشت فالون می‌روند بدن‌شان را با خود می‌برند. در این کیهان، ۹۹/۹ درصد از راه‌های متعدد تزکیه در گذشته و بهشت‌های آسمانی در بدن‌های مختلف کیهانی نیازی به بدن نداشتند. همه این‌طور فکر نمی‌کنند که داشتن یک بدن جسمانی خیلی مطلوب باشد. بسیاری از بهشت‌های آسمانی مطلقاً به شما اجازه نخواهند داد زمانی که به آنجا بازمی‌گردید یک بدن بیاورید. اگر شما بدن خود را به همراه می‌بردید، می‌توانستید فا را در آنجا مختل کنید، شما فا در آن سطح را مختل می‌کردید، فایی که درون دافای کیهان به آن آگاه شده و روشن‌بین شده‌اید. به‌عنوان مثال، آموزه‌های شاکيامونی از «احکام، تمرکز، خرد»، یک تجلی است که از دافای کیهان می‌آید. این یک سیستم مستقل است - احکام، تمرکز، خرد - که شاکيامونی به آن روشن‌بین شد. همه نیاز ندارند یک بدن جسمانی را با خود ببرند. فقط کسانی که به بهشت فالون می‌روند باید بدن‌های‌شان را با خود ببرند. نکته دیگر این است که برخی از مردم می‌گویند که می‌خواهند بدن جسمانی‌شان را همراه خود ببرند. این چیزی جز تفکر عادی بشری نیست که ترس موجودات بشری از مرگ را می‌رساند، «آیا آن شگفت‌انگیز نیست که همه چیز را با خودم ببرم و نمیرم!» صرف‌نظر از اینکه آیا بدن‌تان را ببرید یا نه، ما به شما اجازه می‌دهیم که در پایان ببینید که به کمال رسیده‌اید - یک صحنه باشکوه. (تشویق پر شور) هنگامی که دافای ما این تعهد را به اتمام برساند، [شکوه] هیچ مذهبی در هر ارتفاعی که باشد با آن مطابقت نخواهد داشت. اما هیجان‌زده نشوید - شما باید تا نقطه کمال تزکیه کنید.

پرسش: آیا ناتوانی در نشستن به شکل لوتوس کامل به سطح شین‌شینگ شخص مربوط است؟ آیا چنین فردی می‌تواند به کمال برسد؟

**معلم:** می‌دانم بسیاری از افرادی که حتی قادر به نشستن در وضعیت نیمه‌لوتوس نبودند در نهایت موفق به نشستن در وضعیت کامل لوتوس شدند. اما نمی‌گویم که شما باید امروز پس از ترک اینجا قادر به نشستن در لوتوس کامل باشید. تا زمانی که قلب خود را در انجام این کار بگذارید، خوب است. با این حال ممکن است برخی از افراد در این زمینه کارمای بیشتری داشته باشند، اما همه آنها پاک شده و تغییر خواهند کرد. هیچ چیز در این دنیا جدی‌تر از تزکیه نیست. شما مایل به تحمل سختی‌های زیادی هستید تا بتوانید پول بدست بیاورید، شما مایل به تحمل سختی‌های زیاد برای دیگر مسائل هستید - آیا نمی‌توانید سختی‌های کمی را برای تزکیه خود تحمل کنید؟ اگر شما، فردی با بدنی پر از کارما، بخواهید به یک بودا تبدیل شوید و از طریق تزکیه به کمال برسید - آیا چیزی جدی‌تر از آن هست؟ با چه نوع حالت ذهنی باید به آن برسید؟ آیا مسئله این نیست؟ در مورد نحوه موفقیت در (نشستن کامل در لوتوس) در طول تزکیه، ما نمی‌خواهیم که درست در شروع این کار را انجام دهید. می‌توانید آن را به تدریج انجام دهید - این یک مشکل نیست.

پرسش: تعدادی از شاگردان می‌گویند که مقاله «کشف کردن ریشه‌ها» اشاره دارد به کشف کردن ریشه‌های عقاید و تصورات شخص، و اینکه «بخاطر چه کسی وجود دارید؟» می‌گوید که ما برای فا وجود داریم. آیا آنها درست هستند؟

**استاد:** در معنای آن کندوکاو نکنید. آنچه از شما می‌خواهم که درک کنید معنی درونی آن و چیزهایی است که می‌توانید در تزکیه دریابید. شما نباید در معنی سطحی کلمات کندوکاو کنید. صرفاً گفتم که اگر هیچ معنی درونی، پشت کلمات وجود نمی‌داشت، آنگاه این کتاب هیچ تفاوتی با کتابهای دیگر نمی‌داشت که فقط جوهر سیاه روی کاغذ سفید هستند. چون این فا است که در کتاب وجود دارد، اگر شما وابستگی‌های خود را کنار گذاشته و کتاب را بدون هیچ عقاید و تصوراتی بخوانید، درک‌تان - بدون توجه به اینکه چقدر زیاد یا کم باشد - مطمئناً درست خواهد بود. اگر کتاب را مطالعه کنید درحالی‌که به عقاید و تصوراتی چسبیده‌اید که نمی‌توانید رها کنید، یا درحالی‌که به دنبال بهانه یا توجیهی می‌گردید که اشتباهات خود را بپوشانید، اگر شما کتاب را با آن حالت ذهنی بخوانید، آنگاه هیچ چیزی نخواهید دید. اگر وقتی کتاب را مطالعه می‌کنید اهداف بخصوص خود را رها کنید، همه چیز را خواهید فهمید. بدون توجه به اینکه چه اندازه کم یا زیاد درک می‌کنید، درک‌تان اشتباه نخواهد بود. اما اگر کتاب را با هر وابستگی‌ای مطالعه کنید که نمی‌توانید رها کنید، آنگاه اصلاً هیچ چیزی نخواهید دید، و فقط قادر خواهید بود که معانی سطحی کلمات را کاوش کنید و با یکدیگر بحث کنید. با ذهنی آرام بخوانید؛ تضمین می‌کنم که به هرآنچه که قرار است بدانید آگاه خواهید شد.

چیزهایی که اخیراً می‌نویسم بصورت سربسته نوشته شده‌اند. عمداً آنها را آن‌طور نوشتم. من نمی‌خواستم موانع بزرگی در مسیر تزکیه‌تان ایجاد کنم. هر چه صریح‌تر و روشن‌تر توضیح می‌دهم، با موانع و دردسرهای بزرگتری مواجه می‌شوید. از این‌رو چیزهای معینی برای این منظور هستند که خودتان به آنها روشن و آگاه شوید. هرگز این‌طور نیست که توضیحات صریح من درباره مسائل مسیر تزکیه‌تان را مسیری صاف و هموار گرداند. درحالی‌که چالش‌های شما در روشن شدن به مسائل، کوچکتر می‌شوند، آزمون‌هایی که با آنها مواجه می‌شوید و عبور از دوره سخت، بزرگتر می‌شود. فکر نکنید که بیشتر شنیدن چیز خوبی است. فا واقعاً تمام و کمال به شما عرضه شده است. آنچه برای مشاهده باقی می‌ماند این است که در چه حالتی از ذهن تزکیه می‌کنید.

پرسش: برای اینکه مرکز دستگیری را به محیطی برای تزکیه حقیقی تبدیل کنم باید چه کار کنم؟

**استاد:** برای این کار هیچ شرطی وجود ندارد. ما هیچ قانون یا محدودیتی نداریم. اما تا آنجا که به مراکز دستگیری مربوط است، من کمی از نظراتم درباره ویژگی‌های دستیاران را در برخی از مقالات کوتاه خود (آنچه شما «دست‌نوشته» می‌نامید) بیان کرده‌ام، بنابراین می‌توانید آنها را به‌عنوان مرجع مطالعه کنید. اگر بخواهید محیط مرکز دستگیری‌تان را بهبود ببخشید تا به سطح مشخصی برسد، اگر شاگردان نتوانند هم‌پای آن پیش بروند عملی نخواهد بود. و شما نمی‌توانید کاری که آنها انجام می‌دهند را با هیچ مقررات یا قید و بندی محدود کنید. محدودیت‌های ظاهری نمی‌تواند قلب مردم را تغییر دهد - آنها همه جعلی هستند. از آنجا که شاگردان جدیدی داریم که هر روز به ما ملحق می‌شوند، قلمروی کلی مکان‌های شما هرگز به حالتی خدایی نخواهد رسید. مراکز دستگیری شما همیشه مکانی خواهد بود که انسان‌ها در آنجا تزکیه می‌کنند. اما همزمان شما متفاوت از انسان‌های معمولی هستید. این بدین خاطر است که بخشی از وجود شما که کاملاً تزکیه شده است - بخشی که خدا شده - جدا شده است. به همین دلیل است که کار شما واقعاً سخت است، و ذهن افرادی که با آنها مواجه می‌شوید بسیار پیچیده است. مطمئناً این‌طور است. به همین دلیل است که می‌توانید تزکیه کنید. کارها را مطابق با فا انجام دهید و وقتی مشکلات ظاهر می‌شوند ابتدا به درون خود نگاه کنید، و سپس به علت ایجاد مشکلات نگاه کنید. فکر می‌کنم قادر خواهید بود به این شکل کارها را به‌خوبی اداره کنید.

پرسش: چطور می‌توانیم فهم‌مان را از فهم احساسی به فهم عقلانی ارتقاء دهیم؟

**استاد:** برای انجام این کار هیچ شکل روشن و واضحی در میان مردم عادی وجود ندارد. این برخلاف روشی است که شما برخی از تئوری‌های دیگر را یاد می‌گیرید. وقتی درک خود را به درک عقلانی ارتقاء می‌دهید، درخواهید یافت که بدون اینکه بدانید به آن درک رسیده‌اید. اما خیلی طول نمی‌کشد، درک‌تان ناپدید خواهد شد. دلیل این است که بخشی از شما که درک

کرده به استاندارد رسیده است و به محض اینکه آن درک را رشد می‌دهید، جدا می‌شود. سپس بلافاصله بعد آن، احساس می‌کنید که چیز زیادی نمی‌دانید. به همین دلیل است که باید خیلی زیاد فا را مطالعه کنید، فا را به‌طور مستمر بخوانید. برخی از شما قادرید فا را از بر کنید. چرا این گونه است که گاهی اوقات حتی بخش‌هایی که واقعاً به‌خوبی حفظ کرده‌اید را فراموش می‌کنید؟ زیرا بخشی از شما که کتاب را واقعاً خوب از بر کرده است به‌طور کامل تزکیه و جدا شده است. آنچه باقی می‌ماند بخشی است که هنوز درک نکرده است، بنابراین هنوز نیاز دارید به مطالعه فا ادامه دهید.

پرسش: آیا تمرین‌کنندگانی که چینی را خیلی خوب نمی‌دانند به منظور پیشرفت باید نسخه چینی جوآن فالون را مطالعه کنند؟

**استاد:** این دیگر مشکلی نیست. ما حالا ترجمه‌هایی در بسیاری از زبان‌ها داریم. اگر کسی فقط با مطالعه نسخه چینی می‌توانست پیشرفت کند، دیگر نیازی به ترجمه کتاب به انگلیسی، ایتالیایی، روسی، کره‌ای و غیره نمی‌بود. به عبارت دیگر، شما به‌طور یکسان می‌توانید با مطالعه نسخه‌های غیرچینی رشد کنید، و به همان شکل به کمال برسید. و اگر قلب خود را عمیقاً بر آن بگذارید اصلاً هیچ تفاوتی وجود ندارد. هیچ تفاوتی. آنچه که ترجمه می‌شود صرفاً کلمات در سطح هستند، درحالی‌که آنچه آن را متفاوت می‌سازد معنی پشت کلمات است.

پرسش: مصمم هستیم که در تزکیه موفق شویم. آیا این یک وابستگی به شمار می‌آید؟

**استاد:** اگر مصمم باشید که تا کمال تزکیه کنید، این وابستگی به شمار نمی‌آید. آنچه که ظاهر شده است سرشت اولیه شماست که در بهترین حالت خودش است. اما اگر هر روز درباره آن فکر کنید- می‌خواهم به کمال برسیم- و در انجام هر کاری به آن فکر کنید، آنگاه می‌گوییم این یک وابستگی است. تا وقتی این آرزو را دارید، همان کافی است. آنچه برای شما باقی می‌ماند این است که شروع کرده و تزکیه کنید! اگر ذهن‌تان با فکر کمال پر شده باشد، آن چقدر از چیزهایی که تزکیه کرده‌اید را از بین خواهد برد؟ آیا آن یک وابستگی نخواهد بود؟

پرسش: با خواندن دست‌نوشته شما «گفتگویی با زمان»، برخی شاگردان دل مشغول زمان شده‌اند. چگونه باید به این گرایش نگاه کنیم؟

**استاد:** از این سؤالاتی که اکنون مطرح می‌شوند، می‌توانم بگویم که اگر بعضی از شاگردان واقعاً تصویر خداگونه‌ای را ببینند که بیاید آنها را برای تزکیه ببرد، آنها واقعاً او را دنبال می‌کنند. آیا این خطرناک نیست؟ آیا این مشکل کوچکی است؟ اجازه دهید به شما بگویم که هر ماده عظیمی در بدن کیهانی یک خدا است. انسان فکر می‌کند زمان یک مفهوم است. خورشید برمی‌آید، شب فرو می‌نشیند، روز آغاز می‌شود، ساعت تیک تاک می‌کند، مواد تبدیل می‌شوند، میوه‌ها در آب و هوای گرم فاسد می‌شوند، برنج کهنه می‌شود، محصولات رشد می‌کنند، چهار فصل بدنال هم می‌آیند، و هر چیز به نظر می‌رسد یک حالتی از زمان باشد. مردم فکر می‌کنند این یک مفهوم است. اما در حقیقت، می‌توانم به شما بگویم که همه این اتفاقات بواسطه خود زمان کنترل می‌شوند. او یک خدا است. حتی چیزهایی از قبیل طلوع و غروب خورشید و سرعت چرخش زمین به‌دور خورشید، محصول زمان هستند. اما زمان بی‌نهایت پیچیده است. بُعدهای متفاوت زمان‌های متفاوتی دارند. یک محیط بزرگ زمان یک محیط بزرگ را دارد، و حتی در محیط‌های بزرگتر هم زمان‌های مستقل گوناگونی در مقیاس‌های کوچکتر وجود دارد. به عبارت دیگر، عوامل بی‌نهایت پیچیده‌ای وجود دارند. ما معمولاً به آن به‌عنوان زمان مکان اشاره می‌کنیم. مفهوم زمان در بُعدهای متفاوت فرق می‌کند.

آنچه درباره سیاره‌ای که ۱۵۰ هزار سال نوری فاصله دارد گفتم، همان‌طور که مردم و دانشمندان امروزه باور دارند، صرفاً مفهومی بشری است که بکار بردم تا موضوعی را برای شما توضیح دهم. در حقیقت، آن چیزهایی که مردم می‌گویند همگی اشتباه هستند. سیارات مختلف میدان‌های خود را دارند که آنها را احاطه کرده‌اند و زمان‌های خودشان را دارند. و بین سیارات دیگر و زمین ما محیط‌های متفاوتی در فضا وجود دارند. زمان نیز در محیط‌های مختلف متفاوت است. در این بُعدی که زمین و دیگر سیارات قابل رؤیت وجود دارند، اگر شما [فاصله] را با استفاده از مقیاس حال حاضر زمان اندازه بگیرید، اصلاً صحیح نیست.

با حرکت از سیاره‌ای به سیاره دیگر، سرعت سفر ثابت نمی‌ماند. بلکه، گستره‌های مختلف، میدان‌های زمانی مختلفی دارند، که می‌تواند مکان‌زمان نامیده شود. سرعت اولیه‌ای که به آن [سرعت] سفر می‌کند بسیار بالا است، «سووش» اما هر چه به زمین نزدیکتر می‌شود آهسته و آهسته‌تر می‌شود. آن این‌طور کار می‌کند. و وقتی آن به میدان‌های زمانی مختلف وارد می‌شود، ممکن است ناگهان تند یا کند شود، همان‌طور که پیش می‌رود دائماً تغییر سرعت می‌دهد. علم امروزه بسیاری از چیزها را نمی‌تواند درک کند. زمان بسیاری از چیزها را کنترل می‌کند. آیا آن یک خدا نیست؟

پرسش: در طول مطالعه گروهی، دستیاران و شاگردان در برخی از گروه‌های مطالعه درباره مسائلی صحبت می‌کنند که مرتبط به نظر نمی‌رسند.

**معلم:** وقتی فا را مطالعه می‌کنیم، باید بر مطالعه فا تمرکز کنیم. درباره خود فا توضیح و تفسیر ندهید- آن مانند این است که می‌گذارید شاگردان مان فا را توضیح دهند. شما می‌توانید از منظر فا درباره کوتاهی‌های خود صحبت کنید. یا می‌توانید بگویید: «اوه، متوجه شده‌ام که موضوعی را چگونه اداره کنم.» آن خوب است. اما باید این را ذکر کنم که شما را تشویق نمی‌کنم که آن نوع کار را در بسیاری از اوقات انجام دهید. آنچه که می‌خواهم بیشتر ببینم این است که بطور مداوم جوآن فالون یا هر کتاب دیگر دافا را بخوانید، و از ابتدا تا انتها مطالعه کنید. بروید و کتاب را بخوانید، و اگر کلمه‌ای وجود داشت که نفهمیدید، افراد می‌توانند معنی سطحی کلمات را توضیح دهند. در مورد معنی پشت کلمات، قادر به توضیح آنها نیستید. هر کسی درک خودش را خواهد داشت. شما ممکن است آن را به یک روش بفهمید، درحالی‌که شخص دیگر به طریقی دیگر درک می‌کند. و شاید شروع به بحث با یکدیگر کنید. لطفاً مطمئن شوید که این‌گونه کارها را انجام ندهید.

نوشته‌های من معمولاً حاوی معانی درونی در سطوح بیشمار و بزرگ هستند، و آنها حیطة وسیعی دارند. بنابراین اصلاً نمی‌توانید آنها را توضیح دهید. می‌توانید آنچه که درک می‌کنید را توضیح دهید، اما دیگران ممکن است با آن موافق نباشند. آنها می‌توانند آنچه که در سطح خودشان درک کرده‌اند را توضیح دهند، اما ممکن است شما موافق نباشید. هر کسی درک خودش را دارد، و درک‌ها از شخصی به شخص دیگر متفاوت است و این به خاطر تفاوت در سطوح است. تا زمانی‌که ذهن تان را آرام نگه دارید، و کتاب را بخوانید و فا را بدون هیچ عقیده و تصویری مطالعه کنید، حتی اگر احساس کنید که درک نمی‌کنید، تضمین می‌شود درک تان اشتباه نخواهد بود. هر چقدر که درک کنید و هر چقدر بدانید در واقع شیوه‌ای است که قرار است باشد. واقع‌بینانه نیست که از یک شاگرد جدید بخواهیم که به محض شروع به تمرین، هر چیز در دافا را بفهمد.

پرسش: در مقاله «به خاطر چه کسی وجود دارید؟» آیا منظور تان این است که ما برای حقیقت کیهان وجود داریم یا برای سرشت اولیه خالص و پاک؟

**معلم:** دوباره در مورد کلمات کند و کاو می‌کنید. به شما می‌گویم که باید برای خودتان وجود داشته باشید! (تشویق) اگر نمی‌خواهید تزکیه کنید یا به کمال برسید، آیا اهمیتی دارد که برای چه کسی وجود دارید؟ تزکیه شما و کمال شما- آیا برای آزاد کردن خودتان نبود؟ در واقع، آنچه گفتم برای این بود که به شما بگویم ثابت‌قدم بودن و در طول تزکیه تحت تأثیر هیچ مداخله‌ای نبودن، مسئول بودن در قبال خودتان است، درست؟ شما باید نسبت به خودتان مسئول باشید! به واسطه آنهایی که با شما مداخله می‌کنند رانده نشوید یا به خاطر آنها زندگی نکنید. منظورم این است.

پرسش: وقتی ما در محل تمرین با صدای موسیقی تمرین در حال انجام تمرین‌های ایستاده هستیم، برخی از افراد مدیتیشن انجام می‌دهند. آیا این درست است؟

**معلم:** فکر می‌کنم بهتر این است که همگی یک تمرین را باهم انجام دهیم. چون به شکل یک گروه تمرین می‌کنید، بهتر این است که همگی باهم تمرین یکسانی را انجام دهید. اگر بگویید که می‌خواهید خودتان مدیتیشن را انجام دهید چون قبلاً تمرین‌های ایستاده را انجام داده‌اید، آن نیز خوب است. ما خیلی سختگیر نیستیم که شما باید آن را به شیوه‌ای مشخص انجام

دهید. در عین حال، از آنجاکه شما تمرین‌ها را همگی باهم انجام می‌دهید، فکر می‌کنم بهتر است همه باهم تمرین‌های یکسانی را انجام دهید. خواهید دید که هر چه حرکات‌تان هماهنگ‌تر باشد، میدان بزرگتر و قدرت بیشتر است، و دست‌هایتان همراه با آن شناور خواهد بود.

**پرسش:** وقتی فا را مطالعه می‌کنیم، اگر آن را بلند بخوانیم یا به آهستگی بخوانیم آیا اثر یکسانی دارد؟

**معلم:** هیچ تفاوت زیادی ندارد. فقط از یک لحاظ تفاوت وجود دارد و آن عادت افراد است. بعضی افراد احساس می‌کنند که اگر بلند بخوانند نمی‌توانند محتوای آن را به خاطر بیاورند. سایرین می‌گویند که فقط با بلند خواندن می‌توانند به‌خوبی به یاد آورند. این صرفاً تفاوت در عادت آنها است. بر حسب شرایط خودتان هر دو روش باید عملی باشد.

**پرسش:** بعضی افراد فکر می‌کنند که خواندن از ابتدا تا انتها یعنی اینکه همه با هم بلند بخوانند. آیا این درک محدود است؟

**معلم:** خواندن از ابتدا تا انتها به معنای بلند خواندن نیست. و به این معنی نیست که با صدایی ضعیف بخوانند. و به معنای این هم نیست که به آهستگی بخوانند. می‌توانید به هر روشی که دوست دارید، به هر روشی که احساس راحتی می‌کنید آن را انجام دهید. وقتی کتاب را می‌خوانید می‌توانید هرطور که راحت هستید عمل کنید.

**پرسش:** آیا اتم‌ها درشت‌ترین ذرات در سطح یک بدن بودا هستند؟

**معلم:** در آموزش فا از اصطلاحات بشری استفاده کرده‌ام. آیا آنها دقیقاً همان اتم‌های ما هستند؟ خیر. آنچه آن لازم دارد ماده سطحی قابل لمس از هیچ نوع ماده‌ای در بُعد ما نیست، بلکه، ماده‌ای معادل در بُعدهای خود آنها است، که بسیار قدرتمندتر است.

**پرسش:** وقتی فردی می‌میرد، لایه بزرگترین مولکول‌ها می‌ریزد. آنگاه آیا بدن‌ها در بُعدهای دیگر هنوز از مولکول ساخته شده است، اما نه از بزرگترین مولکول‌ها؟

**معلم:** از آنجاکه موجودات بشری از میان بازپیدایی و جابجایی روح در سه قلمرو عبور می‌کنند، تمام بدن‌ها در سه قلمرو، بدن بشری نامیده می‌شوند، و تمام مولکول‌ها درون سه قلمرو مولکول خوانده می‌شوند، فقط اندازه‌های متفاوت دارند و به این ترتیب بُعدهای مختلفی را شکل می‌دهند. اما آن کاملاً این‌گونه نیست.

**پرسش:** جایی که بوداها وجود دارند، اهریمنان وجود دارند. آیا در سطوح بی‌نهایت بالا این هنوز صادق است؟

**معلم:** در سطوح بی‌نهایت بالا دیگر اهریمنان وجود ندارند. اما همچنان انواع مختلفی از موجودات متضاد وجود دارند. این جهان آنقدر بزرگ است که ورای تصور شما است. و چیزی نیست که بتوانید با ذهن بشری آن را به تصویر بکشید.

**پرسش:** برای خلاص شدن از حسادت، آیا لازم است شخصیت درونگرای فرد تغییر کند؟

**معلم:** درونگرا بودن موضوعی از شخصیت است، درحالی‌که حسادت هیچ ارتباط مستقیمی با شخصیت ندارد. «من فردی درونگرا هستم. واقعاً دوست ندارم صحبت کنم، و به دیگران حسادت نمی‌کنم» - آیا مردم زیادی این‌گونه نیستند؟

**پرسش:** ما هیچ فعالیتی را سازماندهی نمی‌کنیم تا تزکیه شاگردان، انتشار فا، و مطالعه فا را تحت تأثیر قرار ندهد. آیا آن از ترس ناشی می‌شود؟

**معلم:** بهتر این است که تمام شاگردان مان بتوانند بطور محکم تزکیه کنند. اما گاهی اوقات، فعالیت‌های گروهی که ما با هم انجام می‌دهیم، جلسات تمرین گروهی، یا کنفرانس‌های فای، برنامه‌ریزی می‌شوند تا بخشی از تزکیه شما باشند. این اشتباه نیست اگر ملاحظات اساسی برای این باشد که محیط تزکیه دافا از آسیب حفاظت شود. اگر آنچه در ذهن شما هست در واقع ترس است، آنگاه آن به *شین‌شینگ تان* ارتباط دارد.

پرسش: آیا فردی که یک دست دارد اگر تمرین‌ها را در محل تمرین انجام دهد اثری منفی بر دافا دارد؟

**معلم:** خیر ندارد. آن اهمیتی ندارد.

پرسش: همکاران من در طلب رتبه و مقام مبارزه می‌کنند، و این زمان زیادی می‌برد. نمی‌خواهم در طلب رتبه تحصیلی باشم.

**معلم:** می‌گویم که طرز فکر شما کمی افراطی است، زیرا گفته‌ام که در تزکیه تا بیشترین حد با روش مردم عادی سازگار باشید. چه آن یک رتبه و مقام باشد یا تلاش تان برای انجام کاری باشد، آن احتمالاً به درک بهتر شما از فای کمک می‌کند. همچنین شاید از لحاظ انتشار فای و درک فای در آینده به نفع شما باشد. آن اثری بر زندگی شخصی آینده شما دارد. تا زمانی که تزکیه ما تمام نشده باشد، باید در حالی که تزکیه می‌کنید تا بیشترین حد با روش مردم عادی منطبق باشید - انجام آن برای شما اشتباه نیست. در حقیقت، رتبه تحصیلی یا تحصیل شما برای رتبه‌ای خاص، چون فای را مطالعه می‌کنید تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت. در طلب یک رتبه تحصیلی بودن مطلقاً بر مطالعه فای شما تأثیر ندارد. بستگی دارد که چگونه این دو را متعادل می‌کنید. نباید مشکلی باشد. بسیاری از شما این چیزها را این‌گونه اداره کرده‌اید، و تعداد زیادی از شاگردان در مدرسه به این شکل انجام داده‌اند. در حقیقت، بسیاری از تمرین‌کنندگان ما که دانش پیشرفته‌ای دارند فای را سریعتر درک می‌کنند و نسبتاً ذهن بازتری دارند، زیرا در آموزش فای روش تفکر مردم مدرن را در نظر گرفته‌ام. در افرادی که سطح تحصیلات کمی پایین‌تری دارند تفاوتی می‌بینم. اگر هیچ‌یک از شما برای تحصیل نمی‌رفتید، مردم می‌گفتند که فالون دافا جلوی استعدادها را در جامعه عادی انسانی می‌گیرد. شما نمی‌خواهید هیچ آسیبی به فای ما برسانید، مگر نه؟ کارها را به آن شکل انجام ندهید؛ دلایل مختلفی برای این وجود دارد. کارها را آنطور که به شما می‌گویم انجام دهید. تا وقتی به کمال نرسیده‌اید، به انجام آنچه که قرار است، ادامه دهید.

پرسش: در «گفتگویی با زمان» ماده میکروسکوپی‌تر که ذکر کردید به چه چیزی اشاره می‌کند؟

**معلم:** آنچه به آن اشاره کردم را در حال حاضر نمی‌توانید بدانید. من در حال اشاره به خدایان بزرگتر و مختلف بودم. این کیهان بسیار وسیع است. با استفاده از مفاهیم بشری غیرممکن است که مواد عظیم را توصیف کرد. پس از به پایان رساندن تمام توان زبان بشری، اگر هنوز نتوانید آن را توصیف کنید چگونه درباره آن صحبت می‌کنید؟ حتی وقتی تا کمال تزکیه کرده باشید، هنوز قادر نخواهید بود چیز ورای سطح خود را بدانید. بزرگی مقام دستیابی‌ای که به آن روشن‌بین می‌شوید بزرگی خردتان را تعیین می‌کند. آن چیزی است که از طریق تزکیه بدست آورده و بوسیله سطح شما مشخص می‌شود.

پرسش: برای مردمی که فای بودای فالون را تمرین نمی‌کنند اما در زندگی روزانه *شین‌شینگ* خوبی دارند آینده چگونه خواهد بود؟

**معلم:** آنها به بازپیدایی در مسیر شش‌گانه ادامه خواهند داد. آیا می‌گویید چیز متفاوتی می‌توانست اتفاق بیفتد؟ *شین‌شینگ* آنها هر اندازه هم که خوب باشد، صرفاً مربوط به استانداردهای عادی بشری است، مگر نه؟ وقتی با معیار فای سنجیده شود ممکن است خوب نباشد.

پرسش: من گاهاً با چشم سوم هم چیزهای خوب می بینم هم چیزهای بد. نمی توانم در مطالعه یا تمرین های گروهی شرکت کنم. واقعاً مضطرب هستم که نتوانم از این مانع عبور کنم.

**معلم:** وقتی چیزها را می بینید نگذارید ذهن تان تحت تأثیر قرار گیرد، چه آنها خوب باشند یا بد- هرچه باشد، ذهن تان تحت تأثیر است. اشکالی ندارد چیزی که می بینید را ببینید، اما درباره آن فکر نکنید و از آن چیزها پیروی نکنید. این طور برخورد کنید که گویا در حال تماشای فیلم هستید. آنگاه آیا تمرین شما را تحت تأثیر قرار می دهد؟ این طور فکر نمی کنم. اگر چیزی می تواند بر تمرین شما اثر بگذارد، به این خاطر است که ذهن تان تحت تأثیر قرار می گیرد و سعی می کنید موارد خوب را تشخیص داده و دنبال کنید و موارد بد را تشخیص داده و دنبال نکنید. این برای شما خوب نیست که هیچ یک از آنها را دنبال کنید. بدون توجه به اینکه چقدر خوب هستند، هنوز هم برای شما خوب نیست که آنها را دنبال کنید. هیچ یک از آنها نمی توانند شما را به کمال هدایت کنند. بگذارید به شما بگویم: در این دنیا هیچ خدایی نیست که مردم را اینجا نجات دهد. وقتی چنین فای عظیمی اینجا منتشر می شود، هر کسی که برای مداخله بیاید سقوط می کند، زیرا معادل آن است که دافای کیهان را مختل می کند. بدون توجه به اینکه یک خدا، بودا، یا داتو چه اندازه نیرومند باشد، آنها سقوط خواهند کرد.

مدت ها پیش بشریت شروع به فساد کرد. رفتار بشر، علم بشر، و هر چیزی متعلق به نوع بشر امروزه چیزی نیست که قرار بود انسان ها داشته باشند. اگر این فا آموزش داده نمی شد، شاید موجودات بشری مدت ها پیش ناپدید می شدند. ایجاد، ثبات و نابودی در کیهان وجود دارد. شاید قبول نکنید که فجایی وجود دارند، اما همه، از جمله دانشمندان امروزه، انفجار سیارات بیشماری را در جهان دیده اند. آیا امکان ندارد زمین هم منفجر شود؟ چرا فقط سیارات دیگر باید منفجر شوند؟ البته چنین چیزی مطلقاً برای زمین ما اتفاق نخواهد افتاد. صرفاً این اصل را توضیح می دادم.

پرسش: آنطور که در سخنرانی های ایالات متحده و سخنرانی در سیدنی ذکر شده است در آرایش قرارگیری اتم ها برای شکل دهی مولکول ها، ۲۰۰ هزار اتم وجود دارد یا ۲ میلیون اتم؟ کدام یک صحیح است؟

**معلم:** هر دو صحیح است. حتی ۲۰ میلیون هم هنوز اشتباه نیست. تفکر بشری گرایش دارد یک بُعدی به مسائل نگاه کند. لایه های بیشماری از مولکول ها وجود دارند. از آنجا که چیزهایی که علم مدرن به درک آنها رسیده است در معنایی کلی است، وقتی درباره آنها صحبت می کردم اصطلاحات علم مدرن را بکار برده ام. اگر باید عدد دقیقی را مشخص کنید، می توانید ۲۰۰ هزار را در نظر بگیرید. اما آن صحیح نیست. مولکول ها به تنهایی لایه های زیادی دارند، و ذرات از اندازه های مختلف هستند.

پرسش: در رابطه با موضوع نمایش دادن مجسمه بودا و عبادت آن، برخی افراد می گویند که مجسمه ها بدن های قانون استاد را بر روی خود دارند، درحالی که سایرین می گویند که آنها بدن قانون بودای آن مجسمه را دارند.

**معلم:** هم اکنون گفتم که حتی یک بودا هم اینجا مردم را نجات نمی دهد. آن مجسمه ها چه چیزی می توانستند داشته باشند؟ برخی مجسمه های بودا دیده شده است که بدن های قانون بوداهای اصلی را دارند، اما آن به شدت کمیاب است. به علاوه، فقط مجسمه ها در معابد باستانی هستند که می توانند بدن های قانون بوداهای اصلی را داشته باشند. در شروع انجام این تعهد، قبل از اینکه برای رسیدگی به بُعد بشری و سه قلمرو برگردم، کار خود را آن بالا کامل کردم. در نتیجه، وقتی این را انجام می دهم، آنهايي که اینجا محدود شده اند نمی توانند خارج شوند. آنهايي که در گستره اینجا محدود نشده اند بدن های قانون ندارند. اما آنهايي که در گستره اینجا محدود شده اند در امور درگیر نمی شوند، و هیچ کاری انجام نمی دهند. وقتی آنها می بینند که شما خوب تزکیه کرده اید، شاید نتوانند چند کلمه ای به شما نگویند. اما مطلقاً در هیچ کار شما دخالتی نخواهند داشت.

پرسش: بعضی افراد گفته اند که مجسمه بزرگ بودای محراب آسمانی بدن قانون استاد را بر روی خود دارد و بنابراین نماینده استاد است.

**معلم:** وقتی اولین بار به هنگ کنگ رفتم، متوجه شدم که هیچ بودایی روی آن مجسمه بودا نیست و هدف از تبرک برآورده نشده است. به هر حال، آن مقداری چیزهای آشفته بر روی خود داشت، پس آنها را پاک کردم. چون مجسمه را پاک کردم، پس بدن قانون من جای آن را گرفت. این چیزی است که اتفاق افتاد. مردم زیادی آن را عبادت می‌کنند- چطور می‌شد عبادت کردن آن چیزهای آشفته را تاب آورد؟! از این گذشته، مجسمه به شکل یک بودا است. به همین خاطر از آن مراقبت کردم.

پرسش: با رسیدن به ورای قانون دنیای سه‌گانه، آیا بدن فرد هنوز علائم کارمای بیماری دارد؟

**معلم:** خیر. اما بدن تزکیه‌کنندگان مان امروزه کاملاً از درون آشفته شده است. اما همه آنها تنظیم می‌شوند. در هر روش تزکیه راستین، وقتی شخص ورای سه‌قلمرو می‌رود، وضعیت داشتن کارمای بیماری در بدنش دیگر ظاهر نمی‌شود- قطعاً اینطور است. اما قبل از اینکه به مقام دستیابی خود نائل شود هنوز با دیگران تضادهایی خواهد داشت و اصطکاک‌های شین‌شینگی در جامعه عادی بشری خواهد داشت، تا اینکه بالاخره به کمال برسد.

پرسش: در واقعه پکن و دیگر وقایع مشابه، آن تزکیه‌کنندگان ثابت‌قدم که تزکیه واقعی انجام می‌دهند چه می‌شوند؟

**معلم:** «آن تزکیه‌کنندگان ثابت‌قدم که تزکیه واقعی انجام می‌دهند چه می‌شوند؟» منظورتان از این چیست؟ به نظر می‌رسد هیچ‌یک از ما متوجه نشدیم منظور شما چیست. منظور شما این است که در آن شرکت نکردید، و اینکه «با ثبات قدم تزکیه واقعی را انجام می‌دهید؟» به نظر می‌رسد شما سعی دارید بهانه و توجیهی پیدا کنید چون فرصتی برای رسیدن به کمال را از دست دادید. شما حتی با من حيله‌گری می‌کنید. نمی‌توانستم اصول را واضح‌تر توضیح دهم. هر واقعه‌ای، هر رویدادی به آن اندازه بزرگ، بهترین آزمایش و فرصت برای شاگردان است که آن بهترین قدم را به سوی کمال بردارند. برخی از ما قادر بودیم قدم به پیش گذاریم. برخی احساس کردند اینکه به خاطر تزکیه واقعی هیچ حرکتی انجام ندادند [کار درستی بود]. اگر کمال نزدیک شما باشد و هنوز حرکتی نکنید، متعجب هستم که برای چه چیزی حرکت خواهید کرد. شما واقعاً نمی‌خواهید به کمال برسید و فقط می‌خواهید تزکیه کنید. برای چه تزکیه می‌کنید؟ آیا برای رسیدن به کمال تزکیه نمی‌کنید؟ درواقع به دنبال بهانه‌هایی برای خود هستید، سعی می‌کنید بهانه‌هایی برای وابستگی دیگر خود پیدا کنید. این انجام تزکیه واقعی نیست و بدون تأثیر ماندن نیست. در تمام موقعیت‌های زندگی روزانه‌تان، آیا حقیقتاً مانند فردی عمل می‌کنید که تزکیه واقعی انجام می‌دهد و تحت تأثیر قرار نگرفته باقی می‌ماند؟

پرسش: من شما را در یک پارک دیدم و در آن زمان بسیار جدی به نظر می‌رسیدید. هنوز در درونم احساس آشفتنگی دارم. می‌ترسم شما را ببینم اما خیلی هم دوست دارم شما را ببینم.

**معلم:** فکر نمی‌کنم اغلب جدی ظاهر شوم. وقتی در آلمان، فرانسه و در کنفرانس تبادل تجربه در اروپا بودم، به نکته‌ای اشاره کردم مبنی بر اینکه: «تا وقتی که بتوانید یاد بگیرید و تزکیه کنید، بدون توجه به اینکه چه اشتباهاتی کرده‌اید، شما را نجات می‌دهم.» گفتم که دری بزرگ را باز کرده‌ام. درواقع، این دری که باز کرده‌ام بسیار گسترده است طوری که دیگر دری وجود ندارد. من فقط به قلب و ذهن مردم نگاه می‌کنم. خیلی فکر نکنید. هرگز احساسی از سپاسگزاری یا خشم نسبت به هیچ انسانی نخواهم داشت. چه بگوئید من خوب یا بد هستم، بر ذهن من تأثیری ندارد- به همین دلیل است که می‌توانم از ذهن شما آگاه باشم. اگر می‌خواهید تزکیه کنید و واقعاً بتوانید، نسبت به شما مسئول خواهم بود.

پرسش: برای یک شاگرد جدید چه چیزی داشتن سابقه اختلال روانی یا داشتن سابقه خانوادگی اختلال روانی به حساب می‌آید؟

**معلم:** آیا در این رابطه بیمارستان تشخیص نداده است؟ [آن شامل] رفتار غیرطبیعی، گیج بودن، و این است که فرد نداند چه کسی است. فای ما به شخص داده می‌شود تا روح اصلی او نجات یابد. اگر فرد حتی نداند که چه کسی است، من فا را به چه کسی بدهم؟ دقیقاً به همین خاطر هیچ راهی برای نجات او نیست.

پرسش: به هنگام مطالعه فا و انجام تمرین‌ها، چیزهایی در ذهنم دارم که در برابر فا مقاومت می‌کنند. آنها عقاید و تصورات کسب‌شده پس از تولد هستند. آیا آنها در آینده بر من اثر خواهند داشت؟

**معلم:** آیا در آینده بر شما اثر خواهند داشت؟ آیا آنها هم‌اکنون بر شما تأثیر نداشته‌اند؟ شما متوجه شده‌اید که آنها عقاید و تصورات اکتسابی بعد از تولد هستند و شما نیستند. خود شما می‌دانید که فا خوب است؛ چرا ذهن‌تان آن عقاید و تصورات را دفع نمی‌کند؟ خودتان می‌خواهید تمرین‌ها را انجام داده و مدیتیشن کنید، اما آنها اصرار دارند که مانع شما شوند تا به سکون برسید و تمرین کنید. چگونه می‌توانید آنها را تصدیق کنید؟ هر بخش از بدن بشری، شما است زیرا آن خودتان است. دهان‌تان وقتی شما بخوابید باز می‌شود و هر صوتی که شما بخوابید تولید می‌کند؛ آن دهان مال شما است. دستان‌تان وقتی تکان می‌خورند که شما بخوابید زیرا آن شما هستید. بازوها و پاهای‌تان به همین شکل هستند. پس چرا به هنگام مدیتیشن وقتی می‌خواهید، افکار‌تان آرام نمی‌گیرند؟ زیرا آنها شما نیستند. اگر نتوانید این چیزها را تشخیص دهید، اگر آنها را خودتان در نظر بگیرید، شما را نجات نخواهیم داد. آیا این طور نیست؟ اگر قبول کنید که آن چیزهای بد شما هستند، نمی‌توانیم شما را نجات دهیم. آنچه ما نجات می‌دهیم انسان‌ها هستند نه اهریمنان، نه آن چیزها، که حتی اهریمن هم نیستند. آنها صرفاً به هم‌ریختگی درهم و برهمی هستند که نمی‌توانند یک موجود مستقل را شکل دهند. با چسبیدن به افکار شما عمل می‌کنند. آیا ما اصلاً می‌توانستیم آنها را چیزی در نظر بگیریم که نجات می‌یابند که به بوداشدن دست پیدا می‌کنند؟ آن غیرممکن است. در روند تزکیه آنها را پاک کنید و بعداً آنها اثری بر شما نخواهند داشت.

پرسش: در مقاله «افلاک» استاد، هیچ نقطه‌گذاری وجود ندارد. چه معنای درونی در آن گنجانده شده است؟

**معلم:** وقتی به سبک چینی کلاسیک می‌نویسم به طور طبیعی از نقطه‌گذاری استفاده نمی‌کنم. «افلاک»، یا «افلاک آسمان» به معنای «جهان» است. وقتی شما در تصور واژه «جهان» محدودیت‌هایی شکل داده‌اید، من آن را به این اصطلاح تغییر دادم تا محدودیت‌های شما را باز کنم. همچنین از کلماتی مانند «بدن کیهانی» استفاده کردم. آن تمام چیزی است که در زبان بشری وجود دارد، هیچ چیز دیگری نیست که بکار برد. هیچ کلمات دیگری نیست که چیز بزرگتری را با آن توصیف کرد، آن ورای توصیف است.

پرسش: من در تزکیه ترس دارم. با رسیدن به کدام سطح آرام و خونسرد باقی می‌مانم؟

**معلم:** فکر می‌کنم مشکلی بزرگ در پشت ترس شما وجود دارد. اگر واقعاً به سطحی بسیار بالا در تزکیه رسیده باشید بیمناک نخواهید بود. وقتی در تزکیه بهتر عمل می‌کنید چگونه می‌توانید ترس بیشتری داشته باشید؟ وقتی برخی افراد تازه شروع به یادگیری کرده بودند، از قدم زدن در شب‌هنگام می‌ترسیدند و ترسو بودند. وقتی تمرین را شروع کردند شجاع شدند. اگر همان طور که به تمرین ادامه می‌دهید بگویید که می‌ترسید، باید بفهمید که مشکلات‌تان چیست. آن قطعاً موضوعی از سطوح نیست. این شما نیست که می‌ترسد - شما حتی خودتان هم نمی‌دانید چگونه بیمناک و ترسان می‌شوید. بعضی افراد برای زمانی طولانی در دافا تزکیه کرده‌اند، اما اگر قلب‌شان در فا نباشد این خوب نیست. اگر آنها تزکیه واقعی را انجام ندهند، و چیزهای اساسی را تغییر ندهند - اگر چیزهای بنیادین بشری را تغییر ندهند - هیچ چیزی بدست نخواهند آورد، و انواع و اقسام مشکلات احتمالاً روی می‌دهند. دستاورد فرد در تزکیه با پیشرفت شین‌شینگ او سنجیده می‌شود، نه با طول زمان.

پرسش: در کتاب راه بزرگ کمال، قسمت‌هایی وجود دارند که با نوار ویدئویی آموزش تمرین استاد متفاوت هستند. برطبق کدام یک باید عمل کنیم؟

**معلم:** راه بزرگ کمال با نوار ویدئویی متفاوت است؟ نمایش حرکات تماماً توسط من اجرا شده است. آنها یکسان هستند. ممکن است تغییراتی در جمله‌بندی [دستورالعمل‌ها] وجود داشته باشد. آیا توجه زیادی به چیزهای جزئی نمی‌کنید؟ باید بر آنچه که در تمرین‌تان مهم است تمرکز کنید. در جزئیات ناچیز کندوکاو نکنید.

پرسش: شاگردان قدیمی و شاگردان جدید نقطه‌نظرات یکسانی را به اشتراک نمی‌گذارند، و کارها را بطور متفاوتی انجام می‌دهند، اگرچه هر دو بطور کوشایی در حال پیشرفت هستند. آیا ما می‌توانیم محل تمرین آنها را به دو گروه مجزا تقسیم کنیم؟

**معلم:** خیر، نمی‌توانید. چیزهایی که شاگردان قدیمی می‌گویند برای شاگردان جدید کمک‌کننده هستند. آن همیشه درست است. اگر یک شاگرد قدیمی خیلی خوب تزکیه کرده باشد، حقیقتاً برای او سخت است که به چیزهایی که توسط شاگردان جدید گفته می‌شوند گوش دهد. آن به این دلیل است که شاگردان جدید در ابتدا درباره خیلی از مسائل عادی بشری صحبت می‌کنند، و فا را از منظر بشر عادی درک می‌کنند. او نمی‌تواند آن را درک کند، و نمی‌توان به خاطر آن او را سرزنش کرد. برای همین وقتی برخی از شاگردان قدیمی به خانه می‌روند تا به تنهایی تزکیه کنند هیچ مخالفتی نمی‌کنم. در عین حال، اگر درک شما به آن اندازه بالا نرسیده باشد، نمی‌توانید این را اجبار کنید. برخی افراد در این شرایط نیستند؛ هنگامی که آنها بدون هیچ شکی قادرند به شاگردان جدید گوش دهند، اصرار دارند که نمی‌توانند و از دیگران دوری می‌کنند. می‌گویم که آن وابستگی خودنمایی است، زیرا احساس آن تمرین‌کنندگان قدیمی یک پیشرفت طبیعی است.

پرسش: ماده در آن سمت همگی از اینجا می‌رود. من این را خیلی خوب نمی‌فهمم.

**معلم:** درست است، درک آن برای شما سخت است. و آن مفهومی نیست که شما درک کرده‌اید. همان‌طور که می‌دانید، اگر شما می‌خواهید به یک بهشت آسمانی بروید، باید آن را از طریق تزکیه انجام دهید و از شر چیزهای بد در بدن‌تان خلاص شوید. اگر می‌خواهید این بدن را با خود ببرید، باید آن را با چیزهای آنجا همانند کنید، قبل از اینکه آن را با خود ببرید، آن را به یک بدن بودا تبدیل کنید. این موضوعی از صعود است. اگر موادی به این اندازه آلوده قرار بود در بهشت بودا جای بگیرند، آیا آن وحشتناک نبود؟ آن مطلقاً مجاز نیست. آنچه آنجا هست ماده ارتقاء یافته است. تمام مواد باید از روند ارتقاء بگذرند قبل از اینکه بتوانند به آنجا بروند.

پرسش: معنی «فرد روحانی» چیست؟

**معلم:** در مذاهب غربی فرد روحانی اشاره می‌کند به کشیش‌ها، پیشوایان روحانی، راهبان، و غیره. آنها «روحانی» نامیده می‌شوند. مردم در شرق این مفهوم را ندارند و این اصطلاح را ندارند.

پرسش: در طول مطالعه گروهی، برخی از شاگردان با پاهای ضربدری کامل می‌نشینند. آیا این بر مطالعه فای آنها تأثیری دارد؟

**معلم:** وقتی که مدیتیشن انجام می‌دهید، درحالی که با پاهای ضربدری می‌نشینید تمرین می‌کنید. اگر می‌دانید که نمی‌توانید برای مدت طولانی ضربدری بنشینید، و آن به حدی دردناک می‌شود که صورت‌تان درهم کشیده می‌شود، قادر نخواهید بود که فا را به خوبی مطالعه کنید. مطالعه فا بسیار مهم است. هیچ کاری که مطالعه فا را تحت تأثیر قرار می‌دهد انجام ندهید. اگر بگویید که می‌توانید با پاهای ضربدری ادامه دهید، البته آن عالی است! می‌توانید درحالی‌که که گوش می‌دهید آن را انجام دهید؛ بهتر است به هنگام مطالعه فا ضربدری بنشینید. بعضی از افراد نمی‌توانند آن‌طور به نشستن ادامه دهند. اگر کلاً برای‌تان غیرقابل تحمل شد که ضربدری بنشینید، پس باید پاهای خود را باز کنید. پیش از آنکه بی‌حس شوند آنها را باز کنید. از آن به

بعد قادر نخواهید بود چیزی بشنوید. فقط به این فکر می‌کنید که نگذارید کسی به شما بخورد. وقتی فا را مطالعه می‌کنید باید بر مطالعه فا تمرکز کنید.

پرسش: آیا عقاید و تصورات با احساسات (چینگ) مخلوط شده است؟

**معلم:** درک شما صحیح نیست. هر موجود زنده‌ای، تا زمانی که در محیط سه قلمرو وجود دارد، احساسات او را فرا گرفته است. این فرا گرفتن با این حالت که شخص در آب فرو می‌رود متفاوت است که فقط پوست با آب در تماس است. هر چیزی در سلول‌های کل بدن او، تا وقتی که در سطح مولکول‌ها قرار دارند، در احساسات غوطه‌ور است.

پرسش: در میان مردم عادی کدام یک ابتدا می‌آید: احساسات یا عقاید و تصورات؟

**معلم:** به محض اینکه به دنیا می‌آید شما در میان احساسات هستید. حتی قبل از اینکه به دنیا بیایید در میان احساسات هستید. وقتی که در رحم مادرتان هستید پیشاپیش در میان احساسات هستید، فقط اینکه آن را نمی‌دانستید. اما می‌دانستید که مادر عزیز و محبوب است. عقاید و تصورات بعد از تولد کسب می‌شوند. آنها با بالا رفتن سن به تدریج شکل می‌گیرند. یک کودک چهار یا پنج ساله هیچ عقاید و تصوراتی ندارد. هنوز هیچ تصوراتی شکل نداده است.

پرسش: ما باید وظایفی که توسط مراکز دستکاری تعیین شده‌اند را انجام دهیم. اما بعضی افراد می‌گویند که دستیاران نیز تزکیه‌کننده هستند، و اینکه ما باید فا را به عنوان معلم بگیریم و نظری که بر اساس درک خودمان داریم را دنبال کنیم.

**معلم:** بگذارید به شما بگویم اولاً باید در هر کاری که انجام می‌دهیم با مراکز دستکاری همکاری کنیم. شما نمی‌توانید صرفاً هر کاری که می‌خواهید بطور مستقل انجام دهید. دوم اینکه می‌خواهم به شما بگویم کارهایی که توسط مراکز دستکاری انجام می‌شوند تا موقعی که من نیستم همگی توسط انجمن دافا در پکن تأیید می‌شوند. بسیاری از مراکز دستکاری کارهای زیادی انجام داده‌اند و آن را کاملاً خوب انجام داده‌اند. اشتباهاتی بطور حتم اتفاق می‌افتند زیرا آنها نیز افرادی در حال تزکیه هستند. از آن جهت شما درست می‌گویید. فعالیت‌هایی که آنها سازمان می‌دهند از تزکیه‌شان جداشدنی است. این موضوعی است که من باید کمی از توجهم را به آن اختصاص دهم. شما نباید هر یک به شیوه خودتان عمل کنید. به همین دلیل است که هیچ یک از شما نباید زیاد درباره آن فکر کنید. اگر آنها واقعاً اشتباهی مرتکب می‌شوند می‌توانید با مهربانی به آنها بگویید. فکر می‌کنم اگر واقعاً آنها را تصحیح کنید از پذیرفتن آن امتناع نخواهند کرد.

شما همه تزکیه‌کننده هستید. اغلب این را می‌گوییم: اگر با دیگران از روی خوش قلبی صحبت کنید، کاملاً بدون خودخواهی یا بدون نفع شخصی خودتان، و کاملاً به خاطر دیگران، کلماتتان دیگران را به گریه می‌اندازد. اما اگر آنچه می‌گویید بر پایه خود محوری باشد و هر کلمه که می‌گویید به قصد خشنود کردن همه باشد: «اوه، بهتر است او این یا آن معنا را از من بد برداشت نکند،» یا «بهتر مراقب باشم چه می‌گویم تا اینکه دیگران بعداً از آن برای انتقاد از من استفاده نکنند،» و انواع و اقسام چیزها را داشته باشد، آنگاه پیام‌هایی که توسط کلماتِ فعال در فکرتان حمل می‌شوند و از ذهن‌تان ساطع می‌شوند بسیار بد خواهند بود. اگر حقیقتاً خوش‌قلب باشید و هیچ یک از انگیزه‌های خود را نداشته باشید، آنچه که می‌گویید چیزی به جز اینکه پاک و مهربان باشند نخواهند بود.

در گذشته، مردم باستان کارها را بسیار سریع انجام می‌دادند. می‌توانستند یک‌صد لی<sup>۴</sup> در روز راه بروند، و اسب‌ها می‌توانستند یک هزار لی سفر کنند. آنها دروغ نمی‌گفتند. افکارشان نسبتاً ساده و متمرکز بود. وقتی کاری انجام می‌دادند یک راه را دنبال می‌کردند و تمام تلاش خود را برای خوب انجام دادن آن می‌گذاشتند. آنچه که می‌گفتند منظورشان همان بود. اگر قولی می‌دادند مطمئناً به آن عمل می‌کردند. موجودات انسانی باید این‌گونه باشند. امروزه مردم بر تعهد و قول خود نمی‌مانند. آنها کارها را انجام می‌دهند درحالی‌که سعی می‌کنند همه را راضی کنند. در گذشته، افکار مردم مانند یک جاده از ذهن‌شان ساطع

می‌شد- یک خط صاف- که در آن بسیار به سرعت حرکت می‌کردند، در صورتیکه امروزه مردم سعی می‌کنند همه را خشنود و راضی کنند. آنها نگران این هستند، نگران آن هستند و افکاری که از ذهن آنها خارج می‌شود بطور افقی سیر می‌کند. به همین خاطر ذهن‌شان به سرعت عکس‌العمل نشام می‌دهد اما عملکردشان کند است. برخی افراد دهان خود را باز می‌کنند و قبل از اینکه کلمه‌ای بگویند برای مدتی کشمکش دارند. به همین دلیل مردم امروز به آهستگی حرکت می‌کنند و پیش از اینکه شب شود فقط بیست‌لی می‌توانند حرکت کنند. اگر انسان‌ها همین‌طور پیش روند بدون امید خواهند شد. هر چه پیچیده‌تر شوند، بدتر می‌شوند. همه این را می‌دانند.

هنوز برخی افراد ممکن است بگویند: «اگر من پیچیده نباشم دیگران از من سوءاستفاده می‌کنند.» اما همچنین به شما گفته‌ام که هر کسی بد باشد نتایج هر کاری که انجام داده است را خواهد دید. دقیقاً چون انسان‌ها به این صورت هستند، چون همه شما انسان‌ها می‌خواهید به این شکل از خود محافظت کنید، اجتماع بشری به این مرحله کشیده شده است و در حال لغزیدن به پایین است. بنابراین هر کسی سهم خود را در این اشتباه دارد. حتی اگر در این زندگی کار اشتباهی انجام ندهاید، در زندگی‌های پیشین خود انجام دادید. درواقع، کلمات و اعمال‌تان همگی مطابق گرایش‌ات مدرن است. آن مانند رانده شدن با این جریان است.

*پرسش: حسی از فوریت را دریافت می‌کنم، و در تزکیه به خوبی عمل نکرده‌ام. می‌ترسم زمان کافی باقی نمانده باشد.*

**معلم:** انواع و اقسام وابستگی‌ها وجود دارد، حتی وابستگی‌هایی مانند این. حتی در روزی که به ورای سه قلمرو می‌روید، اگر بترسید سقوط خواهید کرد. بنابراین نباید از چیزی بترسید. این ترس از خوب تزکیه نکردن چیست؟ یک ترس تنها، مانند این ممکن است شما را از موفقیت در تزکیه بازدارد. فقط نگرانی‌های خود را کنار گذاشته و خودتان را تزکیه کنید، تمام نگرانی‌ها را رها کنید. اکنون که شما فا را کسب کرده‌اید، چه چیزی برای ترسیدن وجود دارد؟ در گذشته گفته‌ای وجود داشت: «با شنیدن دأو در صبح، فرد می‌تواند در شب بمیرد.» هیچ کسی معنای واقعی این را درک نمی‌کند. چه معنایی دارد، «با شنیدن دأو در صبح، او می‌تواند در شب بمیرد؟» آیا این معنا را می‌دهد که کسی که در صبح دأو را بشنود، در شب خواهد مرد؟ خیر. معنایش این است، اگر در صبح دأو را بشنود، حتی اگر قرار باشد شب بمیرد ترسی ندارد. آن معنای واقعی این است. همه درباره آن فکر کنید: «با شنیدن دأو»- چه کسی دأو را شنیده است؟ این شما هستید که دأو را بدست آورده‌اید. آیا آن فایی نیست که در سرتان پر شده است؟ آنچه سر شما را پر کرده فاست! فایی که سرتان را پر کرده مطمئناً در ذهن‌تان ذوب شده است. در غیر اینصورت آن را به خاطر نمی‌آوردید. اگر بمیرید چگونه بخشی از شما که فا را بدست آورده به جهنم می‌رود یا از میان مسیر شش‌گانه بازپیدایی عبور می‌کند؟ این بخشی است که فا را بدست آورده است و جذب فا شده است. امروز شما چنین فای عظیمی را آموخته‌اید و بارها و بارها دوباره کتاب را خوانده‌اید. چرا هنوز درباره آن چیزها فکر می‌کنید؟ فقط بر تزکیه تمرکز کنید. تمام ترس‌ها وابستگی هستند، و تمام وابستگی‌ها مانع هستند.

*پرسش: با خواندن دست‌نوشته «گفتگویی با زمان»، شاگردان درک‌های متفاوتی از زمان دارند.*

**معلم:** این خوب است که درک‌های متفاوتی داشت. وقتی شما چیزی جدید می‌شنوید، نگاه وابستگی دیگری را رشد می‌دهید. می‌توانم به شما بگویم که- و کمی تصور می‌کنید- چیزهای بسیار زیادی خدا هستند؛ حتی درباره برخی از آنها بطور مداوم صحبت می‌کنید بدون اینکه تشخیص دهید آنها چه هستند. این جهان وسیع است. چیزهای زیادی وجود دارند که انسان‌ها اجازه ندارند بدانند. آیا خواب‌آلوده نمی‌شوید؟ آیا به محض اینکه کتاب را می‌خوانید خواب‌آلوده نمی‌شوید، یا وقتی فا را مطالعه می‌کنید چرت نمی‌زنید؟ بگذارید به شما بگویم که آنها خدایانی در سطح این بُعد انسان‌ها هستند. اگر نتوانید از آنها عبور کنید، یک انسان باقی می‌ماند. آنها عمداً کاری علیه شما انجام نمی‌دهند- آنها با هر کسی این‌طور رفتار می‌کنند. به همین خاطر است که مردم احساس خستگی و خواب‌آلودگی می‌کنند. اگر می‌خواهید از انسان بودن جدا شوید، برای اینکه موفق شوید باید از هر چیزی عبور کنید. اگر با آنها همراه شوید آنها فکر خواهند کرد که شما صرفاً یک انسان هستید.

پرسش: در سخنرانی در سیدنی و سخنرانی‌ها در ایالات متحده، معلم درباره ساختار بُعدها در کیهان و سرمنشأ ماده صحبت می‌کنند. این چگونه به تزکیه ما مربوط است؟

**معلم:** ساختار کیهان و سرمنشأ زندگی ارتباط زیادی با تزکیه شما دارد. و من به دلایلی درباره آنها صحبت کردم. اگر به اندازه کافی فا را به خوبی مطالعه نکرده باشید که به آنجا برسید و قلمروی ذهن‌تان به آن سطح نرسیده باشد، احساس خواهید کرد که آن بی‌ارتباط است. اما سخنرانی‌های من در ایالات متحده برای بیش از سه هزار نفر از افراد با تحصیلات بالا در میان حضار بود. نیمی از آن شاگردان دافا مدارکی داشتند، از جمله دکتر و مدارک کارشناسی ارشد. برخی سه تا پنج مدرک بدست آورده‌اند. آن حضار نخبگان چین بودند؛ و برای آنها سخنرانی می‌کردم. آن شاگردان در رشته‌های گوناگون زیادی متخصص بودند. ذهن آنها گسترده و باز بود. هر کسی وقتی به مطالعه فا می‌رسد یک گره دارد. گره‌هایی که باز نمی‌شوند موانعی هستند. من باید با توجه به شرایط خاص آنها را از گره‌هایشان رها می‌کردم و به این دلیل بود که درباره آن چیزها صحبت کردم. این یکی از دلایل بود. البته، معانی درونی عمیق‌تری وجود دارد.

پرسش: برای تمرین «حالت ایستاده فالون»، آیا می‌توانیم فقط یکی از حالت «نگه‌داشتن چرخ» را انجام دهیم؟ در تمرین «نفوذ به دو انتهای کیهان»، آیا بازو باید ساعد را برانند یا ساعد بازو را؟

**معلم:** روش انجام تمرین‌های ما بسیار انعطاف‌پذیر است. اگر هر یک از حرکات را جداگانه انجام دهید آن بدون اشکال است. آن به این صورت انعطاف‌پذیر طراحی شده است تا اینکه مناسب نیازهای افراد شاغل باشد و به آنها اجازه دهد که با مشغله‌هایی که دارند تزکیه را انجام دهند. ما این روش تزکیه را فراهم کرده‌ایم. می‌توانید تحت هر شرایطی تزکیه کنید. وقتی زمان بیشتری دارید، بیشتر انجام دهید. وقتی که سرتان شلوغ است، می‌توانید کمتر انجام دهید. (بعداً وقتی که زمان دارید آن را جبران کنید). اما بهترین این است که تمام تمرین‌ها را انجام دهید. آن به این شکل عمل می‌کند.

وقتی که تمرین «نفوذ به دو انتهای کیهان» را انجام می‌دهید، ساعد بازو را نمی‌رانند، بازو هم ساعد را نمی‌رانند. من فکر می‌کنم کل دست در کل در حال حرکت است. اما در تمرین پنجم ساعد، بازو را می‌رانند. وقتی تمرین «نفوذ به دو انتهای کیهان» را انجام می‌دهید، اگر نیرو را در ساعد خود قرار دهید حرکات شما شاید تا حدی براننده‌تر باشد. آنچه اینجا می‌گوییم این است که نباید در این جزئیات بی‌اهمیت کندوکاو کنید. باید بر چیزهای مهم تمرکز کرده و فا را مطالعه کنید!

پرسش: شخصی از من خشمگین است زیرا مانع او از فروش کتاب‌های جعلی شدم. او برخی از شاگردان را با خود برده تا جداگانه تمرین کنند. چگونه باید با او رفتار کنم؟

**معلم:** اگر او با فروش کتاب‌های جعلی پول درمی‌آورد، اینجا به وضوح به شما می‌گوییم: او مرید من نیست. اگر کتاب‌های جعلی را می‌خرد و با قیمت خرید به شاگردان می‌فروشد، آنگاه او در حال خرید کتاب برای دیگران است و نمی‌توانیم بگوییم که در حال آسیب زدن به فا است. اگر متن درون کتاب‌ها تغییر یافته و او آن را نمی‌داند، پس باید به او بگویید دیگر این کار را انجام ندهد. مشکل این‌طور باید اداره شود، و اختلاف نباید خیلی شدید شود. اگر بعداً او شروع کند تمرین‌کنندگان را جدا کند تا گروه خود را شکل دهد، آنگاه این مطلقاً رفتار مریدان دافای ما نیست.

پرسش: در رؤیاهایم اغلب با چیزهای شبیح‌مانندی روبرو می‌شوم که بدنم را کنترل می‌کنند. تا این اتفاق می‌افتد، به یاد می‌آورم که من یک مریدی هستم که یک فای راستین را تمرین می‌کند.

**معلم:** وقتی چیزهای بد را می‌بینید نترسید. آن صحنه‌های وحشتناک ممکن است اغلب توسط تمرین‌کنندگان جدید دیده شوند، یا کسانی که برای مدت زمانی تمرین کرده‌اند اما کوشا نبوده‌اند، کسانی که به آهستگی پیشرفت کرده‌اند، و کسانی که برای مدتی طولانی در سطح یکسانی مانده‌اند. چرا این‌طور است؟ به این دلیل که در بُعدی دیگر، در مکانی که مردم عادی «دنیا

مردگان» می‌نامند، تعداد زندگی‌ها به اندازه تعداد در دنیای ما است. در شب وقتی که ما به خواب می‌رویم آن طرف روز است. وقتی اینجا برای ما شب‌هنگام است، برای آنها روز است؛ وقتی برای ما روز است، آنجا شب‌هنگام است. وقتی شما در شب خواب هستید زمان بیرون آمدن آنها است. افراد مسن سابقاً می‌گفتند: «در شب بیرون نروید!» آنها دلایل خود را داشتند. آن به این خاطر است که خیلی از آنها در شب بیرون هستند. آنها در طول روز استراحت می‌کنند.

وقتی در ابتدا تزکیه را شروع می‌کنید (از سطح بشری عادی شروع می‌کنید)، اگر چشم سوم‌تان در آن قلمرو باز باشد آنها را خواهید دید. آن به این خاطر است که شما در سطحی بسیار پایین شروع کردید، [سطح] مردم عادی. آنها می‌دانند که می‌توانید آنها را ببینید، بنابراین خواهند آمد تا با شما تماس بگیرند، یا برخی پدیده‌هایی که با تزکیه شما مداخله می‌کنند ممکن است اتفاق بیفتند. تمام آن چیزها امکان‌پذیر هستند. بدون توجه به این، باید خود را به خوبی کنترل کنید و آنها را نادیده بگیرید، و فقط بر مطالعه فایده تمرکز کنید و تزکیه کنید. آنگاه خیلی زود آن سطح را خواهید گذراند؛ به محض رشد و بهبود، دیگر آنها را نخواهید دید زیرا سطح‌تان ارتقاء یافته است و آنها دیگر قادر نیستند به شما دسترسی داشته باشند. هرچند شما هنوز در حال تزکیه در میان انسان‌ها هستید، مکان و زمان میدان پیرامون بدن شما تغییر خواهد کرد. آن چیزها بسیار کوچک خواهند شد. در نتیجه، دیگر قادر نخواهید بود آنها را ببینید، و آنها قادر نخواهند بود دیگر به شما آزار برسانند. من اینها را در تشریح فای جوآن فالون و تشریح محتوای فالون دافا مورد بحث قرار داده‌ام.

پرسش: آیا مقاله «برای چه کسی وجود دارید؟» به ما می‌گوید که بطور کامل از سمت بشری خلاص شوید و این پوسته بشری را رها کنید؟

**معلم:** بله. بسیاری از مردم ما از همان ابتدا فکر می‌کنند که فا خوب است زیرا فکر می‌کنند این فا برای بشریت مفید است. آنها فکر می‌کنند: «اگر کسی یک تزکیه‌کننده باشد اجتماع بشری عادی را مختل نمی‌کند و برای آن کاملاً سودمند است. من باید آن را یاد بگیرم.» اساس تفکر آنها بشری است. بعضی از افراد برای مدتی طولانی با استفاده از معیار بشری به ارزیابی دافای ما ادامه می‌دهند. اگر آنها فکر کنند که چیزی ذره‌ای با عقاید و تصورات مردم مدرن یا با روش‌های اجتماع بشری مخالف است، آن را دوست ندارند یا قبول نمی‌کنند. در حقیقت، آنچه از آن حفاظت می‌کنند چیزهای بشری است؛ آنها نمی‌خواهند از بشر بودن جدا شوند. دلیل آن است. هدف نهایی برای شما تزکیه‌کنندگان این است که به کمال برسید و از بشر بودن جدا شوید. شما مطلقاً اجازه ندارید به عقاید و تصورات بشری بچسبید و نگذارید آنها رها شوند.

پرسش: وقتی به احساسات عادی می‌رسد من می‌توانم تحمل کنم (رن). اما اگر بشنوم که کسی نظرات منفی درباره من می‌دهد، کمی سخت است آن را تحمل کنم.

**معلم:** در واقع تحمل شما حتی به استانداردهای عادی نرسیده است. اینکه آنجا بنشینید و فکر کنید می‌توانید تحمل کنید چیزی نیست به جز اینکه تفکری آرزومندانه است. اگر وقتی واقعاً با مشکلات مواجه می‌شوید بتوانید تحمل کنید، آن تحمل حقیقی است. بنابراین در مورد این، من فکر می‌کنم اگر از طریق خواندن به درک فا برسید، قادر به انجام آن خواهید بود. وقتی با تضادها روبرو می‌شوید یا وقتی مشکلات ناگهان برمی‌خیزند، اینکه در آن لحظه چقدر می‌توانید تحمل کنید مهمترین است. بعضی افراد اصلاً قادر نیستند تحمل کنند، حتی وقتی اصول را درک می‌کنند. شما نمی‌توانید آن را تحمل بنامید. برخی دیگر می‌گویند می‌توانند تحمل کنند، اما وقتی مشکلات ناگهان سربرمی‌آورند هنوز نمی‌توانند خودشان را به خوبی اداره کنند. پس آن واقعاً آنقدرها خوب نیست. اگر وقتی مشکلی ناگهانی پدیدار شود بتوانید تحمل کنید، و حتی در خواب بتوانید اصول خود را حفظ کنید، آنگاه پایدار هستید. خواب دیدن به خودی خود تزکیه نیست، اما این حقیقت دارد که آن می‌تواند آزمایش کند آیا شین‌شینگ شما پایدار و محکم هست. کسانی که درباره شما چیزهای بدی می‌گویند افراد عادی هستند، نه خدایان و بوداها. چرا یک تزکیه‌کننده تحت تأثیر آن قرار بگیرد؟

پرسش: گاهی اوقات، وقتی سعی می‌کنم که اصول فا را درک کنم یا در حال گذراندن آزمایش‌های شین‌شینگ هستم، در ذهنم با استاد صحبت می‌کنم. آیا آن یک وابستگی است؟

**معلم:** آن وابستگی نیست. نمی‌تواند وابستگی نامیده شود. هرچند می‌توانید با من حرف بزنید، درعین حال، نباید هیچ پاسخ یا توجهی در ازای آن توقع داشته باشید، و نباید از من انتظار داشته باشید تا برخی چیزهای خوب به شما بدهم یا نرمی و ملایمت نشان دهم. هیچ یک از آنها انجام نمی‌پذیرد. این برای شما بدون اشکال است که با من صحبت کنید. بنابراین در هر حال، می‌توانید با من صحبت کنید. ممکن است با یک قصد صحبت کنید، اما من وقتی گوش می‌دهم به آن توجهی نمی‌کنم. در طلب چیزی نباشید و بطور طبیعی بدست خواهید آورد. هر چیزی که با قصد انجام شود عملی نیست؛ نباید با یک قصد با من صحبت کنید. بعضی افراد می‌گویند: «من فقط می‌خواهم به معلم نگاه کنم، زیرا معلم به ما گفته‌اند که فرد می‌تواند با نگاه به حالت صورت معلم، بگوید که چیزی خوب یا بد است. بنابراین هر روز صبح بعد از اینکه از خواب بیدار می‌شوم، به تصویر معلم نگاه می‌کنم تا ببینم آیا امروز روز خوبی خواهد بود. هر روز وقتی هر کاری انجام می‌دهم، به تصویر معلم نگاه می‌کنم.» آنگاه وابستگی شما کاملاً قوی شده است. وقتی بعضی تزکیه‌کنندگان در واقع بعد از انجام کاری احساس عدم اطمینان دارند، و واقعاً نمی‌دانند که درست یا اشتباه انجام داده‌اند، نگاهی به عکس من می‌اندازند و حقیقتاً راهنمایی را در آن دریافت می‌کنند. تزکیه درباره تزکیه کردن قلب و ذهن شما است. اما به جای رها شدن از آن وابستگی، تمام آن را پیش روی من می‌گذارید.

بگذارید به شما بگویم چرا مردم امروزه قادر نیستند در بودیسم تزکیه کنند. یکی از مهمترین دلایل این است که آنها تزکیه نمی‌کنند، بلکه در طلب هستند. اما نمی‌دانند که در طلب هستند. وقتی بودا را ستایش می‌کنند به چه چیزی می‌اندیشند؟ «این و آن شخص در خانواده من بیمار است؛ بودا التماس می‌کنم، به او برکت بده زیرا به تو باور دارم.» منظورشان این است: «من به بودا اعتقاد دارم، عود می‌سوزانم.» پس در حال معامله با بودا هستند. وقتی برخی افراد بودا را عبادت می‌کنند فکر می‌کنند... آنها وقتی بودا را عبادت می‌کنند و عود می‌سوزانند هیچ انگیزه خاصی ندارند، اما هر روز وقتی این کار را انجام می‌دهند، می‌اندیشند: «انجام این کار به این معنا است که به بودا احترام می‌گذارم و بودا شدن را تزکیه می‌کنم. بودا، نگاه کن من چقدر پرهیزکار هستم.» با خود فکر می‌کنند: «من در برابر بودا بسیار پارسا هستم. بودا باید این را ببیند.» بودا هیچ نوع از این طرز تفکر را نمی‌پذیرد. او فکر خواهد کرد که این شخص اصلاً خوب نیست.

اغلب می‌گویم که افراد در بودیسم دیگر نمی‌دانند که چطور باید تزکیه کنند. منظورم این است. آنها اصلاً این را تشخیص نمی‌دهند؛ قصدهای آنها عمیقاً پنهان شده است. امروزه مردم بسیار حيله‌گر شده‌اند. مردم امروز می‌دانند که چگونه وابستگی‌های خود را مخفی کنند. و آنگاه مخفی کردن وابستگی را نیز پنهان می‌کنند. وقتی به این نوع فرد نگاه می‌کنم می‌دانم که واقعاً سخت است او را نجات داد. وقتی درباره آن اشاره‌ای به او می‌رسانم، خود او حتی به این پنهان کردن چیزی که برای مخفی کردن پنهان کاری‌اش استفاده کرده پی نمی‌برد. بیشتر اینکه، وقتی به مشکل واقعی او اشاره می‌کنم - وقتی بدن‌های قانون من به مشکل واقعی او اشاره می‌کنند - او سعی می‌کند بدن‌های قانون مرا فریب دهد، انگار با انسان‌های عادی سروکار دارد. او وانمود می‌کند و می‌گوید: «اوه، من اشتباه کردم.» آنگاه دوباره پوشش دیگری پیدا می‌کند تا آنچه مخفی کرده را پنهان کند - او از پوشش دیگری استفاده می‌کند. چگونه فردی مانند این باید نجات یابد؟! اکنون، شما هنوز استادان را دارید که به شما آموزش می‌دهد و مریدانش را اینجا راهنمایی می‌کند. اما در آن معابد که هیچ کسی از آنها مراقبت نمی‌کند، چگونه می‌توانند تزکیه کنند؟ انسان‌ها به این مرحله رسیده‌اند. شما می‌گویید چه کاری می‌تواند انجام شود؟

پرسش: می‌بینم که شاگردان بسیاری یادداشت برمی‌دارند. استاد، لطفاً درباره این صحبت می‌کنید؟

**معلم:** هر یک از شما که یادداشت برمی‌دارد، بهتر است از این کار دست بردارید. چرا؟ بگذارید به شما بگویم، از آنجاکه تمرکزتان بر یادداشت بیشتر برداشتن است، قادر نخواهید بود هر چیزی که می‌گویم را بشنوید. بنابراین بدون توجه به اینکه چقدر تلاش می‌کنید، نخواهید توانست بطور کامل همه چیز را بنویسید. اگر یادداشت‌های ناقص برداشته و با دیگران به اشتراک بگذارید، در حال نقل قول از من خارج از متن هستید. و علاوه بر آن، خودتان سخنرانی را خوب نمی‌شنوید. اختلال این اندازه مهم است. هر

چند نمی‌توانید همه چیز را به یاد بیاورید، با هر نکته که در سخنرانی من درک می‌کنید، در حال پیشرفت و جذب شدن در فاهستید. این رشد حقیقی است. وقتی از اینجا بیرون می‌روید همگی دستخوش تغییری شده‌اید. امکان دارد آنهایی که یادداشت برمی‌دارند اصلاً هیچ تغییری را تجربه نکنند. اختلال این‌گونه عظیم است. ما قبلاً درباره این مشکل صحبت کرده‌ایم. یادداشت برنارید.

پرسش: لطفاً درباره معانی درونی [مقاله] «شرحی بر فا» بیشتر توضیح دهید.

**معلم:** اگر می‌خواستیم آن را برای شما صراحتاً توضیح دهم آن را صریح و آشکار می‌نوشتیم. این برای شما است تا به آن روشن‌بین شوید. هر چقدر بتوانید از آن درک کنید خوب است. اگر سعی کنید آن را بدون هیچ عقاید و تصوراتی درک کنید، از مسیر خارج نخواهید شد بدون توجه به اینکه به چه مقدار اندکی از آن روشن‌بین شده باشید؛ فقط این‌طور است که آنچه شما به آن آگاه و روشن می‌شوید محدود است و آنچه به دانستن آن می‌رسید آنقدر زیاد نیست. اما آن خارج از مسیر نخواهد بود. اگر می‌توانستیم صراحتاً و آشکارا به شما بگوییم آن را به آن صورت نمی‌نوشتیم.

پرسش: ارتباط بین عقاید و تصورات و وابستگی‌ها چیست؟

**معلم:** آن چیزهایی که شما فکر می‌کنید خوب هستند و اینکه همیشه به آنها چسبیده‌اید و رها نمی‌کنید وابستگی‌ها هستند. صریح‌تر بگوییم، هر چیزی که شما نمی‌توانید رها کنید یک وابستگی است. آن بسیار ساده است. بسیاری از شما فا را به اندازه کافی خوب مطالعه نکرده‌اید. دلیل اینکه شما فا را به اندازه کافی خوب مطالعه نکرده‌اید این نیست که مطالعه نکرده‌اید یا زمان کافی برای مطالعه کردن نگذاشته‌اید - این‌طور است که با حالت ذهنی یک انسان عادی مطالعه می‌کنید. آن بخش‌هایی که مطابق نیازهای روانی شما هستند را برمی‌دارید. فکر می‌کنید آنها خوب هستند و گزینشی آنها را می‌خوانید. اگر از آن بخش‌هایی که فکر می‌کنید مطابق نیازهای شما نیستند چشم‌پوشی کنید، بگویید ارتباطی با شما ندارد، یا حتی با عقاید و تصورات خودتان موافق نباشد، و گزینشی بخوانید، آنگاه هرگز قادر نخواهید بود در تزکیه صعود کنید. هرچند برخی مسائلی که در *جوآن فالون* مورد بحث قرار دادیم شاید به نظر برسد هیچ ارتباطی با تزکیه شما یا *شین‌شینگ* شما ندارد، اما کتاب چیزها در سطوح مختلف و در شکل‌های مختلف را تحت پوشش قرار می‌دهد. حتی وقتی در ظاهر به نظر می‌رسد درباره گونگ صحبت می‌کنم. حقیقت را به شما بگوییم، آنچه می‌گوییم شامل چیزهایی در ارتباط با *شین‌شینگ* است. کتاب نظام‌مند است. اگر حتی از یک فصل چشم‌پوشی کنید عملی نخواهد بود. اگر نتوانید آن حالت ذهنی خود را تغییر دهید آن مانع رشد و بهبود شما می‌شود، مانع کمال شما می‌شود.

پرسش: هر چند وقت یکبار احساس می‌کنم که گویا چیزی به سرم فشار می‌آورد، اما نمی‌توانم بفهمم به چه چیزی ارتباط دارد.

**معلم:** فقط آن را نادیده بگیرید. درباره چیزی نگران نباشید. تا وقتی که یک مرید در تزکیه باشید، باید تمام حالت‌هایی که تجربه می‌کنید را پدیده‌هایی خوب در نظر بگیرید. درباره «جمع شدن سه گل بالای سر» صحبت کرده‌ام. سه گل در بالای سر جمع می‌شود صرفاً در سطحی کم‌اهمیت اتفاق می‌افتد و یک تجلی در قانون دنیای سه‌گانه است. وقتی شخص به سطحی بالاتر می‌رسد تجلیاتی در سطوح بالاتر خواهد بود و انواع بسیاری از شکل‌ها بر روی سر فرد واقع می‌شود، و فشاری که در بالای سر احساس می‌شود بسیار زیاد است. وقتی من تجلیات خاصی را نام می‌برم احتمال دارد یک وابستگی رشد داده یا هیجان‌زده شوید. شاید مجسمه‌های بوداها را دیده باشید که انواع مختلفی دارند، برخی از آنها چهار سر دارند، و بعضی یک سر دارند که بالای سر دیگر قرار گرفته است، که آن هم بالای سر دیگر قرار گرفته و آن هم... تمام این در طول تزکیه‌تان رخ می‌دهد. آن شکوه فای بودا است. یا حداقل آن یک تجلی جزئی از شکوه فای بودا است. بیشتر اینکه، آن فقط یک پدیده است. هزاران، ده‌ها هزار، حتی صدها میلیون از تجلیات گوناگون گونگ و همچنین تجلیات فا ظاهر خواهند شد. چگونه می‌توانستید چیزی بر روی سرتان احساس نکنید؟ همان‌طور که ستون گونگ شما بلندتر می‌شود آن به شما فشار می‌آورد، باعث می‌شود در

سرتان احساس فشار کنید. انواع و اقسام چیزها اتفاق می‌افتند. اگر شما چیزهای به این خوبی را چیزهایی بد در نظر بگیرید، شین‌شینگ‌تان را کجا قرار داده‌اید؟ آیا آن مطابق سطحی است که به آن رسیده‌اید؟ به همین خاطر است که اغلب به شما می‌گویم که مهم نیست اگر نمی‌توانید ببینید. باید آن را چیزی خوب در نظر بگیرید. برای من غیرممکن می‌بود که بطور کامل به هر یک از شما درباره همه جزئیات کوچک تمام پدیده‌ها در هر سطح بگویم. اگر می‌گفتم، از فرط خوشحالی از خود بی‌خود می‌شدید. اگر هر روز بر آن تغییرات تمرکز می‌کردید، دیگر نمی‌توانستید تزکیه کنید. به همین دلیل است که درباره آن چیزها با شما صحبت نمی‌کنم. باید فقط بر روی قلب و ذهن‌تان سخت کار کنید - رشد حقیقی کاملاً بستگی به قلب و ذهن شما دارد. اگر قلب و ذهن‌تان صعود نکنند، هر چیز دیگری بیهوده است.

پرسش: وقتی نمی‌توانم یک آزمایش را بگذرانم، تأسف خود را جلوی تصویر معلم بیان می‌کنم. آیا انجام آن اشکالی ندارد؟

معلم: بیان آن بدون اشکال است. آن اشتباه نیست، اما باید پس از آن رفتار خود را تصحیح کنید. اگر بعد از اینکه امروز آن را بیان کردید، از در بیرون بروید و دوباره خود قدیمی‌تان شوید، آنگاه چه فایده‌ای دارد که برگردید و دوباره تأسف خود را بیان کنید؟ وقتی به معلم می‌گویید که از چیزی متأسف هستید، باید برای اصلاح آن راه حلی داشته باشید.

پرسش: لطفاً معنی «این خطر قریب‌الوقوع بزرگی است» در مقاله «آرام کردن بیرون با تزکیه درون» را توضیح دهید.

معلم: من آن مقاله را نوشتم زیرا شاگردان زیادی سؤالاتی در ارتباط با آن مطرح کردند. آنها پرسیدند: «من فالون گونگ را تمرین کرده‌ام. آن خوب است و کمک می‌کند اخلاقیات مردم در اجتماع دوباره خوب شود. اما اگر هر کسی بسیار مهربان (شن) شود، اگر خارجی‌ها حمله کنند چه می‌شود؟ اگر جنگی در بگیرد چه می‌شود؟ آن مقاله را نوشتم تا به آن سؤال بپردازم.

جنگ‌ها صرفاً به خاطر اینکه مردم می‌خواهند بجنگند به وقوع نمی‌پیوندند. همه چیز توسط آسمان تعیین شده و توسط اوضاع و احوال کیهان به پیش رانده می‌شود. بدون توجه به اینکه موجودات بشری چطور به سختی برنامه‌ریزی می‌کنند، به سختی فکر می‌کنند، یا سعی می‌کنند، زمان‌هایی هست که صرفاً نمی‌توانند موفق شوند. گاهی اوقات که آنها موفق می‌شوند، آنگاه فکر می‌کنند آن نتیجه‌ای از تلاش خود آنها است. اما در واقعیت، تلاش‌ها و فعالیت‌ها در زندگی آنها غیرقابل اجتناب هستند. آن به این شکل است. بنابراین اگر موجودات بشری کاری انجام ندهند، چیزهای خوب صرفاً در دامن آنها فرود نخواهد آمد. دلیل موجود این است که آن نحوه زیستن موجودات بشری است، و آنها هرگز مانند خدایان زندگی نمی‌کنند. حتی اگر این را به آنها بگویید، آن را باور نخواهند کرد، و به مبارزه و رقابت با دیگران ادامه خواهند داد. برای شما آن یک موجود بشری است. در نتیجه، رقابت و مبارزه اعمالی غیرقابل اجتناب می‌شوند، رفتار انسان می‌شوند، و صرفاً بشری هستند. بنابراین وضعیت اجتماع بشری از حالت موجودات بشری می‌آید.

پرسش: وقتی شین‌شینگ خود را رشد می‌دهیم، کارمای خودمان پاک می‌شود. آیا آن به افرادی منتقل می‌شود که به ما در رشد شین‌شینگ کمک می‌کنند؟

معلم: خیر، این‌طور نیست. به نظر می‌رسد که شما کاملاً وابسته هستید و به خاطر از دادن چیزهای خود می‌ترسید. (خنده) بگذارید به شما بگویم که اصلاً شبیه آنچه تصور کرده‌اید نیست. من چیزهای بسیار زیادی را برای شما پاک کرده‌ام. حقیقت این است، آنها را برای شما تحمل می‌کنم. برای هر کسی غیرممکن است که برای جنایات و اشتباهاتی که انجام داده نپردازد - آن مطلقاً ممنوع است. این قانون آسمان است. مقدار کارمایی که نیاز دارید پاک کنید به میزان درست برای شما باقی مانده است تا اینکه به شما اجازه دهد تزکیه کنید؛ آن متناسب با شین‌شینگ‌تان و قابل تحمل است. اگر ذره‌ای بیشتر می‌بود، سقوط می‌کردید و نمی‌توانستید تزکیه کنید. این‌طور نیست که چون [کارما] را برای شما تحمل کرده‌ام چیزی از شما می‌خواهم. همه چیز برای من است، و به چیزی نیاز ندارم. برخی از چیزهای بد مستقیماً نابود می‌شوند، و آن چیزی است که هیچ کسی غیر از من نمی‌تواند انجام دهد.

آیا می‌دانید چرا عیسی به صلیب کشیده شد؟ آیا می‌دانید چرا شاکيامونی باید نیروانا را انتخاب می‌کرد؟ مردم زیادی به معبد فامین می‌روند تا استخوان‌های انگشت شاکيامونی را ببینند؛ آنها واقعاً استخوان‌های انگشت شاکيامونی هستند. اگر استخوان‌های انگشت او آن‌گونه هستند، بدن او چگونه می‌توانست دچار پوسیدگی شود؟ آیا او نمی‌توانست بدنش را با خود ببرد؟ آن بطور کامل به ماده با انرژی بالا تبدیل شده بود و دیگر بدن بشری نبود. چرا او همچنان نیروانا را انتخاب کرد؟ شما نمی‌دانید که در روند تزکیه‌تان، بدهی‌هایی که مدیون هستید صرفاً گناهانی نیستند که در میان موجودات بشری مرتکب شده‌اید؛ بدهی‌هایی که در بدن‌های کیهانی مختلف، در سطوح مختلف، و در محیط‌های مختلف مدیون شدید صرفاً بشمار هستند. آن چیزی است که موجودات بشری نمی‌توانند به هیچ وسیله‌ای آنها را تسویه کنند. حتی خدایان در سطوح پایین هیچ راهی برای تسویه آنها ندارند. اما اگر کسی بخواهد فردی را نجات دهد و اگر آن شخص تمایل به تزکیه داشته باشد، چگونه می‌توانید نسبت به او رحمت نداشته باشید؟ یک بودا بسیار مهربان است، بنابراین سعی می‌کند او را نجات دهد. اما در مورد تمام چیزهایی که او بدهکار است چه؟ باید آن را برای او حل و فصل کنید، که درواقع به این معنا است که خود بودا گرفتار گره‌های ناشی از بدهی‌های او می‌شود. وقتی یک بودا برای نجات مردم می‌آید باید یک بدن بشری داشته باشد. آن گره‌ها به چه چیزی بسته می‌شوند؟ آنها به بدن بشری او گره زده می‌شوند. در پایان، نه بودا و نه عیسی، هیچ‌یک نتوانستند بدن بشری خود را رها کنند زیرا صرفاً نتوانستند خودشان را از بدهی‌های مریدانی که نجات می‌دادند آزاد کنند، و آن شامل انواع مختلف بدهی‌های کارمایی بود که در سطوح مختلف و دوره‌های زمانی مختلف مدیون شده بودند، و به این دلیل بود که آن شامل چیزهای مختلف بسیار بسیار زیادی در کیهان بود. آنها به هیچ‌وجه قادر نبودند خودشان را آزاد کنند. بنابراین این نوع مسیر را انتخاب کردند: نابود کردن بدن بشری یا سوزاندن شدن بدن، و اجازه دادند آن یک پایان، به تمام آن خاتمه دهد؛ همه چیز حل و فصل شد، و آنها فکر کردند که بدهی‌های خود را پرداخت کردند.

عیسی به منظور اینکه در حد توان بدهی‌ها را بپردازد و نفرت و کینه که از قلمروهای مختلف برای او می‌آمد را دفع کند، مصلوب شدن خود را پذیرفت و متحمل آن رنج شد. اما هنوز افرادی هستند که یادداشت‌هایی مانند این می‌فرستند: «معلم، شما باید این‌طور مرا نجات دهید» یا «شما باید آن‌طور مرا نجات دهید.» من می‌گویم: «آیا فکر می‌کنید بوداها ملزم به نجات شما هستند، که آنها هیچ کاری برای انجام دادن ندارند و باید شما را نجات دهند، و اینکه به نجات شما عادت کرده‌اند؟» شاکيامونی گفت که تعداد بوداها و تاتاگاتاها مانند تعداد دانه‌های شن در رودخانه گنگ هستند. چه تعداد دانه شن در کرانه رود گنگ وجود دارد؟ او گفت که تاتاگاتاها به فراوانی دانه‌های شن در گنگ هستند. تاتاگاتاها بسیار وجود دارند. آن چیزی است که شاکيامونی از سطحی که آن روزها در آن بود گفت. آنگاه چرا آن تعداد بسیار زیاد بوداها اینجا بیایند تا مراقب امور انسان باشند؟ درواقع، یک بودا در آن بالا نیازی ندارد پایین بیاید؛ فقط کافی است با یک موج دستش تمام بیماری‌های نوع بشر را پاک کند، و با یک موج دستش کارمای تمام موجودات بشری را از بین برده و آنها را نجات دهد. اما هیچ کسی نمی‌تواند این کار را به آن شکل انجام دهد.

موجودات بشری باید خودشان هر چیزی که بدهکار هستند را بپردازند، و چیزی که بدهکارند فقط به سطح موجودات بشری محدود نمی‌شود. اگر شما می‌خواهید آنها را نجات دهید، باید قلب آنها را از هسته تغییر دهید. فقط در آن صورت نجات حقیقی به حساب می‌آید. اگر بدهی‌های آنها را پرداخت کرده و آنها را کاملاً پاک کنید، بدون اینکه قلمروی ذهن‌شان ارتقاء یابد، مطمئناً، در بیرون تمیز و آراسته به نظر می‌آید، اما آن تماماً جعلی می‌بود! چرا می‌گویم که درونی‌ترین بخش ذهن‌تان باید تغییر کند؟ بعضی افراد گفته‌اند: «من برای یاد گرفتن فامین بیمار بودم. در ابتدا نمی‌دانستم، اما بعداً درک کردم که معلم می‌گویند این درباره شفا گرفتن نیست.» پس این فرد خوب شدن را ذکر نمی‌کند. «خب، من برای شفا یافتن درخواست نمی‌کنم.» در درون ذهنش به خود می‌گوید: «برای شفا گرفتن درخواست نخواهم کرد. صرفاً کتاب را می‌خوانم و تمرین‌ها را انجام می‌دهم. مطمئناً معلم در مرحله‌ای از بیماری من مراقبت خواهند کرد.» او هنوز به آن شکل فکر می‌کند. در بیرون تمیز و آراسته است، اما در اعماق درون تغییر نکرده است. این به معنای فریب دادن افراد، حتی فریب دادن استاد است. چطور می‌تواند عملی باشد؟ در حقیقت او صرفاً خود را فریب می‌دهد.

آن به این معنا است که اگر می‌خواهید تغییر کنید، باید خودتان را از اعماق درون تغییر دهید، از سرشت واقعی‌تان. فقط آن ارتقاء واقعی و تبدیل حقیقی است. اگر سرشت شین‌شینگ شما تغییر نکند، وقتی با مشکلی مواجه می‌شوید [وابستگی‌تان] کاملاً ظاهر می‌شود- آن برجسته شده و خودش را نشان می‌دهد. آیا اگر بوداها این‌طور بودند وحشتناک نمی‌بود؟ تغییرات باید از سرشت واقعی فرد بیاید. به همین دلیل است که گفتم تزکیه موضوعی بسیار جدی است. اگر خود را حقیقتاً از سرشت واقعی تغییر ندهید بی‌فایده است. وقتی مردم سعی می‌کنند خوب باشند و در اجتماع مردم عادی الگو یا قهرمان باشند- و انگیزه مهم نیست، شاید آن نتیجه یک آرزوی خوب باشد- با این حال آنها همیشه یک قصد یا یک انگیزه دارند. از این رو، رفتار خوب آن شخص خیلی طول نخواهد کشید، و دوباره در آینده دچار اشتباه خواهد شد. آیا گفته‌ای در گذشته وجود نداشت که: «همیشه از مردگان تجلیل کنید نه از زنده‌ها؟» به این دلیل که مردم خودشان پی برده‌اند که: «اگر یک روز دوباره او اشتباهی مرتکب شود چه؟» هیچ قانون یا مقرراتی، و نه حتی هیچ کارزاری تا به حال سرشت مردم یا قلب آنها را تغییر نداده است. برای اینکه فرد بتواند تغییر کند باید واقعاً تکان بخورد.

چه آن نیروانای شاکيامونی باشد چه مصلوب شدن عیسی، که ذکر کردم، آنها چنین درد عظیمی را برای موجودات بشری تحمل کردند و بطور بسیار وحشتناکی برای خاطر آنها رنج کشیدند! انسان‌ها چگونه باید با خودشان رفتار کنند؟ در برابر چه کسی باید مسئول باشند؟ برای چه کسی باید زندگی کنند؟ اگر قرار است نسبت به خودتان مسئول باشید، آیا نمی‌خواهید با ذهنی روشن زندگی کنید؟ اگر هر کسی می‌توانست برای کوتاهی‌های خود، درونش را بررسی کند، تمدن اجتماع بشری قطعاً رشد می‌کرد. دافای ما می‌تواند آن را پدید آورد. اما قطعاً به خاطر آن چیزهای اجتماع عادی بشری نیست که من دافا را اشاعه داده‌ام. هدف ما این است که تزکیه‌کنندگان را قادر سازیم رشد کنند، همان‌طور که مردم بیشتر و بیشتری آن را یاد می‌گیرند، محیطی شکل می‌دهند که رشد و بهبود اجتماع بشری را به صورت یک کل موجب خواهد شد. آنها به این شکل با هم ارتباط دارند. اما اجازه دهید این را روشن کنم: من مطلقاً تلاش نمی‌کنم برای جامعه، برای مردم خاصی، یا برای انجام دادن کاری در اجتماع بشری کاری انجام دهم. هدف برای شما این است که به کمال برسید.

پرسش: بعد از اینکه کار اشتباهی انجام می‌دهم وقتی بدنم از میان بازپرداخت کارما می‌گذرد، آیا این همان‌طور که معلم تشریح کرده‌اند «مجازات در همین دوره زندگی» است؟

**معلم:** پدیده مجازات در همین دوره زندگی قبلاً وجود داشت و در آینده هم وجود خواهد داشت. بدرفتاری‌های کوچک ممکن است منجر به مجازات در همین دوره زندگی شوند. بعد از اینکه فردی کار بد انجام می‌دهد، وقتی از در بیرون می‌رود به سختی می‌افتد، یا وقتی قدم به بیرون می‌گذارد با چیزی تصادف می‌کند. هرچند میزان شدت می‌تواند متفاوت باشد، همچنان مجازات می‌شود. مردم معمولاً به وجود موجودات سطح بالا در بعدهای دیگر باور ندارند، بنابراین فکر می‌کنند که آنچه اتفاق می‌افتد تصادفی است. آنها فقط انسان‌ها را به‌عنوان موجودات هوشمند در نظر می‌گیرند. مردم چقدر نامعقول شده‌اند! موجودات در همه جای این جهان وجود دارند. مردم مرتکب اعمال بد می‌شوند و کارهایی که دوست دارند را انجام می‌دهند؛ وقتی کسی مانند این می‌شود، مجازات در همین دوره زندگی کمتر متداول می‌شود. بنابراین چه اتفاقی خواهد افتاد؟ او کارما جمع خواهد کرد، و بیشتر و بیشتر آن را انباشته می‌کند. وقتی مقدار زیادی کارما بگیرد، زندگی‌اش کوتاه می‌شود. هر چه کارمای بیشتری داشته باشد، زندگی‌اش کوتاهتر می‌شود، و کارمای اضافی زندگی او را بیشتر کوتاه خواهد کرد. برای مثال، برای افرادی که کارهای بد بسیاری انجام داده‌اند و تبدیل به «هریمنی نابخشودنی» شده‌اند، با اینکه در این دنیا می‌میرند، به ناپود شدن در بعدهای دیگر ادامه می‌دهند تا اینکه برای تمام کارمای خود پرداخته باشند- روش‌های زیادی از ناپودی وجود دارد. به عبارت دیگر، آنها باید برای همه چیز بپردازند. آن واقعاً وحشتناک است. هر چند برای تزکیه‌کنندگان ما، چیزها آن‌طوری نیست که برای مردم عادی است. در بیشتر موارد، شما همان‌طور که رشد می‌کنید کارما را تبدیل می‌کنید، و با اشاراتی به شما کمک می‌شود.

پرسش: اگر من در خانه تزکیه کنم، آیا معلم برایم گونگ کمتری تبدیل می‌کنند نسبت به اینکه تمرین‌ها را بیرون در محل تمرین انجام دهم؟

**معلم:** اگر در خانه تزکیه کنید، واقعاً با خودتان مانند یک تمرین‌کننده رفتار کنید، و استوار و با عزم راسخ تزکیه کنید، آنگاه وضع بدتری از تزکیه در بیرون ندارید. اما موجودات بشری معمولاً تنبلی دارند- نمی‌توانید آن را انکار کنید- زیرا افکار شما هنوز به آن سطح صعود نکرده است. وقتی از محیط تمرین گروهی دور می‌مانید، مانند این است که گویی ترغیب یا تشویق نمی‌شوید، و شرایط بیرونی که در تزکیه به شما انگیزه می‌دهد را از دست می‌دهید. برای مثال، وقتی ما مدیتیشن را انجام می‌دهیم، اگر افراد دیگر دردی غیرقابل تحمل را طاقت بیاورند اما کسی پایش را باز نکند، از اینکه پای‌تان را باز کنید شرمند می‌شوید. این شما را وادار می‌کند که زمان تمرین خود را افزایش دهید. یعنی، یک محیطی مانند این در جنبه‌های بسیاری شما را به جلو هل می‌دهد. بدون آن محیط، اگر خود را به خوبی اداره نکنید، توسط عاملی بیرونی ترغیب نخواهید شد، ممکن است شل شوید، و در کوشا بودن موفق نخواهید بود. هرچند هنوز تمرین می‌کنید، ممکن است پیشرفت‌تان کندتر باشد. ارتباط آن این است. اگر واقعاً قادر باشید خودتان را به خوبی اداره کنید، آنگاه تفاوتی ندارد در کجا تمرین می‌کنید. تنها نگرانی این است که شاید خود را به خوبی اداره نکنید. هر چند برخی افراد ممکن است بگویند: «من می‌توانم خودم را منضبط کنم»، بعضی‌ها را باور می‌کنم، اما برخی دیگر را خیر، زیرا آن را خیلی واضح می‌بینم: آنها هنوز تا آن سطح پیش نرفته‌اند.

پرسش: کسی که به فا آسیب می‌زند نظرات اهانت‌آمیز بسیاری در کتاب جوآن فالون (جلد دوم) نوشت. باید با آن کتاب چه کار کنم؟

**معلم:** می‌توانید کتاب را بسوزانید. برخی افراد فاسد به این شکل می‌آیند. بنابراین انواع و اقسام افراد هستند، حتی آنهایی که جرأت می‌کنند به بوداها کفر بگویند. به محض اینکه کلمات کفرآمیز و موهن از دهانش خارج شود، روح او به پایین سقوط می‌کند. چیزی که باقی می‌ماند فردی نیمه‌مرده است که با این بدن در میان انسان‌ها این طرف و آن طرف می‌رود. آن نوع از افراد راحت‌ترین هدف برای روح تسخیرکننده هستند؛ بعد از آن یک روح تسخیرکننده فوراً می‌آید. بدون یک روح، بدنش چیزی به جز یک پوسته خالی نیست، و آنگاه یک روح تسخیرکننده کنترل او را به دست می‌گیرد. موارد زیادی مانند این وجود دارد. و استادان چی گونگ جعلی زیادی از این نوع وجود دارند. آن افراد حقیقتاً بدترین مردم هستند.

پرسش: بیشتر روسی‌های مهربان و خوش‌قلب مسیحی هستند. چگونه می‌توانیم به آنها کمک کنیم فا را بدست آورند؟

**معلم:** اگر شرایط اجازه می‌دهد، می‌توانید بروید با آنها صحبت کنید. اگر بخواهند یاد بگیرند، می‌توانند بیاموزند؛ اگر علاقه‌ای ندارند، بگذارید باشند. همچنین، دافا جدی و باوقار است- ما هیچ کسی را مجبور به یادگیری نمی‌کنیم. فرقی نمی‌کند چه ملیتی داشته باشید. ما صرفاً دافا را منتشر می‌کنیم تا آنهایی که درباره فا نمی‌دانند آن را بشناسند، و این‌طور است که ما آنها را پشت سر نمی‌گذاریم. اینکه شخصی بخواهد یاد بگیرد به خودش مربوط است. این برای افراد خارجی و چینی هر دو صدق می‌کند. مردم با استفاده از استانداردهای امروزه بشری قضاوت می‌کنند که فردی مهربان است. هر کسی یک سمت خوب دارد و یک سمت بد. به علاوه، کل اجتماع بشری در حال سقوط به پایین است. بطور نسبی بگوییم، برخی مردم خوب هستند و هنوز این نیت خوب را دارند که دوباره پرهیزکار شوند. این بالارزشتین است. اما اینکه چه اندازه در میان مردم عادی خوب هستند، فکر نمی‌کنم آنقدرها اهمیتی داشته باشد. فقط آرزوی آنها برای دوباره پرهیزکار و پاک شدن بالارزشتین است. بدون آن، برای آنها بسیار سخت است که نجات یابند.

پرسش: یک فرد عادی خواست که یک کتاب دافا را از بین ببرد، و یک شاگرد با او وارد دعوا شد تا از کتاب حفاظت کند. آیا به لحاظ صبر و تحمل او به خوبی عمل کرد؟ آیا کارما ایجاد کرد؟

**معلم:** ما نمی‌توانیم بگوییم که این شاگرد اشتباه کرد. با این حال وقتی با مشکلات مواجه می‌شویم، نیاز داریم که درباره آنها فکر کنیم؛ چرا آن شخص کتاب را جلوی روی شما از بین می‌برد؟ آیا این‌طور است که شما وابستگی‌هایی داشتید؟ یا شاید مشکلی در سمت خود شما وجود دارد؟ اگر در آن لحظه فکر خود را درست کنید، شاید او فوراً از نابود کردن کتاب دست بردارد. بسیار احتمال دارد که آن اتفاق بیفتد. اغلب گفته‌ام که هر وقت با مشکلی مواجه می‌شوید، اول باید به خودتان نگاهی بیندازید. حتی اگر آن مشکل ارتباطی با شما ندارد، وقتی آن را می‌بینید، هنوز باید درون خود را بررسی کنید. می‌گوییم که آنگاه هیچ چیزی نمی‌تواند شما را از پیشرفت در مسیرتان متوقف کند.

*پرسش: من فالون دافا را مطالعه می‌کنم، اما شوهرم کتاب تغییرات را می‌خواند. بدون اینکه به او بگویم برخی از کتاب‌های او را سوزاندم. آیا کاری بدی انجام دادم؟*

**معلم:** خیر، آن کار بدی نبود که انجام دادید. فای ما معانی درونی پشت کلماتش دارد. اما کتاب‌هایی که توسط آن استادان چی‌گونگ قلبی نوشته شده‌اند نیز چیزهایی پشت خود دارند. آنها آن معنای عمیق را ندارند، بلکه چیزهایی کم‌عمق دارند که نمی‌توانند ویرای سه قلمرو بروند. و آن چیزها شیطان هستند. تصاویر آنها، حیوانات، روباه‌ها، اهریمنان، ارواح، و آن نوع چیزهای کثیف و آشفته هستند. آنها همگی برای مردم سیاه و مضر هستند، و طبیعت «یین» دارند. بنابراین درواقع نگره داشتن آنها در خانه‌تان بد است. شوهر شما از روی نادانی آن چیزها را قبول کرده است، و آن چیزها به او آسیب می‌زنند. اگر آنها را سوزانید، پس آنها را سوزانید. اما اگر او ناراحت شود و با شما جرو بحث و دعوا کند، آنگاه دیگر به خودتان زحمت انجام چنین کاری ندهید. اما اگر برای او مهم نباشد، آنگاه خوب است آنها را بسوزانید. شما همچنان باید به خودتان نگاه کنید: «آیا من هنوز نوعی وابستگی دارم؟» فکر می‌کنم که احتمالاً وقوع بسیاری از چیزها دلیلی دارد. اما آن چیزها بر شما اثر نمی‌گذارند، زیرا تمرین تزکیه را انجام می‌دهید و حفاظی دور بدن خود دارید. شما همگی حفاظ دارید؛ در غیر اینصورت؛ نه تنها دیگران با شما مداخله می‌کردند، بلکه شما هم بر دیگران تأثیر می‌گذاشتید.

*پرسش: «سیر تکامل جهان» چیست؟*

**معلم:** شما همه می‌دانید که «جهان» توسط انسان‌ها تعریف شده است. جهان دقیقاً چقدر بزرگ است؟ انسان‌ها نمی‌توانند بطور دقیق توضیح دهند. جهانی که ما معمولاً به آن اشاره می‌کنیم صرفاً آن گستره کیهانی است که ما می‌بینیم. بزرگترین گستره که دانشمندان مدرن با استفاده از تلسکوپ می‌توانند مشاهده کنند از این جهان کوچک ما فراتر نمی‌رود. پس ساده بگوییم، این چیزی است که «جهان» به آن اشاره دارد. اما این جهان کوچک ما حتی یکی از تریلیون‌ها کیهان عظیم نیست. آن صرفاً ذره‌ای غبار درون ذره‌ای غبار است، که ذره غبار دیگری درون ذره‌ای غبار است - این اندازه ریز است. کل کیهان عظیم در حرکت است، و بدن‌های کیهانی گستره‌ای عظیم در حرکت هستند. آیا نمی‌گویید که جهان در حرکت است؟ این حرکت، موجودات را ایجاد کرده و گونه‌ها را خلق می‌کند. تزکیه‌کنندگان این حرکت را «سیر تکاملی» می‌نامند. ذهن بشر نمی‌تواند چیزهایی به آن اندازه سطح بالا را درک کند. این کیهان بسیار وسیع است طوری که حتی وقتی در زمان کمال به بالاترین سطح تزکیه خود می‌رسید، هنوز آن را بطوری باور نکردنی وسیع خواهید یافت و از حیرت فریاد خواهید زد.

*پرسش: استاد گفتند: «نگرانی برای شهرت مانعی بزرگ است که شما را از رسیدن به کمال بازمی‌دارد.» چه می‌شود اگر کسی به شهرت خود در اجتماع عادی بشری وابسته نباشد اما به دنبال گونگ و مشهور شدن برای کار دافا باشد؟*

**معلم:** آنگاه وابستگی‌اش آشکار شده است و بنابراین باید از بین برود. بعضی اوقات برخی از شاگردان مان، از جمله شاگردان قدیمی، وابستگی‌های بسیار بدی را به نمایش می‌گذارند که برای یک تزکیه‌کننده کاملاً نامناسب است. با این وجود، نمی‌توانیم بگوییم که فرد خوب نیست. آن به این خاطر است که دیگر نمی‌توانید وابستگی‌هایی را ببینید که او از بین برده است، و فقط وابستگی‌هایی را می‌بینید که پاک نکرده و آنها خود را نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، بسیاری از وابستگی‌ها در او مشهود

نیستند زیرا خودش را کاملاً خوب تزکیه کرده است؛ فقط آنهایی که او هنوز از بین نبرده می‌توانند ظاهر شوند. بنابراین شاید وابستگی‌هایی که از بین نرفته‌اند آشکار شوند. نمی‌توانید بگویید که فرد خوب نیست - فقط می‌توانید بگویید که آن وابستگی او خوب نیست.

بدون توجه به اینکه یک شخص چطور تزکیه می‌کند، نمی‌تواند وابستگی‌هایی که از بین نبرده را پنهان کند. مهم نیست چطور تزکیه می‌کند، من از تمام روش‌ها استفاده می‌کنم تا سرسختانه‌ترین وابستگی‌هایش را به او نشان دهم - حتی زمانی که فکر می‌کند در حال انجام مقدس‌ترین کار است. حتی وقتی در حال انجام کار دافا هستید هنوز آنها را آشکار خواهم کرد. این خوب نیست اگر خود آن کار به او در رشدش کمک نکند؛ بهبود شین‌شینگ او در اولویت اول است، ارتقاء او چیزی است که مهمترین است. فقط اگر قلبش پاک و خالص باشد، و اگر بتواند مشکلاتش را تشخیص دهد، آنگاه زمانی که دوباره برای انجام کار می‌رود آن کار مقدس‌تر خواهد بود. بنابراین دلیل اینکه بسیاری از شاگردان مان نمی‌توانند در کارشان به موفقیت دست یابند این است که آنها در حالی کار را انجام می‌دهند که سخت به وابستگی‌های بسیاری چسبیده‌اند - آنها نمی‌توانند این یا آن وابستگی را رها کنند. اینکه آنها به هنگام انجام کار برای فا به امور خودشان چسبیده‌اند یا یک وابستگی را رشد داده‌اند، تا زمانی که یک وابستگی دارند، آن در میان کارشان به نمایش گذاشته می‌شود. و مخصوصاً وقتی نیت آنها خوب نیست، آن زمانی است که احتمال کمی دارد که اجازه داشته باشند موفق شوند. پس آنگاه موانع بزرگی دارند. آن به این خاطر است که اجازه ندارند که کاری با سرشتی مقدس را با قلبی ناخالص انجام دهند. اگر بتوانند کار مقدس را با قلبی پاک و خالص انجام دهند، فقط آنگاه کارشان واقعاً مقدس است.

*پرسش: در طول مدیتیشن، پاهای یکی از شاگردان می‌لرزد و او استفراغ می‌کند. او نمی‌تواند آن را کنترل کند. استاد لطفاً این را توضیح می‌دهند؟*

**معلم:** شرایط هر کسی متفاوت است. از آنجاکه در این محیط صحبت می‌کنم، باید طوری صحبت کنم که کاربرد همگانی و کلی داشته باشد. اگر وقتی شخص تمرین می‌کند نتواند پاک و خالص باشد، اگر هنوز چیزهای دیگر را تمرین کند یا نتواند بر یک روش تزکیه تمرکز کند، یا اگر در ذهنش چیزهایی از چی‌گونگی‌های دیگر را مخلوط کند، آنگاه انواع و اقسام موقعیت‌هایی مانند این می‌تواند ظاهر شود. امکان دیگر این است که آنهایی که کارمای قابل توجهی دارند شاید وقتی کارما در حال از بین رفتن است شدیداً واکنش نشان دهند. آن نیز می‌تواند این نوع از شرایط را ایجاد کند.

*پرسش: ما باید بر طبق آنچه که به آن روشن و آگاه شده‌ایم عمل کنیم، درست است؟*

**معلم:** بله، باید اینطور عمل کنید. شاید قادر نباشید خودتان را کاملاً به خوبی اداره کنید؛ در اینکه همیشه بتوانید خودتان را به خوبی اداره کنید میزان مشخصی از سختی وجود دارد. اما تزکیه‌کنندگان باید خودشان را در این نوع از استاندارد حفظ کنند.

*پرسش: آیا حقیقت دارد که هر چه مقدار بیشتری جدا شود، فرد به سطح بالاتری در تزکیه رسیده است؟*

**معلم:** این طور نیست که هر چه مقدار بیشتری جدا شود فرد در تزکیه به سطح بالاتری می‌رسد. فقط این طور است که آنچه که مطابق استاندارد باشد می‌تواند جدا شود.

*پرسش: وقتی استاد از «جداسازی» صحبت کردند، آیا منظور این بود که کل خود ما با شما خواهد رفت، و آیا این معنا را دارد که هر چه بیشتر بتوانیم با خود ببریم بهتر است؟*

**معلم:** در حقیقت، شما نمی‌دانید: اکنون که فا را بدست آورده‌اید، و تا وقتی که ذهن تان استوار است، در مسیر خود به سوی کمال هستید. آن قطعی است.

پرسش: آیا این حقیقت دارد که هر چه نیکخواهی فرد عظیم‌تر باشد، ظرفیت تحملش بالاتر است؟

**معلم:** خیر، این درست نیست. نیکخواهی بعد از اینکه آن بخش از احساسات پاک شود پدیدار می‌شود. ظرفیت تحمل فرد یک توانایی است که ناشی از ترکیب عوامل بسیاری است.

پرسش: آیا من می‌توانم از معلم بخواهم سختی‌های مرا افزایش دهند تا اینکه بتوانم کارما را زودتر پس داده و زودتر به خود واقعی اصلی‌ام برگردم؟

**معلم:** خیر. بدون توجه به اینکه شما خودتان چه چیزی درک می‌کنید، آن عملی نخواهد بود. حتی کمتر این‌طور است که از روی قصد در جستجوی سختی‌ها و رنج کشیدن باشید. آن اشتباه است. در حقیقت، تمام نظم و ترتیب‌ها نظام‌یافته هستند. هیچ نیازی نیست خیلی درباره این چیزها فکر کنید.

پرسش: فکر می‌کنم باید به سادگی کارها را برطبق سه کلمه «جن، شن و رن» انجام دهم. آیا این‌طور فکر کردن درست است؟

**معلم:** بله. تا وقتی که ذهن شما استوار باشد، باید پیش بروید و کارها را به آن روش انجام داده و از الزامات پیروی کنید. اما نیاز دارید که فا را زیاد مطالعه کنید. در غیر اینصورت معانی درونی جن، شن، رن در سطوح مختلف را نخواهید دانست، و آنگاه قادر نخواهید بود حقیقتاً جن، شن، رن را در رفتارشان تمرین کنید.

پرسش: چیزهایی هستند که قادر نیستم درباره آنها روشن و آگاه شوم. چرا این‌طور است که به نظر می‌آید صرفاً نمی‌توانم چیزها را بطور کامل درک کنم؟

**معلم:** اگر آنها را درک نمی‌کنید اهمیتی ندارد. این‌طور نیست که شما باید در زمانی اندک هر آنچه را که نوشته‌ام درک کنید. همان‌طور که مطالعه فای شما عمیق و عمیق‌تر می‌شود، آن چیزها را درک خواهید کرد.

پرسش: بعضی اوقات به محض اینکه عکس شما را می‌بینم می‌ترسم. تعجب می‌کنم چرا این‌طور است.

**معلم:** این شما نیستید که می‌ترسد - این کارمای فکری شما است.

پرسش: آیا این خوب است که ما یک مکان برای مطالعه گروهی اجاره کنیم تا همه بتوانند به آنجا رفته و مطالعه کنند؟

**معلم:** اگر شرایط خوب باشد و بیش‌ازحد راحت شود، آنگاه فکر می‌کنم به‌طور بیش‌ازحد راحتی درحال تزکیه هستید. آن خیلی خوب نیست. اگر شرایطش را دارید، یعنی، اگر مکانی مانند آن را دارید و می‌توانید بدون پرداخت هیچ پولی آن را مهیا کنید، آنگاه مخالف آن نیستم. شما می‌توانید حداقل وقتی در زمستان باران و برف و غیره می‌بارد به آنجا بروید. اگر پول هزینه می‌کنید که محیطی بهتر ایجاد کنید، آن خوب نیست، بدون توجه به اینکه چه قدر پول زیاد یا کمی را شامل شود.

پرسش: مریدان در حومه شهر درباره اصطلاحات علمی مدرن که در کتاب ذکر شده است زیاد نمی‌دانند.

**معلم:** آنها چیزهایی هستند که می‌تواند برای آنها توضیح داده شود. معنای اصلی اصطلاحات را توضیح دهید، یعنی، کلمات اصلی - معنای سطحی کلمات - را توضیح دهید. اما نیاز دارید فا را بخوانید، و باید کتاب را به ترتیبی که نوشته شده است [و بدون اینکه وقفه ایجاد کنید] بخوانید.

پرسش: اگر معنای ظاهری برخی کلمات را نفهمم، آیا می‌توانم آنها را در لغت‌نامه چک کنم؟

**معلم:** بله، آن نباید مسئله‌ای باشد. لغت‌نامه‌ها فقط معنای سطحی کلمات را توضیح می‌دهند. اما اغلب کلماتی که من استفاده می‌کنم در لغت‌نامه‌ها نیستند.

پرسش: یک مسیحی در نزدیکی ما زندگی می‌کند. همیشه از من می‌خواهد که برایش خطاطی کنم. از گفتن نه احساس معذبی پیدا می‌کنم، اما می‌ترسم با بله گفتن موجب مداخله شوم.

**معلم:** اگر آن‌طور انجام داده‌اید، پس آن‌طور عمل کرده‌اید. ما می‌توانیم به دیگران فقط سود برسانیم. این‌طور نیست که آن چیزها می‌تواند بر ما اثر بگذارد. در حقیقت، چه مسیحیت باشد یا کاتولیک، من آن را فقط یک شغل در نظر می‌گیرم. آن را تزکیه تلقی نمی‌کنم. آن صرفاً یک شغل است.

پرسش: چیزهایی هستند که می‌خواهم رهايشان کنم. چرا قادر به آن نیستم؟

**معلم:** آن به این معنی است که آنها به عقاید و تصورات شکل گرفته، تبدیل شده‌اند. حتی اگر نتوانید آن چیزها را فراموش کنید، باید راهی برای دفع کردن آنها پیدا کنید. آنگاه آنها به تدریج ضعیف‌تر شده و در نهایت پاک می‌شوند.

پرسش: آیا بهتر است [در تمرین چهار] همه با سرعت یکسان «مکانیزم‌ها را به سمت پایین دنبال کنند»؟ گاهی اوقات تفاوت‌ها بسیار زیاد است.

**معلم:** آن درست است - هر چه حرکات شما هماهنگ‌تر باشد، احساس بهتری خواهید داشت. آن به این خاطر است که وقتی در حال انجام تمرین‌ها هستید، مکانیزم‌های بیرون بدن خود را تقویت می‌کنید. تمرین شما بستگی به چرخش دائمی آن مکانیزم‌ها دارد؛ آنها در تمام زمان‌ها بطور خودکار شما را تزکیه می‌کنند. وقتی تمرین‌ها را انجام می‌دهید آن مکانیزم‌ها را تقویت می‌کنید. بنابراین وقتی که حرکات‌تان هماهنگ باشند و همه باهم آنها را انجام دهند، انرژی قوی‌تر است و می‌توانید مکانیزم‌ها را بهتر تقویت کنید.

پرسش: در زمستان وقتی که دما در حدود منفی ۳۰ درجه سانتیگراد است، آیا اشکالی ندارد که تمرین‌ها را داخل انجام دهیم؟

**معلم:** فقط بهترین سعی خود را بکنید که تمرین‌ها را بیرون انجام دهید، زیرا ما برای چندین سال آن را به این شکل انجام داده‌ایم. شاگردان در چانگ‌چون و هاربین تمرین‌ها را بیرون انجام داده‌اند. اگر لباس‌های بیشتری بپوشید خوب خواهد بود. اما اگر آنقدر سرد است که قابل تحمل نیست می‌توانید تمرین‌ها را داخل انجام دهید، و وقتی که خیلی سرد نیست، می‌توانید دوباره بیرون آمده تا تمرین‌ها را انجام دهید.

پرسش: یک شاگرد با پول خود کلاسی اجاره کرد. آیا این درگیر شدن در پول به حساب می‌آید؟

**معلم:** آن کاری نیست که مرکز دستگیری‌تان انجام داده باشد، یا توسط مکان تمرین‌تان انجام شده باشد. خود آن شاگرد خواست آن کار را انجام دهد، بنابراین آن عمل انفرادی خود اوست. او خواست کاری خوب برای حمایت از شما انجام دهد، این‌گونه است. او به عنوان یک فرد صرفاً کاری خوب انجام می‌داد. اما باید موردی را نیز در نظر داشته باشیم: ظرفیت آن شاگرد برای حمایت مالی از این، یا به عبارت دیگر، [در نظر بگیریم که] آیا امکانات مالی دارد. این یک موضوع. دوم اینکه، آیا این شاگرد برای مدتی طولانی تزکیه کرده است؟ اگر فکرش تغییر کند، ممکن است احساس کند که ضرر کرده است، و این بعداً ایجاد مشکل می‌کند. تمام اینها باید در نظر گرفته شود. اما فکر می‌کنم بهترین کار این است که سعی کنیم بیرون تمرین‌ها را انجام دهیم.

پرسش: در نزدیکی محل تمرین ما افرادی هستند که تقریباً تعدادی از چی گونگ‌های دیگر را انجام می‌دهند. بعضی از شاگردان نگران هستند که مورد مداخله و تحت تأثیر قرار بگیرند.

**معلم:** اثری بر شما ندارد. آنها قطعاً نمی‌توانند با ما مداخله کنند. اما نباید این فکر را داشته باشید: «آیا آنها با ما مداخله خواهند کرد؟» نباید دچار نوسان شوید. ذهن‌تان نباید وابسته باشد.

پرسش: اخیراً کارمای فکری من بطوری خاص قوی بوده است. حتی می‌ترسم اهریمنی باشم که با نظم و ترتیبی اینجا هستم. آیا این کارمای فکری است، نه خود من؟

**معلم:** نگران نباشید- آن خود شما نیست. آن کارما است. اما به شما خواهیم گفت، چون میزانی که هر کسی از آن را دارد متفاوت است، بعضی افراد شاید بیشتر داشته باشند، بنابراین آن قوی‌تر است. کسانی که بیشتر دارند باید بیشتر تحمل کنند. شاید قبلاً اشتباهات بیشتری از این نوع را انجام دادید، پس باید هر کاری که در توان دارید انجام دهید تا آن را سرکوب کرده و در برابر آن مقاومت کنید. تا وقتی که بتوانید آن را از خودتان متمایز کنید، رسیدگی به بقیه آسان است.

پرسش: احساس می‌کنم که در ترکیه به خوبی عمل نکرده‌ام و چیزهای کثیف بسیاری دارم. در خانه، حتی جرأت نمی‌کنم به [عکس] استاد نگاه کنم.

**معلم:** اشکالی ندارد، استاد می‌داند وضعیت چگونه است. من می‌دانم، شما قبلاً اشتباهاتی مرتکب شده‌اید. امروز از نو شروع کنید. پس نگرانی‌های خود را کنار گذاشته و ترکیه کنید.

پرسش: دختر من ضریب هوش پایینی دارد. اما سه سال است که در مطالعه فا و انجام تمرین‌ها پایدار بوده است. اما دافا را به خوبی درک نمی‌کند. آیا می‌تواند به کمال برسد؟

**معلم:** وقتی به یادگیری فا می‌رسد فکر نمی‌کنم ضریب هوش پایین مسئله‌ای باشد. او برای سه سال مطالعه کرده است، و تلاش‌هایش بطور حتم بیهوده نخواهند بود. آیا شما کمی زیادی نگران نیستید؟ ممکن است آنقدرها بد نباشد. اغلب اوقات بعضی از فرزندان ما زمینه‌های فوق‌العاده‌ای دارند. زیرا او به وضوح از بالا دیده است (آنهايي که بالا هستند موجودات سطح بالا هستند) که در چه مرحله‌ای در زندگی‌اش می‌تواند فا را کسب کند و اینکه چه کار می‌کند وقتی می‌بیند که این خانواده می‌تواند بعداً فا را کسب کند، او خواست که در آن خانواده باز پیدا شود. بطوری خاص تعداد زیادی از این موارد وجود دارند. بنابراین برخی از فرزندانمان واقعاً شگفت‌انگیز هستند، در حالیکه برخی کمی کمتر این‌گونه هستند. شما نباید زیاد درباره آن فکر کنید.

پرسش: ما چگونه باید به تفاوت‌های بین سطوح مطالعه فا و ترکیه در میان مناطق مختلف نگاه کنیم؟

**معلم:** هیچ تفاوتی ندارد. هر منطقه افرادی را دارد که بسیار کوشا هستند و همچنین کسانی را دارد که کوشا نیستند. افراد دانا، افراد متوسط، و افراد نادان در هر منطقه وجود دارند. مطمئناً برخی از مناطق فا را بعداً کسب کرده‌اند و ممکن است کمی از لحاظ پیشرفت عقب باشند. اما همچنین افرادی هستند که بعداً آمدند اما از تمرین‌کنندگان قدیمی پیش افتاده‌اند. بسیاری از کسانی که فا را بعداً کسب کرده‌اند شخصاً مرا ندیده‌اند، اما درکی بسیار عمیق از فا دارند. آنها به سرعت پیشرفت می‌کنند و موانع ذهنی ندارند. قبلاً، شاگردان جدید یک روند انتقالی داشتند که از طریق آن به درکی از فا می‌رسیدند. در آن زمان، وقتی در گوانگ‌جو فا را آموزش دادم، در طول دو جلسه اول شاگردان به نظر می‌رسید که نمی‌دانند من درباره چه صحبت می‌کنم. آنها فقط می‌دانستند که آن خوب است، اما نمی‌دانستند چه می‌گویم. یعنی، ذهن مردم در گوانگ‌جو با کسب پول اشغال شده بود، مخصوصاً که آن بعد از اصلاحات اقتصادی و شکوفایی اقتصادی بود. تا جلسه سوم و چهارم که آنها شوکه شدند و ناگهان فهمیدند من درباره چه چیزی صحبت می‌کنم. فقط آنگاه بود که تعداد بسیاری از شاگردان شروع کردند خود را هم‌پای آن

برسانند. امروزه کسانی که فا را دیرتر کسب می‌کنند اغلب بسیار سریع پیشرفت می‌کنند. شاید به این خاطر است که محیط شکل گرفته است و شرایط از هر لحاظ به بلوغ رسیده است؛ یعنی، شرایط بیرونی آماده هستند.

**پرسش:** برخی افراد فکر می‌کنند که در طول مطالعه گروهی، خواندن کتاب از ابتدا تا آخر به این معنا است که آن را بارها و بارها خواند، لازم به توضیح نیست، که فرد باید خودش فا را درک کند، و اینکه ما باید روزی یک سخنرانی بخوانیم. آیا این برای مطالعه فا فایده‌ای دارد؟

**معلم:** خواندن کتاب صرفاً به معنای خواندن آن از ابتدا تا انتها است - هیچ چیز مبهمی در این رابطه وجود ندارد. آن به این معنا است که کتاب را بارها و بارها خواند - کتاب را کامل بخوانید. هرچه باشد ما فا را باهم می‌خوانیم، بنابراین می‌توانیم درک‌های خود را به اشتراک بگذاریم و با هم صحبت کنیم: «من به ناگهان این معنا را از این کلمات استاد دریافت کردم»، یا «من هنوز از این جنبه به اندازه کافی خوب عمل نمی‌کنم». وقتی در خانه می‌خوانید این را از دست می‌دهید. از حالا به بعد این کوتاهی را اصلاح کنید. به عبارت دیگر، لازم است که درک‌ها را به اشتراک بگذارید و در میان خودتان صحبت کنید. اما خواندن کتاب بطور کامل باید تمرکز اصلی شما باشد. نباید یک قطعه را بخوانیم، توقف کنیم، صحبتی شروع کنیم، و بعد قطعه دیگر را بخوانیم، و بیشتر صحبت کنیم - آن اصلاً خوب نیست. باید از ابتدا تا انتها آن را زیاد بخوانید. زمانی که برای صحبت درباره خودتان یا درک‌هایتان صرف می‌کنید نباید بیشتر از زمان خواندن فا باشد. مطالعه فا مهمترین امر است.

**پرسش:** آیا می‌توانید درباره سرمنشأ قانون بزرگ (دافای) کیهان، یعنی جن، شن، رن به ما بگویید؟

**معلم:** بگذارید به شما بگویم، شما هرگز نخواهید دانست که این کیهان چقدر وسیع است، بنابراین حتی کمتر امکان دارد درباره سرمنشأ آن صحبت کرد. از این گذشته، چنین زبانی وجود ندارد. در این کیهان، حتی زبان خدایان در سطوح بسیار بالا قادر به توصیف این نیست که کیهان در نهایت چیست، چه برسد به زبان بشری. کیهان برای انسان همیشه یک معما باقی خواهد ماند، آنها هرگز نخواهند دانست آن چیست. وابستگی‌تان را به مطالعه فا تبدیل کنید!

**پرسش:** آیا عقاید و تصورات اساسی‌ترین مسائل انسان‌ها هستند؟ اگر مردم عقاید و تصوراتی نداشتند به چه صورت درمی‌آمدند؟

**معلم:** فردی بدون هیچ عقاید و تصوراتی بسیار معصوم و مهربان است. اما قطعاً مانند یک کودک نیست - او یک بزرگسال است و عاقل است. کودکان عقاید و تصورات ندارند، و ساده و مهربان هستند. کارها را بدون منظور انجام می‌دهند. اما بزرگسالان این طور نیستند؛ حتی وقتی که از آن عقاید و تصورات آزاد هستید هنوز به آن شکل نخواهید بود. آن به این دلیل است که وقتی دیگر هیچ عقاید و تصوراتی نداشته باشید، هم‌اکنون در روند صعود هستید و سطح‌تان هم‌اکنون به آنجا ارتقاء یافته است. بنابراین در طول تزکیه عقاید و تصورات‌تان به تدریج کاهش یافته و ضعیف می‌شوند. چیزها به این شکل هستند تا اینکه به طور کامل به پایان برسند.

**پرسش:** گاهی اوقات در مطالعه گروهی به خوبی عمل می‌کنم، گاهی خیر. چگونه باید این نوع از حالت عدم ثبات ذهن را درک کنم؟

**معلم:** آنها حالت‌های خود شما در تزکیه هستند. هیچ کسی نمی‌تواند در تمام انواع محیط‌ها مصرا نه به خوبی عمل کند و همیشه آنچه که می‌خواند را بدون وجود مداخله از سوی افکار گوناگون، جذب کند. اما همچنین می‌خواهم به شما بگویم که با هر یک از آزمون‌های شما، به خوبی گذراندن آنها، به خوبی نگذراندن آنها، قادر بودن به گذراندن آنها، یا قادر نبودن به گذراندن آنها - آن تزکیه است. اگر می‌توانستید هر آزمایش را بگذرانید یک خدا می‌بودید! و دیگر نیازی نداشتید تزکیه کنید، درست؟ اما نباید اجازه دهید که شل شوید. باید در تزکیه کوشا باشید.

پرسش: بعد از اینکه یک هماهنگ کننده در یک مرکز دستیاری جایگزین شد، در تلاش برای اینکه خودش خود را پابرجا نگه دارد، یک گروه از شاگردان را کنار کشید و یک مطالعه گروهی جداگانه برقرار کرد.

**معلم:** اگر آن هماهنگ کننده در واقع مشکلاتی داشت و در نتیجه جایگزین شده بود، آنگاه فکر می‌کنم آن لازم بود. آنهایی که پول درمی‌آورند، آنهایی که تمرین کنندگان را به اشتباه می‌اندازند که کارهای نادرست انجام دهند، آنهایی که نمی‌توانند خود را به خوبی اداره کنند، آنهایی که سبب ایجاد مشکلاتی می‌شوند... از نظر من، آنها نه تنها به شهرت فاسیب می‌زنند، بلکه سبب ایجاد ضرر به اجتماع هم می‌شوند. آن نوع از هماهنگ کنندگان باید جایگزین شوند.

هم شاگردان و هم خود هماهنگ کننده به تدریج اشتباهات خود را تشخیص می‌دهند. اما در طول آن دوره از زمان شما مطلقاً نباید آن هماهنگ کننده را فردی عادی در نظر بگیرید. نمی‌توانید آن کار را انجام دهید. او چیزهایی دارد که در غلبه به آنها شکست خورده است، اما شاید هنوز یک تزکیه کننده باشد. اما اگر در اعمالش او واقعاً به فاسیب زده باشد، آنگاه آن موضوعی متفاوت است. اگر او به فاسیب کند، به فاسیب بزند، یا اعمالش با فاسیب متفاوت باشد، آنگاه او اهریمنان را در ذهنش رشد داده است، کاملاً از فاسیب منحرف شده است، و خارج از کنترل است. ما قطعاً او را تأیید نمی‌کنیم. به این صورت باید به آن رسیدگی کنیم اگر این نوع از مشکل رخ دهد. من او را [به عنوان مریدم] تصدیق نمی‌کنم.

در مورد آنهایی که از او پیروی می‌کنند - همه درباره آن فکر کنید - آن تصادفی نیست. تزکیه مانند جریانی عظیم است که شن را غربال می‌کند. بعضی افراد دافا را خالصانه مطالعه نمی‌کنند، و شاید به آن شکل رها کرده و ترک کنند. ما به کسانی که وقت خود را به بطالت می‌گذرانند و سعی می‌کنند خود را تمرین کننده جا بزنند نیازی نداریم. آن می‌تواند یکی از دلایل باشد. شاگردان شاید بطور موقت درکی نادرست داشته باشند یا موقتاً گیج باشند، اما وقتی که به اشتباهات خود پی بردند بخواهند گشت. با این حال برخی افراد صرفاً سردرگم هستند - چرا درباره این فکر نمی‌کنید که آیا به اینجا آمده‌اید فاسیب را مطالعه کنید یا اینکه از کسی دنباله‌روی کنید؟

پرسش: استاد گفتند که برای آنها وقت آن است که ذهنشان روشن شود و تبدیل به خدایانی واقعی شوند. بسیاری از شاگردان درک این را سخت یافتند.

**معلم:** ما اکنون به تدریج در حال انجام آن هستیم، از جمله چیزی که امروز می‌گوییم. بسیاری از چیزها حول و حوش این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد تا اینکه همه شما بطوری فزاینده هوشیار و آگاه شوید.

پرسش: آیا این امتحان جدا شدن از بشر بودن مرتب پیش می‌آید یا فقط یکبار است؟

**معلم:** فرصت‌هایی مانند آن قطعاً اغلب باز نمی‌گردند. شاید در آینده شکل‌های دیگری باشد - شاید باشد، شاید نباشد. همه اینها ناشناخته هستند. اما اگر خودتان را از اساس تغییر ندهید آنها را نخواهید گذراند بدون توجه به اینکه چه تعداد فرصت وجود داشته باشد. تزکیه صرفاً به آن شکل است. هرگز به وضوح به شما گفته نخواهد شد که آیا چیزی اتفاق خواهد افتاد یا خیر. اگر هر چیزی برای شما شناخته شده بود، آنها را می‌گذرانید، اما آن آزمایشی حقیقی نمی‌بود. فقط وقتی که از آن آگاه نیستید، در لحظات حساس آزمایش می‌شوید که دیده شود آیا پایدار و محکم هستید و می‌توانید آن قدم را پیش بگذارید. یا وقتی در حال قضاوت این هستید که آیا چیزی درست است یا اشتباه، مورد سنجش قرار خواهید گرفت که دیده شود چگونه آن را اداره می‌کنید. آن به این شکل است.

پرسش: به هنگام خواندن جوآن فالون، آیا این خوب است که مطالبی از جوآن فالون (جلد دوم) و دیگر کتاب‌های دافا که به بخش‌هایی از جوآن فالون مربوط هستند را برگزینیم و آنها را با هم بخوانیم؟

**معلم:** خیر، این خوب نیست. فقط بر مطالعه تمرکز کنید. وقتی یک کتاب را می‌خوانید بر آن متمرکز باشید؛ آن‌گونه باید بخوانید، آن را به ترتیب بخوانید. نباید به دنبال چیزی با اهداف شخصی خود بگردید یا کاری را با اهداف شخصی خود انجام دهید. آن عملی نخواهد بود. و بگذارید به شما بگویم که وقتی به مرحله خاصی می‌رسید و زمان برای رسیدن به سطح بعدی فرامی‌رسد، اجازه خواهید یافت که بالا بروید، و وقتی برای شما زمان آن است که اصول فا را در سطحی بخصوص درک کنید، اجازه خواهید داشت آنها را بدانید. فرض کنید امروز کاری انجام دادید و مطمئن نیستید که آیا کار خوبی بود یا بد؛ اگر جوآن فالون را بردارید و بطور تصادفی یک صفحه را باز کنید، بدون اینکه هیچ قصدی برای باز کردن صفحه خاصی داشته باشید، تضمین می‌کنم صفحه‌ای که باز می‌کنید مربوط به کاری خواهد بود که امروز انجام دادید. (تسویق) البته، اگر وقتی به خانه رسیدید بخوانید آن را امتحان کنید، آنگاه با آن وابستگی هیچ چیزی پیدا نخواهید کرد. تزکیه موضوعی جدی است: هرگز اجازه نخواهید داشت این را امتحان کنید گویی امری بچه‌گانه است، آن عملی نیست. به عبارت دیگر، شما نباید با انگیزه‌های شخصی خودتان کاری را انجام دهید.

کتاب دافا جوآن فالون برای تزکیه نظام‌مند است. بروید آن را بخوانید. در مورد کتاب‌های دیگر مانند تشریح محتوای فالون دافا، جوآن فالون (جلد دوم) و غیره، آنها صرفاً مطالب تکمیلی هستند تا به‌عنوان مرجع خوانده شوند. هدف از نکات اصلی برای پیشرفت بیشتر اصلاح مشکلات معمول و وضعیت‌های نادرست است که بطور کلی در تزکیه شما ظاهر شده‌اند.

پرسش: بعضی افراد می‌گویند که قدرت دافا بیکران است، بنابراین مریدان دافا نیازی ندارند که از فا محافظت کنند. آیا چیزی که می‌گویند درست است؟

**معلم:** خیر، درست نیست. این حقیقت دارد که قدرت دافا بیکران است. امروز ما همگی در محیط این اجتماع عادی بشری در حال تزکیه هستیم. اگر موجودات فاسد سطح بالا برای انجام کارهای بد می‌آیند، [و] خود فا خدایان محافظ فای ما یا موجودات سطح بالای دیگر را می‌فرستاد تا آنها را نابود کنند؛ اگر مریدان مان کارهای بد انجام می‌دادند و خدایان می‌آمدند و آنها را می‌کشتند، هر کسی تصدیق می‌کرد که قدرت این فا حقیقتاً عظیم است و جرأت نمی‌کردند هیچ دردسر بیشتری برای فا ایجاد کنند. آنگاه شما دیگر نمی‌توانستید تزکیه کنید. خدایان نمی‌توانند آنقدر سرسری به اینجا بیایند تا مردم عادی را بکشند، و همچنین نمی‌توانند به این محیطی که شما در آن تزکیه می‌کنید آسیب بزنند. در تزکیه ما، وقتی اجتماع و افراد مختلف انواع و اقسام مشکلات را برای ما ایجاد می‌کنند، اگر بتوانیم در دفاع از دافا در شرایط مختلف به خوبی عمل کنیم، آیا این محافظت از فا نیست؟

درخصوص افراد بد یا کسانی که کارهای بد انجام می‌دهند، اگر آنها قابل نجات باشند، می‌توانیم سعی کنیم آنها را متقاعد سازیم و شاید نجات یابند. اگر آنها به روش خودشان اصرار کنند و به انجام چنین کارهایی ادامه دهند- به شکلی جنون‌آمیز آنها را انجام دهند- بعد وقتی زمانش برسد به آن رسیدگی خواهیم کرد. همچنین امکان دارد که در زمان باقی‌مانده برای آزمایش شاگردان مان مورد استفاده قرار بگیرند. وقتی که تزکیه ما پایان می‌یابد، مطمئناً آنها باید برای هرکاری که انجام داده‌اند پیردازند.

پرسش: در مورد آنهایی که قادر نیستند تبدیل به خدایان شوند، چرا نمی‌توانند حتی به‌عنوان انسان‌ها باقی بمانند؟

**معلم:** کل کیهان در حال نو شدن است. در رابطه با انسان‌ها، وقتی این تزکیه تمام شود، دیگر نیازی به این محیط نیست. انسان‌هایی که باقی می‌مانند موجودات بشری فاسد و فرومایه‌ای خواهند بود که حتی متعفن‌تر و بدتر هستند؛ وقتی انسان‌ها خوب نباشند حذف می‌شوند. همگی درباره این بیندیشید: آیا آنها می‌توانند به این شکل به هستی ادامه دهند؟ موجودات بشری واقعاً توسط خدایان خلق می‌شوند. این را قبلاً توضیح دادم، اما اجازه دهید بیشتر توضیح دهم. همان‌طور که می‌دانید، ما موجودات بشری در بُعدی زندگی می‌کنیم که از مولکول‌ها ساخته شده است. اما آیا می‌دانستید که هر چیزی در اطراف ما از مولکول‌ها تشکیل شده است، حتی هوا؟ آنچه می‌خورید، آنچه می‌نوشید، با هر چیزی که در تماس هستید، هر چیزی در اطراف شما، و تمام چیزهایی که نمی‌توانید ببینید از مولکول ساخته شده‌اند. بنابراین اگر کسی از بیرون نگاه کند- اگر کسی از محیط

بیرون از جهان ما به سه قلمرو نگاه کند- آیا موجودات بشری در میان توده‌ای مولکول نیستند؟ شما درست در میان توده‌ای مولکول زندگی می‌کنید؛ حتی هوایی که تنفس می‌کنید مولکول است. آنگاه برای موجودات سطح بالا که از بیرون سه قلمرو به بُعد بشری نگاه می‌کنند، مولکول‌ها چه هستند؟ خدایان این مولکول‌ها را بطور کلی «خاک» یا «گل و لجن» می‌نامند. شما در میان گل و لجن هستید، موجودات بشری در این گل و لجن به اطراف می‌خزند- این چیزی است که خدایان می‌بینند. خدایان تمام چیزها [در اینجا] را به این شکل می‌بینند. همچنین مواد بالاتر بیشتری در سطوح مختلف وجود دارند. بعد از اینکه آن را این‌طور توضیح می‌دهم، فکر می‌کنم آنقدرها سخت نخواهد بود آنچه عیسی در این باره گفت را درک کنید که، یهوه انسان را از گل آفرید! آن گل و خاکی که شما می‌بینید نیست- هر چیزی در اینجا گل است. حتی بدن بشری شما توسط آنها خاک و گل تلقی می‌شود. آن به این دلیل است که در چشم خدایان، سطح مولکول‌ها، و به‌ویژه سطح پست‌ترین مولکول‌ها، کثیف‌ترین و بدترین گل است. آنها به این شکل می‌بینند.

*پرسش: وقتی بعضی افراد تمرین‌ها را انجام می‌دهند بدن‌شان به چپ و راست نوسان می‌کند. این باعث می‌شود به نظر سایرین کمی ناجور دیده شوند.*

**معلم:** هر کسی شرایط خود را دارد. بعضی افراد در این سمت بدن‌شان مواد بیشتری دارند و در آن سمت مواد کمتری دارند. مواردی مانند این وجود دارند. آن بوسیله خود شما در محیط‌های مختلف و تحت موقعیت‌های مختلف در گذشته ایجاد شده است. به‌هرحال، باید بر تزکیه تمرکز کنید، و من برای‌تان به آنها رسیدگی می‌کنم. نمی‌توانید خودتان آنها را اداره کنید. بنابراین فقط نیاز دارید بر تزکیه تمرکز کنید. داشتن یک وابستگی بیشتر بی‌فایده است. اگر به فکر کردن درباره آن ادامه دهید، تبدیل به یک بار سنگین، یک مانع، و یک وابستگی خواهد شد. آیا صرفاً ذکر نکردم که آنقدر موانع را برداشته‌ام که دیگر هیچ دری وجود ندارد، و اینکه من فقط به قلب افراد نگاه می‌کنم؟ اگر حتی تحت این شرایط هنوز خود را تزکیه نکنید و من به قلب‌تان نگاه نکنم، چگونه می‌توانستم شما را نجات دهم؟ درست؟

*پرسش: ما چگونه می‌توانیم تمام عقاید و تصورات کسب‌شده پس از تولد را هر چه سریعتر بزداييم؟*

**معلم:** تنها راه این است که در مطالعه فاستوار باشید، و وقتی یک فکر اشتباه سربرآورد، به خاطر داشته باشید که شما تزکیه‌کننده هستید و با افکار درست آن را سرکوب کنید. بدن‌های قانون من فعالیت‌های ذهنی شما را خیلی واضح می‌بینند. اگر بتوانید تمایز قائل شوید و آن را به‌عنوان خودتان در نظر نگیرید، آنگاه بطور طبیعی آن شما نخواهد بود و پاک خواهد شد. اما آن به یک باره برایتان پاک نخواهد شد. آن به سطوح مختلف تقسیم می‌شود و به تدریج کم می‌شود، زیرا باید [کمی از آن را] به‌جای بگذاریم تا بتوانید خودتان فا را درک کرده و تزکیه کنید. اما از برخی [عقاید و تصورات] که بسیار بد هستند فوراً خلاص می‌شویم. آن به این شکل است.

*پرسش: یک شاگرد در طول مطالعه گروهی به خواب رفت. بعد از اینکه دیگران به او تذکر دادند، او خوشش نیامد و از آمدن به مطالعه گروهی اجتناب کرد.*

**معلم:** آنگاه نیازی نیست از او بخواهید برای مطالعه بیاید. او برای مطالعه فا نیامد. او برای خوابیدن آمد. بنابراین چرا از او بخواهید که بیاید؟ درست است؟ بیاید که بخوابد؟ ما نیازی نداریم افراد برای خواب بیایند.

درباره اینکه تعداد افراد کم هستند نگران نباشید. حتی اگر فقط یک تزکیه‌کننده واقعی در یک محل تمرین باشد، می‌گوییم که بد نیست. درباره تعداد کم افراد نگران نباشید. اگر توده‌ای بزرگ از مردم را داشتید- فرض کنید هزار نفر- اما حتی یکی از آنها یک تزکیه‌کننده واقعی نبود، چه فایده‌ای می‌داشت؟ آن حتی به فا آسیب می‌زد.

پرسش: گاهی اوقات کار دستیاری و کمک ما به دیگران به اندازه کافی خوب نیست زیرا می‌ترسیم اشتباه کنیم و فا را تفسیر کنیم.

**معلم:** بارها موضوع دستیاری و کمک به دیگران را مورد بحث قرار داده‌ام. برای مثال، می‌توانید به این شکل صحبت کنید: «من این معنای فا را در سطحی که در آن هستم درک می‌کنم - این چیزی است که من در سطح خودم درک می‌کنم. البته، فا معانی‌ای دارد که عمیق‌تر هستند!» مسئله‌ای نیست که بگوییم: «من مطابق الزامات فا در سطح معینی نیستم»، یا «فکر می‌کنم فا چیزهای بخصوصی را در این قلمرو خاص مورد بحث قرار می‌دهد. با این حال، فا معانی درونی دیگری نیز دارد» - آن باید به وضوح بیان شود. به عبارت دیگر، شما نباید خودتان را محدود کنید.

پرسش: تمرین‌کنندگان هنوز شغل‌هایی در اجتماع دارند. آیا آنها باید اصول اجتماع عادی بشری را بکار ببرند تا مشکلات [مربوط به شغل خود] را اداره کنند؟

**معلم:** شغل، شغل است. تزکیه، تزکیه است. اما رشد و بهبود شین‌شینگ‌تان از طریق تزکیه در [اداره کردن] مسائل خاص در کار منعکس خواهد شد. همچنین، اگر رئیس شما اصرار می‌کند که کاری انجام دهید، می‌توانید کمی بیشتر انعطاف داشته باشید، زیرا این شما نیستید که می‌خواهد آن را انجام دهد. اگر آن کار را انجام ندهید، او شما را درک نخواهد کرد. اما شما اشتباه بزرگی مرتکب نخواهید شد. اگر مشکلی پیش آید، وقتی آن را انجام می‌دهید بهترین سعی خود را بکنید که آن را درست انجام داده و آن را به روش خودتان اداره کنید. آن تماماً بستگی به این دارد که شما چگونه آن را اداره می‌کنید. فکر می‌کنم می‌توانید تمام آن چیزها را به خوبی اداره کنید. فکر نمی‌کنم مشکلی باشد. مورد دیگری وجود دارد: برخی از ما آنقدر درباره وجهه خودمان نگران هستیم که اجازه نمی‌دهیم دیگران بدانند که ما دافا را تمرین می‌کنیم. آنها نمی‌گذارند دیگران بدانند که چقدر خوب هستند. فکر می‌کنم بیشتر این، توسط خود افراد ایجاد شده است. می‌توانم به شما بگویم که اکنون صد میلیون نفر در حال یادگیری دافا هستند. این عدد کوچکی نیست. شما یک پدیده مجزا نیستید و به شما نخواهند خندید. و مخصوصاً در این محیط چانگ‌چون، وقتی از تمرین‌کنندگان فالون دافا نام برده می‌شود هر کسی می‌داند آنها افرادی خوب هستند.

در بسیاری از مناطق، وقتی کارگران بیکار دنبال کاری جدید می‌گردند، مردم می‌گویند: «من هر تمرین‌کننده فالون دافا را استخدام می‌کنم.» فکر نکنید که مورد شما تنها مورد است یا شما برجسته هستید، موضوع این نیست. ما این محیط را بنیان گذاشته‌ایم. به علاوه، این نوع از محیط در سرتاسر کشور شکل گرفته است.

پرسش: گروه چی گونگ دیگری هست که تمرین‌های خود را کنار ما انجام داده و نوار موسیقی خود را بلند پخش می‌کنند. آیا ما باید...؟

**معلم:** مهم نیست. آیا این نیز آزمایشی برای ذهن ما نیست که دیده شود آیا تحت تأثیر قرار گرفته‌ایم؟ وقتی آنها چیزهای خودشان را پخش می‌کنند، آیا آن بر ذهن شما اثر می‌گذارد؟ در آن زمان‌ها شما مورد آزمایش قرار می‌گیرید که دیده شود آیا با آن آشفته می‌شوید، یا عصبانی می‌شوید. بنابراین برای دانستن علت باید درون را ببینیم، و حتی وقتی صدای رعد و برق می‌آید خم به ابرو نیاوریم. بگذارید موسیقی خود را پخش کنند. وقتی که شما حقیقتاً تأثیر نپذیرید آن بطور طبیعی ناپدید می‌شود. این تضمین می‌شود. اگر آن را عمداً انجام می‌دهند، اگر شما نمی‌توانید آن را به خوبی اداره کنید، یا اگر شاگردان جدید زیادی وجود دارند، آنگاه در آن صورت می‌توانیم مکانی جدید پیدا کنیم. آنها فکر می‌کنند آن مکان خوب است، پس بگذارید آن را داشته باشند. هر جایی که ما فالون گونگ را تمرین می‌کنیم محل خوبی می‌شود. ما محیط را دوباره می‌سازیم، نه اینکه محیط را انتخاب کنیم.

پرسش: ترکیه‌کنندگان چگونه باید شغل خود را به‌عنوان مدیر به‌خوبی انجام دهند؟

**معلم:** امروزه در ارتباط با افرادی در موقعیت مدیریتی، چیزهای ملال‌آور بسیاری وجود دارند. اگر همه مردم در اجتماع فالون گونگ را تمرین می‌کردند، فکر می‌کنم شما می‌توانستید بدون نگرانی زیاد کار خود را خیلی خوب انجام دهید. اگر هر کسی قرار بود به نفع عموم فکر کند، اگر هیچ کسی به نفع خودش فکر نمی‌کرد، اگر هیچ کسی دنبال چیزهایی نمی‌رفت که به خودش سود برساند، و اگر همه قرار بود به رفاه حال دیگران فکر کند، درباره آن فکر کنید، اجتماع به چه شکلی در می‌آمد؟ البته، منظورمان این نیست که از همه بخواهیم بعد از کسب فایده فردی عادی شوند. صرفاً نکته‌ای را اینجا نشان می‌دهم. در مورد اینکه چگونه باید مسائل را اداره کنید، آنها موضوعات خاصی هستند که شما باید برای خود تصمیم بگیرید. خودتان باید آنها را بر طبق آنچه که فکر می‌کنید یک تمرین‌کننده باید انجام دهد، اداره کنید. می‌توانید در مورد چیزهایی خاص سازگارتر و صبورتر باشید. با خودتان، باید سختگیرتر باشید.

*پرسش: پدیده‌های ناسالم در اجتماع که در کارمان با آنها مواجه می‌شویم را چگونه باید اداره کنیم؟*

**معلم:** به چیزهایی که خارج از کنترل شما هستند زیاد فکر نکنید. اگر شما یک مدیر هستید و روش‌های فاسد در سازمان شما شایع است، آنگاه شما به‌خاطر آن مسئول هستید. اما اگر آنها چیزهایی نیستند که در محل کار شما روی می‌دهند، یا اگر در جایگاهی اجتماعی قرار ندارید که مسئولیت‌های خاصی در قبال دیگران داشته باشید، آنگاه نباید به آن دل‌مشغول شوید. فقط باید مطمئن باشید که خود را به‌خوبی اداره می‌کنید. آنچه لازم می‌دانیم این است که به‌خوبی عمل کنیم، از خودمان شروع کنیم. اگر هر کسی مطمئن شود که به‌خوبی خود را اداره می‌کند، آنگاه همه چیز در جامعه خوب خواهد بود. درحالی‌که اگر همه سعی کنند پلیس دیگران باشند، آنگاه مردم هر چه بیشتر سعی کنند، چیزها بدتر می‌شوند، و تضادهای بیشتر و بیشتری برمی‌خیزد. اگر مردم خودشان را به‌خوبی اداره نکنند و به جای آن پلیس دیگران باشند، آنگاه آنها در میان خودشان به نزاع می‌پردازند که «تو خوب نیستی»، «آن زن خوب نیست»، یا «آن مرد خوب نیست». تنش‌ها میان افراد شدیدتر و شدیدتر می‌شود. بدون شک این‌طور است.

*پرسش: چرا بعضی از مردم همیشه فا را بد درک می‌کنند یا به شیوه‌ای افراطی آن را درک می‌کنند؟*

**معلم:** در واقع آن بسیار ساده است. این چیزی نیست مگر موضوعی از اینکه نقطه شروع فکر شخص چیست. یعنی، وقتی می‌خواهید فا را درک کنید، پایه و اساس تفکر شما چیست و از چه منظری نگاه می‌کنید؟ وقتی به وابستگی‌های خود چسبیده باشید و بخواهید به دنبال پاسخی باشید یا در جستجوی چیزی باشید که از چیزهایی که نمی‌توانید رها کنید محافظت کند، البته شما فا را بد درک خواهید کرد. اگر وقتی فا را می‌خوانید درباره چیزی فکر نکنید، آنچه فا به شما می‌گوید درست خواهد بود. سعی نکنید در فا دنبال چیزی بگردید که شما فکر می‌کنید درست است. سعی نکنید در فا چیزهایی را جستجو کنید که بهانه و توجیهی برای خودتان باشد، و چیزها را خارج از متن نیاورید تا از خودتان محافظت کنید. آن غیرقابل قبول است، و هر چه بیشتر بخوانید، بیشتر گیج خواهید بود. آن صرفاً بستگی به این دارد که نقطه شروع شما چیست.

*پرسش: در حال حاضر، سریعترین راه برای رسیدن به کمال چیست؟*

**معلم:** من برای مردم سریعترین و بهترین راه تزکیه را ایجاد کرده‌ام. ما در این پیچیده‌ترین اجتماع مردم هستیم، و این محیط پیچیده شما را قادر می‌سازد که به سرعت رشد کنید. همزمان، فایه به این عظمت امروز اشاعه یافته است. این فا اجازه می‌دهد مردم به سرعت رشد کنند. می‌خواهید دیگر چقدر سریعتر باشد؟ هیچ چیزی سریعتر از دافا نمی‌تواند مردم را نجات دهد. یک فرد پر از کارما ابتدا باید فکر کند که چگونه کارمای خود را پس دهد. هیچ موضوعی از اینکه [شیوه‌ای بهتر] را انتخاب کنید نیست.

*پرسش: همیشه فکر می‌کنم که رونویسی از کتاب اتلاف وقت است.*

**معلم:** پس طرز تفکر شما کمی زیادی افراطی است.

پرسش: به منظور غلبه بر کارمای فکری، به غیر از بکار بردن اراده قوی برای دفع کردن آن، آیا روش‌های خوب دیگری هم وجود دارد؟

**معلم:** خیر. حتی اگر از دستان تان برای گرفتن آن استفاده می‌کردید نمی‌توانستید آن را بیرون بکشید. هیچ راه دیگری نیست. رشد و بهبود شما و زدودن کارمای فکری شما با ارتقاء سطح تان می‌آید. تزکیه موضوعی جدی است، آن هر طور که شما مایل باشید پیش نمی‌رود. هر جنبه از آن به دقت برای شما منظم چیده شده است. تفکر آرزومندانه عملی نیست.

پرسش: بعد از اینکه لایه بزرگترین سلول‌های بدن بشری ریخته می‌شود، بدن‌ها در بُعدهای دیگر به چه شکلی وجود دارند؟

**معلم:** گفته‌ام که موجودات بشری با مرگ زندگی بشری نمی‌میرند. درباره این موضوع در فاصحت کرده‌ام و آن را به وضوح توضیح داده‌ام. وقتی فردی می‌میرد، فقط لایه بزرگترین مولکول‌ها - پوسته بشری یا این لایه مولکول‌ها در سطح - می‌میرد و از این بُعد ناپدید می‌شود. چگونه بدن واقعی شما که از ماده میکروسکوپی ساخته شده است می‌تواند بمیرد؟ آتش درون کوره سوزاندن اجساد نمی‌تواند ماده میکروسکوپی تر شما را بسوزاند، نمی‌تواند به آن دست پیدا کند. بگذارید به شما بگویم که آن به این دلیل نیست که آتش بشری نمی‌تواند آنها را بسوزاند یا آتش بشری به اندازه کافی داغ نیست تا هسته اتم را بسوزاند. آن به این دلیل است که بین آتش اینجا و مواد آنجا تفاوتی در بُعدها وجود دارد. به همین خاطر آتش نمی‌تواند به آنها دسترسی داشته باشد.

پرسش: در بخش «تمرین در راهی شیطانی»، شما گفتید که موجودات روشن بین بزرگ جهان‌های جدید را براساس ویژگی‌های خود می‌سازند. آنگاه ویژگی‌های اصلی و جهان‌های جدید...

**معلم:** کیهان بی‌نهایت وسیع است، و آنچه شما مطرح کردید در جهان‌هایی در سطوح گوناگون اتفاق افتاده است، اما آنچه که در کتاب مورد بحث قرار گرفته است مواد در بدن کیهانی به آن حد بزرگ نیستند. آن به این شکل نیست.

جهان‌های بی‌شماری در بدن کیهانی وجود دارند. با نگاه به آنها از بدن کیهانی عظیم، همه آنها مانند ذره‌ای غبار هستند. در سطوح مختلف فضا، جهان‌های مختلف، فضا را در سطوح مختلف درک می‌کنند. برای مثال، فای حقیقی سطح معینی از فضا برای موجودات آشکار نخواهد شد. اما ویژگی‌های فضا که تجلی می‌یابد می‌تواند توسط موجودات فهمیده شود. به همین شکل، آنچه امروز به شما گفته‌ام صرفاً بحثی کلی است از آن چیزی که پس از صعود به آن سطح درک خواهید کرد. شما آشکار شدن واقعی آن سطح را نخواهید دانست. از این رو، اگر موجودات یک سطح خاص بوسیله تزکیه از پایین به آنجا رسیده باشند (به استثناء تمرین‌کنندگان دافا)، در روند ارتقاء سطح‌شان بوسیله تزکیه، در فضا در آن سطح جذب شده‌اند، و چیزهای خودشان که تزکیه کرده‌اند را توسعه داده‌اند. برای مثال، شاکيامونی «احکام، تمرکز، خرد» داشت. احکام، تمرکز، خرد او با اصول فضا در سطح او و با فای کیهان در آن سطح مطابقت دارد. از این رو او تا آن سطح بالا رفته بود. کل جهان [او] توسط اصول فایش ساخته شده است - توسط احکام، تمرکز، خرد ساخته شده است. همزمان، فای او همچنین اصل تکاملی برای تمام دستیابی‌های راستین او است. تمام ماده و شکل‌ها همراه با آن چیزهای او تغییر می‌کنند. به عبارت دیگر، او نمی‌داند که آن فای بنیادین است که حقیقتاً آنجا منعکس شده است، اما او می‌تواند تجلی آن را بداند. با روشن بین شدن به چیزها در آن سطح، او همچنین می‌تواند در آن سطح وجود داشته باشد. و آنگاه به وسیله خودش به چیزی نائل شد: مقام روشن بینی راستین.

بوداها و خدایان دیگری در همان سطح وجود دارند. بطور مشابه، آنها به درک‌های دیگری از اصول فضا در آن سطح روشن بین شدند. آنها نیز، با اصول فضا در آن سطح مطابقت داشتند و به این ترتیب به مقام‌های دستیابی خودشان روشن بین شده‌اند. همین برای بوداها صدق می‌کند: آنها نیز، بهشت‌های خود را آنجا بنا کرده‌اند و به دستیابی روشن بینی راستین خود در آن سطح از

دافای کیهان روشن بین شده‌اند. اما آنها با همدیگر متفاوت بودند، اما همگی آنها مطابق استانداردهای همان سطح بودند. بعد از اینکه آن را به این شکل توضیح دادم، اکنون درک می‌کنید، درست؟ آنگاه در این کیهان پهناور، پدیده‌های مانند این - پدیده‌های مانند این در سطوح مختلف - به شدت زیاد هستند. بنابراین در یک جهان مانند این، دوره‌های شکل‌گیری، ثبات، و فساد بارها بطور متناوب ظاهر می‌شوند. اما فای کل بدن کیهانی ما هرگز تغییر نخواهد کرد. این برای همیشه فا خواهد بود، که هرگز تغییر نخواهد کرد، و هرگز تغییر نکرده است.

پرسش: بین آن شاگردانی که در سمینارهای آموزش فا توسط استاد شرکت کرده‌اند و آنهایی که شرکت نکرده‌اند، به جز اینکه رابطه تقدیری متفاوتی با استاد دارند، آیا از لحاظ دیگری هم متفاوت هستند؟

معلم: در واقع، بگذارید به شما بگویم: شما به هیچ وجه در تزکیه‌تان با هم متفاوت نیستید. بسیاری از افرادی که رابطه تقدیری قوی‌ای با من دارند در گذشته در سمینارها شرکت نکردند. آن به خاطر شرایط، مقتضیات، و عوامل بسیار زیاد دیگری بود.

تمام سؤالات پاسخ داده شده‌اند، با برخی سؤالات تکراری که حذف شدند. برخی دیگر توسط مردم عادی مطرح شده بودند و نیازی نبود که پاسخ داده شوند، بنابراین آنها نیز حذف شدند. اکنون برای پنج ساعت است که صحبت کرده‌ام. از آنجاکه این فا است که به آن گوش می‌دهید، هر کسی دوست دارد که گوش دهد، و اگر برای پنج ساعت دیگر هم ادامه می‌دادیم احتمالاً حس نمی‌کردید که آن طولانی است. بدون توجه به اینکه چقدر بگویم، آن صرفاً برای یک هدف است: تا شما قادر شوید به سرعت هرچه تمام رشد کرده و با سرعت هرچه تمام‌تر در تزکیه بالا روید. بیشتر شما حضار، دستیاران هستید، و هدف این است که شما کارتان را به خوبی انجام دهید. در مورد سؤالات بسیار زیادی که دارید و شرایط در تزکیه‌تان، اگر قرار بود تمام آنها را برای شما پاسخ دهم، نمی‌توانستید تزکیه کنید. یا اگر می‌توانستید، نگرانم که به حساب نمی‌آمد. بنابراین خودتان باید به بسیاری از سؤالات روشن و آگاه شوید، و شما خودتان باید تزکیه کنید. فقط آن تزکیه است. من اغلب این مثال را به کار می‌برم: بگذارید بگویم شما به کمال رسیدید و بالا رفتید و بوداهای عظیم و باشکوه را دیدید که آنجا نشسته‌اند؛ تقوای عظیمی که هر بودا بنا کرده فوق‌العاده است. از خودتان می‌پرسید که چگونه به آن بالا رسیدید. از اضطراب دچار لرزش می‌شوید، و حتی خودتان می‌دانید که به آنجا تعلق ندارید، و خودتان پایین می‌آیید. احساس بی‌ارزش بودن می‌کنید! بنابراین در تزکیه، هر یک از شما باید به قلمروی خودش برسد، و باید بطوری محکم به هر سطح برسید. تزکیه جدی است! بعد از اینکه امروز اینجا را ترک کردید، از کلماتم برای اینکه دیگران را هدف قرار دهید استفاده نکنید، زیرا آنها را با در نظر گرفتن موقعیت شما گفتم. و کلمات مرا خارج از متن نقل نکنید. و نباید با شوق به دیگران بگویید: «من شنیدم معلم لی این‌طور و آن‌طور گفت.» لحظه‌ای که آن وابستگی شما پدیدار شود، یک فرد عادی می‌شوید. می‌خواهم ببینم که به شکلی استوار و یکنواخت و روان تزکیه می‌کنید، پس نمی‌خواهم که این مشکلات تکرار شوند.

این محیط امروز... واقعاً برای من آسان نبوده است که در میان رنج‌ها و مشقت‌ها، محیط کلی تزکیه را اصلاح کنم تا از مشکلات رها باشیم و در چنین مسیر درستی بمانیم. در حقیقت، من قادر به انجام آن هستم - ما هیچ شکل ملموسی از سازمان نداریم، و پولی و اموالی نیز نگه نمی‌داریم. چیزهای خوبی که می‌بینید این هستند که ما در ساخت برخی زمینه‌های پرنفوذ در اجتماع مردم عادی شرکت نداشته‌ایم، و اینکه ما اجتماع یا حکومت را آشفته نمی‌کنیم - آن چیزی است که شما می‌بینید. حقیقت این است، می‌توانم به شما بگویم، آن به این خاطر است که ما فا را داریم - فایی به این عظمت داریم - که من می‌توانم در مسائل دخالتی نکنم. اینکه یاد بگیرید یا نه به خودتان مربوط است... ما هیچ نوع ثبت‌نامی نداریم، و هیچ ثبت اطلاعات شخص از کسی نداریم. تا وقتی که تزکیه می‌کنید در برابر شما مسئول هستیم. اما این نوع از مسئول بودن نسبت به شما در اجتماع عادی بشری نشان داده نمی‌شود. تا وقتی که شما تزکیه می‌کنید، می‌توانید رشد کنید، و اگر به تزکیه ادامه دهید، می‌توانید به کمال برسید. اما هیچ یک از اینها در اجتماع بشری عادی ظاهر نمی‌شود.

دلیل اینکه ما کارها را به این شکل انجام می‌دهیم این است که این فا را کامل کنیم. این فا بسیار عظیم است، بنابراین الزام بالایی برای شیوه اشاعه خود در اجتماع عادی بشری دارد. یعنی، شکلی که در میان مردم عادی اتخاذ می‌کند باید با الزامات

دافا مطابقت داشته باشد. آنگاه چه نوع شکل و قالبی با الزامات این فای عظیم مطابقت دارد که بدون لکه‌دار شدن در اجتماع عادی بشری منتشر شود؟ فقط یک شکل وجود دارد: «یک راه بزرگ بدون شکل.» ما واقعا در انجام آن موفق شده‌ایم. بدون هیچ قالب- ما هیچ یک از شکل و قالب‌های اجتماع بشری عادی را نداریم. اما می‌توانیم مردم را قادر کنیم که حقیقتاً تزکیه کنند و حقیقتاً رشد کنند. ما به این طریق راه خود را طی کرده‌ایم، و به این طریق عمل کرده‌ایم، و آن بهترین راه است. هیچ کسی نمی‌تواند اشتباهی در ما پیدا کند. حتی وقتی کسی سعی کند ایراد نابجا بگیرد، هیچ چیزی پیدا نمی‌کند، و آن به این خاطر است که ما فا را داریم. من هیچ قانون و مقرراتی وضع نمی‌کنم. همه شما خودتان می‌دانید چگونه مسائل را اداره کنید.

در مورد شما دستیاران، آنهایی که ما «دستیاران» می‌نامیم صرفاً افراد نیکوکاری هستند که مشهور نمی‌شوند یا شخصاً نفعی از آن نمی‌برند- شما شخصاً هیچ چیزی از آن بدست نمی‌آورید. از روی سرشت نیکوکار خود دستگاه پخش را به محل‌های تمرین می‌آورید تا به دیگران کمک کنید. همه شما به این شکل هستید- شما در حال انجام این از روی سرشت نیکوکار خود هستید و آن عمل خود شماست. تجربه نشان داده است که این محیط برای تزکیه ما بهترین است. هیچ یک از نجات‌دهندگان در گذشته جرأت برگزیدن چنین رویکردی را نداشتند، زیرا آنها فای به این عظمت نداشتند. آنها همگی باید مریدان خود را دور هم جمع می‌کردند تا با پیروی از مقررات و احکام تزکیه کنند. از آنجاکه ما امروز چنین فای عظیمی داریم، می‌توانیم باز باشیم و نیازی نداریم آن مقررات را داشته باشیم. هر چیزی که قالبی داشته باشد نمی‌تواند مطابق این دافا باشد. هیچ مقررات و محدودیتی نمی‌تواند قلب مردم را تغییر دهد- فقط فا می‌تواند. به همین دلیل است که ما این رویکرد را اتخاذ کرده‌ایم.

همزمان، شکل مراکز دستگیری مهم است. این نوع مرکز دستگیری شکلی مانند قالب یک بنگاه اقتصادی یا یک مؤسسه دولتی به خود نمی‌گیرد. یک دستیار صرفاً از خانه خود استفاده می‌کند و با دیگران جمع می‌شود تا به آنها که سؤالاتی دارند کمک کند یا صحبتی داشته باشند. آن شکل توده مردم را می‌گیرد. فکر می‌کنم آن واقعاً خوب است. فکر می‌کنم این عالی است که شما درباره اینکه افراد می‌خواهند چه کار کنند، یا درباره انجام کارها برای اشاعه فا با هم صحبت کنید.

کنفرانس‌های فا چیزی منحصر به دافای ما است. بعد از رسیدن به مرحله‌ای مشخص، ما دور هم جمع می‌شویم تا یک کنفرانس فا داشته باشیم و آنهایی که به خوبی یاد گرفته‌اند تجربیات و درک‌های خود را به اشتراک بگذارند، که الهامی می‌شود برای دیگران و کمک می‌کند آنها رشد کنند. آن عالی است. این چیزی منحصر به ما است.

در مجموع، شما همگی همکاری‌های زیادی با این فا داشته‌اید. البته من از تشریفات پیروی نمی‌کنم که از شما تعریف کنم، و در هر حال این چیزی نیست که شما بخواهید. آنچه شما می‌خواهید شایستگی و تقوا، و بالا بردن قلمرو و سطح‌تان است. بنابراین آن چیزها را نمی‌گویم. کار کردن شما برای دافا همانند کار کردن برای خودتان است، زیرا شما بخشی از دافا هستید. چه در قبال دافا مسئول باشید چه در قبال خودتان مسئول باشید یکسان است. بنابراین نیازی نیست که بیشتر بگویم. من صرفاً در تزکیه‌تان، در سطوح مختلف‌تان، و در روند رشدتان از شما مراقبت می‌کنم.

درخصوص اینکه چگونه چیزها در میان مردم عادی را اداره کنیم، فکر می‌کنم همه شما می‌دانید چگونه. امیدوارم از حالا به بعد شروع بهتری داشته باشید و کارتان را حتی بهتر انجام دهید. ضمناً، امیدوارم جلسه امروز، که می‌تواند یک کنفرانس فا نامیده شود، کمک کند تا بطور قابل توجهی رشد کنید و خیلی زیاد باعث ترغیب شما شود. اینجا، شاید من شما را به جلو هل بدهم، اما شما خودتان باید در مطالعه فا بشتابید، و از وقت خود به بهترین شیوه استفاده کنید تا فا را مطالعه کرده و ادامه دهید. فقط آن، پیشرفتی استوار است. امیدوارم هرکسی به تزکیه بطور کوشا و جدی ادامه دهد. صرفاً نگاه نکنید که دیگران به کمال می‌رسند- شما نیز باید تلاش کنید در اسرع وقت به کمال برسید.

---

<sup>۱</sup> یادداشت مترجم: اشاره دارد به سیستم فکری مارکسیست که ماده را پیش از ذهن فرض می‌کند، و اساس نظریه کمونیسم را شکل می‌دهد.

<sup>۲</sup> یادداشت مترجم: «کشف کردن ریشه‌ها» مقاله‌ای در کتاب نکات اصلی برای پیشرفت بیشتر ۱

<sup>۳</sup> یادداشت مترجم: اصطلاح چینی در اینجا (و در بعضی جاهای دیگر)، شین، می‌تواند این‌گونه نیز ترجمه شود: «وابستگی‌ها»، «افکار»، «قصدها»، «احساسات»، و غیره.

<sup>۴</sup> یادداشت مترجم: مقاله «افلاک» یا «گردون» از کتاب نکات اصلی برای پیشرفت بیشتر ۱

<sup>۵</sup> یادداشت مترجم: لی واحد سنجش مسافت برابر با یک سوم مایل یا نیم کیلومتر است.

<sup>۶</sup> یادداشت مترجم: این واژه می‌تواند «خاک رس» نیز ترجمه شود.